

علی محمد علی دخیل

پیشوایان ما

۱۲

# امام مہدی

علیہ السلام

ترجمہ: حسین استاد ولی

علی محمد علی ذخیل

امام مہدی

علیہ السلام

حسین استاد ولی

نام کتاب : امام مهدی علیه السلام

نویسنده : علی محمد علی دخیل

مترجم : حسین استاد ولی

ناشر : انتشارات : منتظر، المهدی

تنظیم و منٹاژ : انتشارات مفید

تیراژ : ۶۰۰۰ جلد

سال نشر : شہریور ۶۰

قطع : رقعی



**انتشارات المهدی**

ناصر خسرو کوچہ حاج نایب پاماساژ خاتمی طبقہ سوم

**انتشارات منتظر**

کوچہ مسجد جامع پاساژ فر نو طبقہ دوم

اهداء

خدایا :

این مجموعه گزارش کوتاهی است از زندگانی و روش ولی و برگزیده<sup>۱</sup> تو و فرزند حبیب محمد صلی الله علیه وآله ، و حاجت تو بر آفریدگانت ، و امامی که زمین را بدست توانای او از عدل و داد پرکنی آنگونه که از ظلم و جور پر شده باشد .

پروردگارا :

من این کتاب را به پیشگاه مقدس تو تقدیم می‌کنم که تو سر-

پرست و یاور اویی .

الهی :

از تو امید قبول دارم .

بندهات

علی محمد علی دخیل



# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## این کتاب

این انسان ضعیف و ناتوانی که از قطره آبی پست و بی ارزش آفریده شده (۱) همینکه بمرحله‌ای از رشد و تکامل می‌رسد و قوای درونی‌اش شگفته می‌گردد و میتواند که پاره‌ای از علوم و معارفی را که دست قدرت خداوندی در عالم زندگی بودیعت گذارده بفهمد، بجای اینکه درباره شناخت معماهای حیرت انگیز و اسرار شگفت آور هستی بیندیشد و به بررسی خویش و بافت و ریزه‌کاریهایی که در آن بکاررفته پردازد و در باره لطائف طبیعت و زیباییها و نظامات دقیق آن به بحث بنشیند و نیرویش را در راه کشف اسرار آسمان و ستارگان و زمین و معادن و دریاها و مخلوقاتی که در آنهاست بکار اندازد، آری اودر عوض اندیشه در این گستردگی لطائف و شگفتیهای طبیعت و عالم حیات، در راه تشکیک و انکار نسبت بخالق حیات و طبیعت سرعت گرفته و شتابان می‌رود.

البته او مرکز دنبال چنین کاری نرود و بچنین بحثی تن ندهد خصوصاً که این کار او را بسی بزحمت اندازد که رنجش اندک نیست و از او علم و تحقیق خواهد و حال آنکه او جز سطحی بودن بحث و یکنواختی اندیشه را نخواهد.

---

۱ - اشاره است بآیه ۱۴ سوره مؤمنون: "براستی انسان را از خلاصه‌ای از گل آفریدیم سپس او را بصورت نطفه در قرار گاهی استوار و آرام قرار دادیم سپس نطفه را علقه و علقه را مضغه و مضغه را استخوان ساختیم و سپس استخوان را با گوشت پوشاندیم سپس آفرینش دیگری باو دادیم پس مقدس است خدائی که بهترین آفریننده‌هاست".

گفتن " خدا کجاست " یا " خدائی نیست " زحمت بررسی باو ندهد و از وی کوششی نخواهد و چه بسا که با اینکار میتواند بخود و دیگران چنین پنداشت دهد که فیلسوفی بزرگ شده یا دانشمندی پرتوان گشته باین دلیل که خدا را منکر است .

و وقتی بنا باشد آدمی خدا را منکر شود با آنهمه آیات که :

فِي كُلِّ شَيْءٍ لَّهُ آيَةٌ  
تَدُلُّ عَلَىٰ أَنَّهُ خَالِقٌ

در هر چیزی برای او نشانه‌ایست

که دلالت دارد بر اینکه او خالق است

پس چرا و چگونه وجود امام مهدی (ع) را انکار نکند در صورتیکه آنحضرت یکی از آفریده‌های خدای تبارک و تعالی است .

و چه سهل است که کسی گوید: " امام مهدی نیست " و " چگونه هزار سال زیسته در حالیکه عمرهای ما به صد هم نمی‌رسد " و " چرا ظاهر نمی‌شود تا او را ببینیم "؟!!

و اما این کتاب چنین ادعائی ندارد که شامل همه مسائل مربوط به امام مهدی (ع) است، بلکه این گذری سریع و اشاره‌ای است کوتاه بآن مسائل و هنرش زدودن یک سلسله شبهاتی است که در این زمینه مطرح شده و دفع اوهام و شکوکی است که در باره این موضوعات وارد گشته است .

کتاب حاضر آیاتی از قرآن کریم که درباره آنحضرت تأویل شده و احادیثی از رسول اعظم (ص) را که در شخصیت و موضوع حضرتش رسیده در اختیار خواننده عزیز قرار میدهد و در کنار این آیات و احادیث فرمایشاتی از ائمه طاهرین علیهم السلام و سخنانی از بزرگان صحابه و تابعین درباره حضرتش بچشم میخورد .

و نیز فهرستی از اسامی پنجاه نفر از صحابه و ۵۰ نفر از تابعین که احادیثی از پیامبر گرامی راجع بحضرت مهدی (ع) و خروج او مسائلی از این قبیل نقل کرده‌اند آورده شده و چنانچه مشاهده خواهی کرد در این میان بحثهایی بمیان آمده درباره شبهات و اشکالاتی در اطراف

اینگونه مسائل: طول عمر، چرا غائب شده، چرا ظهور نمیکند و از این قبیل موضوعات که به غیبت و ظهور و دولت حضرتش مربوط می شود. و آخرین بخش از کتاب بدانشمندان و متفکرین اهل سنت اختصاص یافته زیرا که صاحبان کتب صحاح و دیگران از بزرگان علماء حدیث روایاتی در اینباره آورده و تعداد زیادی از آنان کتابهای مستقلی در زمینه مسائل مربوط به آنحضرت (ع) نگاشته اند چنانچه بعضی دیگر از آنان فصول خاصی از کتابهای خود را به آنحضرت اختصاص داده و گروهی دیگر در لابلای نوشته های خود سخنی از حیات آنحضرت بمیان آورده اند. و در پایان سخنانی از بزرگان علماء و دانشمندان در زمینه ظهور و مسائل مربوط به آنحضرت مورد مطالعه خواننده عزیز قرار میگیرد. و مصادر بحث و مدارک سخن در این کتاب قرآن کریم، سنت پیامبر (ص)، عقل و اجماع است و باید دانست که موضوع حضرت مهدی (ع) از ضروریات دیگر اسلام جدا نیست و انکار آن انکار یکی از ضروریات دین است.

و چون سخن را بیش از این شایسته نمیدانم خوانندگان محترم را بمطالعه متن کتاب حواله می کنم امید آنکه مورد پذیرش قرار گیرد و خدا از پس نیتهاست.

علی محمد علی دخیل



امام مهدی علیه السلام در چند سطر

نام مبارکش: محمد علیه السلام

پدر بزرگوارش: حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

جد بزرگوارش: حضرت امام علی الهادی علیه السلام

مادرش: نرجس خاتون علیها السلام و گفته‌اند: نامش ملیکه دختر یسوعا

پسر قیصر پادشاه روم است که مادرش از اولاد حواریون ( پیروان

حضرت عیسی (ع)) بوده و نسبش به شمعون وصی حضرت عیسی

(ع) میرسد.

کنیه‌اش: ابوالقاسم کنیه رسول خدا (ص) است.

القابش: مهدی، قائم، منتظر، صاحب الزمان، حجت، خاتم و صاحب

الدار است.

ولادتش: در شب پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هجری در سامراء بدنیا آمد.

شماغش: چهره‌اش روشن، پیشانی‌ش سفید، میان دوا بروانش گشاده و بینی‌اش

باریک و میان آن برآمده است و نوری از آن می‌درخشد که بنظر

میرسد بالای بینی‌اش برآمدگی دارد و از حسن و جمال و نور و

بهاء بیننده را بشگفت آورد گویا شاخه‌ای نازه و نورس است.

پهنائی پیشانی مبارکش همچون ستاره‌ای درخشان است، خال روی

راستش چون ریزه مشکی بود بر نقره خام، موهای سرش بحدی

بلند است که روی لاله گوشش آویخته، هیئت نیک و خوشی دارد

که هیچ چشمی هیئتی بدان اعتدال و تناسب و هیئتی بآن زیبائی

و با حیائی ندیده است.

غیبت اول آنحضرت: که غیبت صغری نامیده می‌شود مدت آن ۶۹

سال است که آنحضرت سفرائی بین خود و شیعیانش قرار داده بود و در

اینمدت با آنان تماس داشته و توقیعاتش بآنان می‌رسیده است و آنان



عبارتند از:

۱ - ابوعمرو و عثمان بن سعید بن عمرو و عیدی اسدی که وکیل امام هادی و امام عسکری علیهما السلام هم بوده است.

۲ - پسر او ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید در گذشته بسال ۳۵۴ هـ.

۳ - ابوالقاسم حسین بن روح بن ابی بحر نوبختی در گذشته بسال ۳۲۶ هـ.

۴ - ابوالحسن علی بن محمد سمری در گذشته بسال ۳۲۹ هـ. (۱) غیبت دوم آنحضرت: که غیبت کبری گفته می شود از بعد وفات علی بن محمد سمری سال ۳۲۹ هـ. شروع شده و تا هنگامیکه خدای تعالی اجازه خروجش دهد ادامه دارد.

نقش انگشترش: "أَنَا حُجَّتُهُ وَ خَاصَّتُهُ" من حجت و برگزیده خدایم.

پرچم آنحضرت: بر روی آن نوشته شده. "الْبَيْعَةُ لِلَّهِ" بیعت برای خداست.

یاران آنحضرت: سیصد و سیزده نفرند به تعداد یاران رسول خدا (ص) در جنگ بدر که اینان اصحاب خاص و پرچمداران حضرتند و کارگزاران او ند در شهرها.

محل ظهورش: مکه مکرمه است.

محل بیعت با او: بین رکن و مقام است.

لشکریانش: ده هزار نفر هستند.

دولت آنحضرت: همه عالم را فراگیرد و در احادیث متواتر از پیامبر

(ص) نقل شده که آنحضرت زمین را از عدل و داد پر کند آنگونه

که از ظلم و جور پر شده باشد.

مدت حکومتش: اکثر روایات صراحت دارند بر اینکه مدت حکومت آن

۱ - اقامت این بزرگواران در بغداد بوده و قبرشان در جاهای

مختلفی از همان شهر است و ضریحهای استوار و زیبا و مساجد آبادی

روی آنها ساخته شده است.

حضرت (ع) پنج یا هفت یا نه و یا نوزده سال است و روایاتی به  
بیشتر از اینها هم رسیده است. (۲)

۲ - دانشمند محقق استاد ناصر مکارم شیرازی گوید: گرچه در  
باره مدت حکومت از احادیث مختلفی امروز در منابع اسلامی دیده  
میشود که از ۵ یا ۷ سال تا ۳۰۹ سال (مقدار توقف اصحاب کهف در  
آن غار تاریخی) ذکر شده که در واقع ممکن است اشاره به مراحل و  
دورانهای آن حکومت باشد. آغاز شکل گرفتن و پیاده شدنش ۵ یا ۷  
سال و دوران تکاملش ۴۰ سال و دوران نهائیش بیش از سیصد سال است  
(دقت کنید). ولی قطع نظر از روایات اسلامی، مسلم است که این همه  
آوازه‌ها و مقدمات برای یک دوران کوتاه مدت نیست بلکه قطعاً برای مدتی  
است طولانی که ارزش این همه تحمل زحمت و تلاش و کوشش را داشته  
باشد. ( مهدی انقلابی بزرگ). مترجم

### امام مهدی (ع) در قرآن کریم

در این بخش ده آیه از کتاب خدا آورده می‌شود که درباره حضرت مهدی (ع) تأویل شده‌اند (۱) و دانشمندان مورد اعتماد آنها را در کتابهای خود از قول ائمه اهل بیت (ع) و دیگران از صحابه و تابعین آورده‌اند. و این آیات در بیان سیره کریمه آنحضرت و بعضی از وقایعی است که همزمان با قیام آنحضرت صورت می‌گیرد از قبیل: فرورفتن زمین در بیداء و صیحه آسمانی و.....

و در کتب تاریخ و حدیث و شرح حال امامان (ع) چندین برابر آیاتی که ما در این باره آورده‌ایم موجود است و شگفتی ندارد بعد از این فرمایش امیرالمؤمنین (ع): قرآن در چهار بخش نازل شده: یک چهارم آن در باره ما و یک چهارم آن در باره دشمنان ما و یک چهارم تاریخ و روش گذشتگان و امثال و یک چهارم دیگر واجبات و احکام است و آیات فضائل قرآن در باره ما است. (۲)

---

۱ - نگارنده در کتاب بزرگش ۵۰ آیه آورده که در این بخش آمده آیه از آنها انتخاب شده است.

۲ - کشف الغمه ۹۲ - پنا بیع المودة ۱۲۶.

و این گفتار بزرگ نیست بر گروهی که آنان بنا بر اجماع مسلمین همان دومین چیز گرانبهای هستند که معادل قرآن کریم اند چنانچه در احادیث فراوان از پیامبر (ص) رسیده: من در میان شما دو چیز گرانبها باقی می‌گذارم، کتاب خدا و عترتم که خاندان منند تا زمانیکه بدامن اینان چنگ می‌زنید هرگز پس از من گمراه نخواهید شد.

۱ - قول خدای تعالی: " **وَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تُكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا** " .  
(سوره بقره آیه ۱۴۸)

به نیکی‌ها پیشی گیرید هر کجا باشید خداوند همه شما را فرا خواهد آورد " در تفسیر این آیه از ابن عباس روایت شده که گفت: اصحاب قائم را خداوند در یک روز جمع کند. (۳)

و امام باقر (ع) فرمود: خیرات در این آیه ولایت است و گفتار خدای تعالی که فرموده: " هر کجا باشید خداوند همه شما را فراهم آورد " منظور اصحاب قائم (ع) است که ۳۱۳ مرد هستند و فرمود: بخدا قسم ایشان همان امت معدوده هستند که در ساعتی معین همگی در یک جا گرد آیند مانند پاره‌های ابرپائیزی که به هم می‌پیوندند. (۴)

و امام صادق (ع) فرمود: این آیه در باره قائم و یارانش نازل شده که همگی بدون وعده قبلی گرد آیند. (۵)

و فضل بن عمر گوید. امام صادق (ع) فرمود: این آیه در باره گم‌شدگان از یاران قائم (ع) نازل گشته که آنان شب هنگام از بسترهای خود مفقود در سایاب شوند. (۶)

و از حضرت رضا (ع) در تفسیر این آیه روایت شده که فرمود: بخدا سوگند چون قائم ما قیام کند خداوند تمام شیعیان ما را از همه شهرها در نزد او گرد آورد. (۷)

- |                       |                        |
|-----------------------|------------------------|
| ۳ - غیبت شیخ طوسی ۱۲۵ | ۵ - غیبت نعمانی ۱۲۸    |
| ۴ - بحار ۱۷۸ / ۱۳     | ۶ - کمال الدین ۳۸۹ / ۲ |
| ۷ - بحار ۱۷۹ / ۱۳     |                        |

۲ - قول خدای تعالی . " وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا

وَكَرْهًا " (سوره آل عمران آیه ۸۳)

" و برای او تسلیم است هر کس که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه "

امام باقر (ع) در حدیثی طولانی فرمود: زمینی باقی نمی ماند جز اینکه در آن صدا به **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ**

(ص) بلند می شود و این معنای گفتار خداست: " و برای او تسلیم است

هر کس در آسمانها و زمین است و بسوی او بازگردانده میشوند "

رفاعة بن موسی گوید: شنیدم که امام صادق (ع) در باره این آیه

از سوره آل عمران - ۸۳: " و تسلیم اوست هر که در آسمانها و زمین

است خواه و ناخواه " میفرمود: چون قائم مهدی (ع) قیام کند زمینی

نمی ماند جز اینکه فریاد به شهادت **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ** (ص)

در آن بلند است. (۸)

ابن بکیر گوید: از امام هشتم (ع) درباره این آیه: " و تسلیم اوست

هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه " پرسیدم فرمود: در باره

قائم (ع) نازل شده، چون خروج کند دین اسلام را بر یهود و نصاری و

صائبین (ستاره پرستان) و زنادقه (بی دینان) و برگشتگان از اسلام و کفاری

که در شرق و غرب زمین هستند عرضه می کند پس هر کس از آنان که اسلام را از

روی رغبت پذیرفت او را به نماز و روزه و آنچه که یک مسلمان بدان دستور دارد

و از سوی خدا بر او واجب است فرمان دهد و هر کس که مسلمان نشود گردنش

را بزند تا اینکه کسی در مشرق و مغرب عالم باقی نماند جز که خدا

را به یگانگی بپرستد.

به او عرض کردم: فدایت شوم مردم بیشتر از اینند که بتوان

مسلمانان را کم کرد، فرمود: هرگاه خدا کاری را بخواهد زیاد را کم کند و

کم را زیاد. (۹)

۸ - ینابیع المودة ۴۲۱

۹ - بحار ۱۹۱ / ۱۳



۳ - گفتار خدای تعالی: " **وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ الْأَلْيُوْمِ مَنْنَ بِهٖ قَبْلَ مَوْتِهٖ** " (سوره نساء آیه ۱۵۹)

" و هیچکس از اهل کتاب نیست جز اینکه از روی یقین به او ایمان آورد قبل از مرگش. "

محمد بن مسلم گوید: امام باقر (ع) فرمود: حضرت عیسی (ع) قبل از روز قیامت به دنیا فرود آید پس اهل هیچ دین و ملتی از یهود و غیر آن نماند جز اینکه قبل از مرگش به او ایمان آورد و عیسی (ع) پشت سر مهدی (ع) نماز گزارده (۱۰)

شهر بن حوشب گوید: حجاج بن یمن گفت: ای شهر آیه ای در کتاب خداست که مرا ازها درآورده.

گفتم: امیر آن کدام آیه است؟

گفت: گفتار خدا: " هیچیک از اهل کتاب نیست مگر اینکه به او ایمان میآورد قبل از مرگش. "

گفتم: **أَصْلَحَ اللَّهُ الْأَمِيرَ** اینطور که شما تأویل کردی نیست.

گفت: پس چگونه است؟

گفتم: حضرت عیسی (ع) قبل از روز قیامت از آسمان بدنیافرود آید پس هیچ یهودی و غیر از آن نماند جز که قبل از مرگش به آنحضرت ایمان آورد و عیسی (ع) پشت سر مهدی (ع) نماز گزارده.

گفت: این مطلب را از کجا آوردی؟

گفتم: آن را علی بن حسین بن علی بن ابیطالب (ع) بمن خبر داده.

گفت: بخدا سوگند که از چشمه صافی آن را آورده‌ای (۱۱).

۴ - گفتار خدای تعالی: " **هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ** " سوره توبه آیه ۳۳

۱۰ - پنابیع الموده ۴۲۲

۱۱ - بحار ۲۱۵ / ۱۳

" خدا آنکسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان غلبه دهد اگرچه مشرکان را خوش نیاید .  
ابن عباس گوید: این کار نمی‌شود تا این که هیچ یهودی و نصرانی و صاحب دینی نماند جز اینکه در اسلام داخل شود . . . و جزیه را بردارد و صلیب را بشکند و خوک را بکشد و این همان فرموده خداست:  
" تا غلبه دهد آنها بر همه ادیان اگر چه مشرکان بد دارند " و این کار هنگام قیام قائم (ع) است (۱۲) .

سماعة گوید: امام صادق (ع) درباره قول خدای تعالی: " هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ . . . " فرمود: بخدا سوگند تا ریل این آیه واقع نمی‌شود تا اینکه قائم مهدی (ع) خروج کند، پس چون قائم (ع) خروج کرد هیچ مشرکی نباشد مگر اینکه خروج او را بد دارد و کافری نماند جز که قائم او را بکشد حتی اگر کافری در داخل سنگی باشد آن سنگ بسخن درآید و گوید: ای مؤمن کافری در داخل من است مرا بشکاف و او را بکش (۱۳) .  
۵ - گفتار خدای تعالی: " وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ " .  
(سوره هود آیه ۸)

" و اگر تا خیر می‌انداختیم از ایشان عذاب را تا امت معدودی .  
از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده که فرمود: امت معدوده یاران قائم (ع) هستند که سیصد و سیزده نفرند . (۱۴)  
و از امام باقر و امام صادق (ع) در باره فرموده خدای تعالی:  
" وَلَئِنْ أَخَّرْنَا . . . " روایت شده که فرمودند: امت معدوده یاران مهدی (ع) در آخر الزمان اند که سیصد و سیزده نفرند بتعداد اهل بدر، در یک ساعت معین همانند پاره‌های ابر پائیزی گرد هم آیند . (۱۵)

۱۲ - بحار ۱۳ / ۱۷

۱۳ - بیبا بیع المودة ۴۲۳

۱۴ - بحار ۱۳ / ۱۴

۱۵ - بیبا بیع المودة ۴۲۴

۶- گفتار خدای تعالی: ' وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ  
الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ " (سوره انبیاء آیه ۱۰۵)

و همانا در کتاب زبور بعد از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من  
بارت برند.

امام باقر (ع) فرمود: بندگان شایسته حضرت قائم (ع) و یاران او  
هستند. (۱۶)

و از امام باقر و امام صادق (ع) در تفسیر همین آیه آمده که  
فرمودند: آنان قائم و اصحاب او هستند. (۱۷)

۷- گفتار خدای تعالی: " الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا  
الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ " (سوره حج آیه ۴۱)

"آنانکه اگر در زمین قدرتشان دهیم نماز را برپا میدارند و زکات  
میدهند و امر بمعروف و نهی از منکر می کنند و عاقبت کارها برای خداست."  
ابی الجارود گوید: امام باقر (ع) فرمود: این آیه در باره مهدی  
و یاران او نازل شده که خداوند ایشان را مالک شرق و غرب زمین کند  
و دین را بدست ایشان ظاهر سازد تا اینکه اثری از ستم و بدعتها  
دیده نشود. (۱۸)

و نیز آنحضرت فرمود: این آیه در شأن آل محمد (ع) تا آخرین  
امامان نازل شده و خداوند مهدی (ع) و یاران او را مالک شرق و غرب  
زمین گرداند و او دین را آشکار کند و خداوند بدست مبارک او و  
یارانش همه بدعتها و امور باطل را بمیراند همانگونه که سفیهان حق  
را میراندند تا اینکه اثری از ظلم نماند و ایشان امر بمعروف و نهی از  
منکر می کنند. (۱۹)

۱۶ - المهدی زهیری ۱۶۴

۱۷ - ینا بیع الموده ۴۲۵

۱۸ - ینا بیع الموده ۴۲۵ - المهدی زهیری ۱۶۳

۱۹ - بحار ۱۳ / ۱۵

و زید بن علی (ع) گوید: چون قائم از آل محمد (ع) قیام کند گوید: ای مردم ما همان کسانی هستیم که خداوند در کتابش شما را به آنان وعده داده و فرموده: "آنانکه اگر در زمین قدرتشان دهیم نماز را برپا میدارند و زکات میدهند و امر بمعروف و نهی از منکر می‌کنند و عاقبت کارها برای خداست" . (۲۰)

۸ - قول خدای تعالی: "وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ" . (سوره قصص آیه ۵)  
" و ما اراده کرده‌ایم که بر مستضعفین در زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم "

حضرت امیر مومنان (ع) فرمود: آنان آل محمد هستند که خداوند مهدی آنان را پس از رنج فراوانی که برده‌اند برانگیزد پس ایشان را عزیز کند و دشمنانشان را خوار . (۲۱)

و فرمود: براستی دنیا پس از چموشی بسوی ما باز گردد همانطوریکه شتر چموش به نوزادش مهر می‌ورزد . و سپس این آیه را تلاوت فرمود:  
" و ما اراده کردیم که منت گذاریم بر مستضعفین جهان و آنان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم" . (۲۲)

۹ - قول خدای تعالی: "وَإِنَّهُ لَعَلَّمَ الْإِنْسَانَ" .

(سوره زخرف آیه ۶۱)

" همانا آن نشانه رستاخیز است ."

مقاتل بن سلیمان و مفسران دیگر که سخن او را پذیرفته‌اند گویند:  
این آیه در باره مهدی (ع) نازل شده است . (۲۳)

۱۰ - قول خدای تعالی: "أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا" .

(سوره حدید آیه ۱۷)

۲۰ - بحار ۱۳ / ۱۵

۲۱ - بحار ۱۳ / ۱۶

۲۲ - نهج البلاغه ح ۲۰۰

۲۳ - الصواعق المحرقة ۹۶ - اسعاف الراغبین ۱۵۶

بدانید که خدا زمین را پس از مردنش زنده گرداند .  
امام باقر (ع) فرمود: خداوند زمین را پس از مردنش بتوسط قائم  
(ع) زنده می‌کند و منظور از مردن زمین کفر ورزیدن اهل آن است زیرا  
کافر بسان مرده است . (۲۴)



پیامبر گرامی (ص) ظهور امام مهدی (ع) را بشارت میدهد  
 احادیث از رسول اکرم (ص) درباره امام مهدی (ع) و اینکه همنام  
 و کنیه پیامبر است و دنیا را پر از عدل و داد کند آنگونه که از ظلم  
 و جور پر شده باشد - بطور متواتر رسیده است.  
 و این احادیث باندازه‌ای زیاد است که شمار آنها ممکن نیست و  
 آنقدر متواتر است که به صحت آنها یقین حاصل است. و در میان کتب  
 حدیث و تراجم و سیر کتابی نیست که از این نوع روایات در آن نباشد. و  
 اگر ما بخواهیم بقدر امکان این احادیث را جمع آوری کنیم خود مجموعه  
 بزرگی در حدیث میشود. و چون بنا بر اختصار است تعداد ۲۵ حدیث  
 از احادیث رسول گرامی (ص) را که در لفظ و معنی با هم فرق دارند  
 از ۲۵ کتاب می آوریم (۱) و سند احادیث را هم حذف نموده فقط بذکر  
 اصل کتاب اکتفاء می کنیم.

و این احادیث دلالت دارند بر تواتر و کثرت احادیث مهدی (ع)  
 و اینکه پیامبر بزرگوار (ص) امت اسلامی را در هر مجلس و محفل و هر  
 کنگره و مجمعی به ظهور مهدی (ع) بشارت میداده است و اینک آن احادیث:  
 ۱ - فرمود: شبها و روزها پایان نپذیرند تا اینکه خداوند  
 مردی از خاندان مرا برانگیزد که همنام من است و زمین را پر از عدل  
 و داد کند چونانکه از ظلم و جور پر شده باشد. (۲)

۱ - نگارنده در کتاب کبیرش چاپ ۱۹۶۵ - تعداد ۵۰ حدیث  
 را که از ۵۰ کتاب برگرفته آورده است که ما بجهت اختصار ۲۵ حدیث  
 از آنها را در اینجا آورده ایم.

۲ - ارشاد شیخ مفید ۲۷۳

۲ - احمد و ترمذی و ابو داود و ابن ماجه از آنحضرت روایت کرده‌اند که فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز نماند البته خداوند مردی از خاندان مرا برانگیزد که جهان را از عدل و داد پر کند آنگونه که از ستم پر شده باشد. (۳)

۳ - معلی بن زیاد گوید علاء گفت که رسولخدا (ص) فرمود: شما را به مهدی بشارت دهم که در حال اختلافات و کشمکش‌هایی که در بین مردم است در میان امت برانگیخته شود پس زمین را پر از عدل و داد کند همانطور که از ظلم و جور پر شده باشد. همه ساکنان آسمان و زمین از حکومت او راضی هستند و مال را بطور صحیح تقسیم میکنند. مردی گفت: منظور از تقسیم صحیح چیست؟

فرمود: یعنی بطور مساوی بین مردم، و خداوند دل‌های امت محمد (ص) را از بی‌نیازی پر کند و دادگری حضرتش بهمه میرسد تا اینکه فرمان دهد جارچی جار زند و گوید: چه کسی نیاز مالی دارد؟ و از مردم جز یک مرد برنخیزد و گوید: من نیازمندم.

گوید: نزد خزانه دار برو و باو بگو: مهدی بتو فرمان داده که مالی بسن دهی خازن باو گوید: دامت را پر کن تا اینکه وقتی پولها را در دامن گیرد و بیرون رود پشیمان شود و با خود گوید: آیا من آزمندترین امت محمد (ص) بودم یا آنچه آنان را بس بود برای من کم بود؟ فرمود: سپس آن را پس میدهد و از او پس گرفته نمی‌شود و خازن گوید: ما چیزی را که بخشیدیم باز نستائیم، پس هفت یا هشت یا نه سال همینطور میماند و دیگر خیری در زندگی بعد از او نیست یا اینکه فرموده: خیری در زنده بودن بعد از او نیست. (۴)

۴ - از سلمان محمدی که گفت: بر رسولخدا (ص) وارد شدم و حسین (ع) روی ران آنحضرت نشسته و پیامبر دو چشم او را میبوسید

۳ - اسعاف الراغبین در حاشیه نور الابصار ۱۳۴

۴ - البیان فی اخبار صاحب الزمان ۸۵

و دهانش را میکید و میفرمود: تو سید فرزند سید پدر سیدانی، تو امام فرزند امام و پدر امامانی، تو حجت خدا فرزند حجت خدا و پدر حجت‌های خدائی، که آنان نه نفر از صلب تو هستند که نهی آنان قائم ایشان است. (۵)

۵- پیامبر (ص) فرمود: مردی از فرزندان من در آخر الزمان خروج کند که همنام و کنیه من باشد زمین را پر از عدل و داد کند همانگونه که از ستم پر شده باشد و او مهدی است. (۶)

۶- و فرمود (ص): روزها و شبها از بین نروند تا اینکه مردی از خاندان من حکومت را بدست گیرد، زمین را پر از عدل و داد کند همانطور که از ظلم و جور پر شده باشد. (۷)

۷- پیامبر (ص) بحضرت فاطمه (ع) فرمود: مهدی از فرزندان توست. (۸)

۸- و فرمود (ص): مهدی از ما خاندان است که خداوند کار او را یک شبه اصلاح کند. (۹)

۹- ابی هریره گوید: رسول خدا (ص) فرمود: چه حالی دارید شما آنگاه که عیسی بن مریم در میان شما فرود آید و امام شما از شما باشد؟! (۱۰)

۱۰- از امام رضا (ع) از پدران بزرگوارش که رسول خدا (ص) فرمود: سوگند بآنکه مرا بحق به پیامبری برانگیخته قائم از فرزندان

---

۵- مقتل الحسین خوارزمی ۱۴۶

۶- تذکرة الخواص ۲۰۴

۷- ملاحم و فتن ابن طاوس ۱۰۱

۸- حدیث چهارم از اربعین ابی نعیم به کشف الغمه ۳۲۱ مراجعه

شود.

۹- کمال الدین ۱ / ۲۵۶

۱۰- صحیح بخاری ۱۷۸ / ۲

من بجهت پیمانی که از من باو رسیده غایب شود تا اینکه بیشتر مردم گویند: خدارا در آل محمد (ص) نیازی نیست و دیگران در ولادت او به شک افتند پس هر کس آن زمان را درک کند باید بدینش بچسبد و برای شیطان در خود بسبب شک خود راهی باز نکند که او را از دین و آئین من بیرون کند بتحقیق که پدر و مادر شما (آدم و حوا) راقبل از این از بهشت بیرون کرد. همانا خدای عز و جل شیاطین را اولیاء کسانی که ایمان ندارند قرار داده. (۱۱)

۱۱ - پیامبر (ص) دست علی (ع) را گرفت و فرمود: جوانی از صلب این مرد خروج کند که زمین را از عدل و داد پر میکند پس هر گاه او را دیدید پس بر شما باد به جوان تمیمی زیرا که او از طرف مشرق میآید و او پرچمدار مهدی است. (۱۲)

۱۲ - ذر بن عبدالله گوید: رسول خدا (ص) فرمود: دنیا پایان نپذیرد تا اینکه مردی از خاندان من که همنام من است زمامدار عرب گردد. (۱۳)

۱۳ - انس بن مالک گوید: رسول خدا (ص) فرمود: ما فرزندان عبدالمطلب بزرگان و آقای اهل بهشتیم، من و حمزه و علی و جعفر بن ابیطالب و حسن و حسین و مهدی. (۱۴)

۱۴ - ابی سعید خدری گوید شنیدم رسول خدا (ص) میفرمود: امامان بعد از من دوازده نفرند، نه نفر ایشان از صلب حسین میباشند و مهدی از آنان است. (۱۵)

---

۱۱ - بحار جدید ۶۸/۵۱

۱۲ - الفتاوی الحدیثه ص ۲۷ تا لیف شهاب الدین احمد بن حجر هیثمی

۱۳ - نور الابصار شبلنجی ۱۵۵

۱۴ - ذخائر العقبی علامه حافظ محب الدین احمد بن عبدالله

طبری ص ۱۵

۱۵ - کفایة الاثر

۱۵ - ابویوب انصاری گوید رسول خدا (ص) بفاطمه (ع) فرمود: از ماست بهترین انبیاء و آن پدر توست و از ماست بهترین اوصیاء و او شوهر توست و از ماست بهترین شهیدان و او عموی پدر تو حمزه است، و از ماست آنکه دو بال دارد که با آنها در بهشت به پرواز درآید به هر جا که خواهد و او پسر عموی پدرت جعفر است، و از ماست دو سبط این امت و دو آقای جوانان بهشت و آنان حسن و حسین علیهما السلام اند که دو پسر تو هستند، و از ماست مهدی و او از اولاد توست. (۱۶)

۱۶ - حدیثی از آن بزرگوار است که فرمود: هر کس دوست دارد که خدا را در حالی ملاقات کند که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد پس باید دوست بدارد صاحب الزمان مهدی (ع) را (و امامت او را بپذیرد). (۱۷)

۱۷ - آنحضرت فرمود: خوشا بحال کسیکه قائم اهل بیت مراد رک کند در حالیکه قبل از قیامش پیرو او بوده و دوستان او را دوست میداشته و از دشمنانش بیزاری میجسته و امامان هدایت کننده قبل از او را دوست میداشته. ایشانند رفیقان و دوستان محبوب من. (۱۸)

۱۸ - ابن عباس (رض) گوید رسول خدا (ص) فرمود: مهدی طاوس اهل بهشت است. (۱۹)

۱۹ - و فرمود: در آخر الزمان بر امت من بلائی از جانب سلطانانشان فرود آید که بلائی شدیدتر از آن بگوش نخورده تا جائیکه زمین با همه وسعتش بر آنان تنگ گردد و آنقدر پر از ظلم و جور شود که مؤمن پناهی نیابد که بدان پناهنده شود پس خداوند عزوجل مردی از خاندان

۱۶ - منتخب الاثر لطف الله صافی ص ۱۹۱

۱۷ - اربعین حافظ محمد بن ابی الفوارس ، بالزام الناصب ۳۲۷

مراجعه شود.

۱۸ - غیبت شیخ طوسی ۲۹۰

۱۹ - کتاب الفردوس ابن شیرویه باب الف و لام



مرا برانگیزد و زمین را بر از عدل و داد کند همانگونه که از ظلم و جور  
پر شده باشد همه ساکنان آسمان و زمین از او حشود باشند، زمین چیزی  
از دانه‌های خود را ذخیره نکند جز آنکه آن را بیرون ریزد و آسمان  
قطره‌ای از باران را نگه ندارد جز آنکه خداوند آن را برایشان ببارد  
آنحضرت هفت یا هشت یا نه سال در میان آنان زندگی کند همه  
زندگان آرزو کنند که کاش مردگان زنده می‌شدند بجهت آنچه که خداوند  
از خیرات باهل زمین ارزانی میدارد. (۲۰)

۲۰ - و فرمود (ص): زمین بر از ظلم و جور شود سپس مردی از  
خاندان من حکومت را بدست گیرد هفت یا نه سال و زمین را  
از عدل و داد پر کند. (۲۱)

---

۲۰ - المستدرک علی الصحیحین ۴ / ۴۶۵

۲۱ - مسند احمد ۳ / ۲۸ به پاورقی (۲) ص ۹ مراجعه شود.

امیرالمؤمنین علیها السلام به ظهور امام مهدی (ع) بشارت میدهد همانگونه که احادیث بطور متواتر از رسول اعظم (ص) در شأن حضرت مهدی (ع) رسیده محدثین و تاریخ نگاران احادیث زیادی از امیرالمؤمنین (ع) هم درباره وجود امام مهدی (ع) و ذکر ولادت و غیبت و ظهور و جمله‌ای از حالات آن بزرگوار آورده‌اند. چنانچه آن حضرت در خطبه‌های زیادی از نهج البلاغه بدین موضوع اشارت فرموده و در مواضع کثیر دیگری از این مسأله سخن رانده که ما قسمتی از آنها را ذکر می‌کنیم:

۱ - حضرت رضا (ع) از پدران بزرگوارش از امیرالمؤمنین (ع) روایت کند که فرمود: نهمین فرزند تو ای حسین قیام کننده بحق و ظاهر کننده دین و گسترش دهنده عدل است.

حسین (ع) عرض کرد: این مطلب خواهد بود؟

فرمود (ع): آری سوگند بآنکه محمد (ص) را بنیوت برانگیخت و او را بر همه مخلوقات برگزید این مطلب شدنی است اما پس از غیبتی طولانی و سرگردانی که جز مخلصان بر دین ثابت قدم نمانند که آنان همراه با روح الیقین‌اند، آنانکه خداوند از آنان پیمان بولایت ما گرفته و ایمان را در دل‌هایشان پا برجا داشته و بروحی از خودش تأییدشان کرده است. (۱)

۲ - و فرمود (ع): برای قائم ما غیبتی است نه مدت آن طولانی است گویا می‌بینم که شیعیان در غیبت او همچون گوسفندان بدنهایی چراگاه می‌گردند و آن را نمی‌یابند. آگاه باشید هر کس از شیعیان بر دینش استوار بماند و بخاطر طول کشیدن غیبت سخت دل نشود او با من خواهد بود

در درجه<sup>۶</sup> من روز قیامت . سپس فرمود : هرگاه قائم ما قیام کند برای هیچکس در گردن اوبیعتی نیست و بهمین خاطر ولادتش پنهانی است و شخصش غائب می شود . ( ۲ )

۳ - و فرمود : آگاه باشید بخدا سوگند که همانا من و این دو پسرم کشته می شویم و البته خداوند مردی از فرزندان مرا در آخر الزمان برانگیزد که خونخواهی ما کند . و او از میان مردم غائب شود تا اینکه گمراهان جدا شوند تا جائیکه جاهل گوید : خدا را در آل محمد نیازی نیست . ( ۳ )

۴ - و فرمود : زمین از حجت خدا عزوجل خالی نمی ماند و لکن خداوند بزودی دیدگان خلقش را بجهت ظلم و جور و اسرافى که بر خود کرده اند از او بپوشد . و اگر زمین ساعتی از حجت خدا خالی باشد اهلش را فروبرد ، لکن حجت خدا مردم را می شناسد و آنان او را نمی شناسند همانگونه که یوسف مردم را می شناخت و آنان نسبت باو ناشناس بودند . سپس این آیه را تلاوت کرد . " ای حسرت بر بندگان هیچ پیامبری نزد آنان نیامد جز اینکه او را مسخره کردند " . ( ۴ )

۵ - محمد بن حنفیه گوید امیر مومنان (ع) فرمود : مهدی خداوند فرجش را نزدیک کند - از ما خاندان است خداوند امر او را در یک شب اصلاح کند . ( ۵ )

۶ - موسی بن جعفر (ع) از پدرش روایت کند که فرمود : حسین بن علی (ع) بر پدرش علی بن ابیطالب (ع) وارد شد و هم مجلسان حضرت در حضورش نشسته بودند حضرت فرمود : این آقای شما است که رسول خدا (ص) او را آقا نامیده و همانا مردی از صلب او بیرون آید که در شکل و اخلاق مانند من است زمین را از عدل و داد پر کند آن گونه که از ظلم و جور پر شده باشد .

۲ - اعیان الشیعة ۳ / ۳۹۴

۴ - عیبت نعمانی ۷۵

۳ - بحار ۳۱ / ۱۱۲

۵ - الملاحم و الفتن ۱۱۹

عرض شد. این چه وقت است ای امیر مومنان؟

فرمود: خیلی دور است آن زمانی خواهد بود که شما از دینتان بیرون روید همانطور که زن از جامه خود برای شوهرش بیرون رود. (۶)

۷ - حسین بن علی (ع) فرمود: از امیرالمؤمنین (ع) از معنای گفتار پیامبر (ص) که فرمود: "من دو چیز گرانبها را در میان شما باقی میگذارم کتاب خدا و خاندانم" سؤال شد که عترت کیست؟

فرمود (ع): من و حسن و حسین و امامان نه گانه از فرزندان حسین هستیم که نهی آنان مهدی و قائم آنها است. نه ایشان از کتاب خدا جدا شوند و نه کتاب خدا از ایشان تا اینکه بر رسول خدا (ص) در سر حوضش وارد شوند. (۷)

۸ - و فرمود: آنقدر زمین پر از ظلم و جور شود تا اینکه احدی نتواند بگوید الله مگر مخفیانه سپس خداوند قومی نیکوکار را آورد که زمین را پر از عدل و داد کنند همانطور که از ظلم و جور پر شده باشد. (۸)

۹ - اصبع بن نباته گوید امیرالمؤمنین (ع) یادی از قائم (ع) کرد و فرمود: همانا البته از ایشان غائب شود تا که جاهل گوید: برای خدا در آل محمد حاجتی نیست. (۹)

۱۰ - علقمة بن قیس گوید: امیر مومنان (ع) بر منبر کوفه برای ما خطبه ای بنام خطبه لولوءه خواند و در آخر آن فرمود: آگاه باشید که من بزودی از میان شما میروم و بسوی غیب رهسپار می شوم پس منتظر باشید فتنه اموی و مملکت کسروی را و میراندن آنچه را که خدا زنده کرده و زنده کردن آنچه را که خدا میرانده. و خانه هاتان را

۶ - الملاحم و الفتن ۱۰۴

۷ - کمال الدین ۳۵۱/۱

۸ - بحار ۲۹/۱۳ مقصود از گفتن کلمه الله سخن حق است

یعنی کسی نمی تواند حرف حقی گوید مگر مخفیانه. (مترجم)

۹ - کمال الدین ۴۲۰/۱ - غیبت شیخ طوسی ۲۲۱

عبادتگاه خود قرار دهید و بر سختیها پایدار باشید مانند آنکس که آتش بدن را گرفته و خدا را بسیار یاد کنید و یاد او بزرگتر است اگر بدانید. سپس فرمود: بین دجله و فرات شهری بنا میشود که بآن زوراء گویند، وقتی آنرا دیدید می بینید که با کج و آجر بنا شده و با طلا و نقره و لاجورد و مرمر و رخام و درهائی از عاج و قبه ها و پردها زیور گردیده و انواع درختان ساج و عرعر و صنوبر و سنگهای سفید و سبز و سیاه در هر طرف به چشم میخورد و با کاخها استحکام یافته است و ۲۴ نفر از ملوک بنی شیبان (کنایه از ملوک بنی عباس است و شیبان نام شیطان است و از آنان به شیطان زادگان تعبیر فرموده) پشت سر هم در آن حکومت کرده که در میان آنان سفاح، مقلاص، جموح، خدوع، مظفر، مؤنث، نظار، کبش، مهتور، عشار، مصطلم، مستعصب، غلام و رهبانی و خلیع، سیار، مترف، کدید، اکذب، مسرف، اکلب، و سیم، و ظلام و غیثوق باشند و کاخ سرخ را بنا دهند و قبه سرخی بسازند سپس در پس همه اینها قائم حق نقاب از چهره بردارد و در همه زمین همچون ماه درخشان در بین ستارگان فروزان رخ بنماید. تا آخر. (۱۵)

۱۱ - و فرمود (ع): البته که دنیا پس از چموشی و فرارش از ما بسوی ما باز خواهد گشت چنانچه شتر چموش به نوزادش باز گشته و مهربانی کند و پس از آن این آیه را تلاوت فرمود: "و ما اراده کرده ایم بر آنان که در زمین ضعیف شمرده شدند منت نهیم و ایشان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم".

ابن ابی الحدید گوید: اصحاب ما گویند: امام در این سخن خود وعده داده با ما می که مالک زمین شود و بر همه ممالک مستولی گردد. (۱۱)

۱۲ - در یکی از خطبهها فرمود: سپس خداوند آن فتنهها را از شما دور گرداند همانند جدا کردن پوست از گوشت بوسیله کسیکه به ایشان ذلت و خواری میرساند و با درستی و بدخوئی آنان را سوق داده

و از جام پر از بلا و مصیبت آبشان دهد و بجز زخم شمشیر بدانها  
نبخشد. (۱۲)

۱۳ - و در خطبه‌ای دیگر فرمود: ای گروه مردم این وقت، زمان  
آمدن هر موعودی است و گاه نزدیک شدن دیدار فتنه‌هایی که از آن  
آگاه نیستید. آگاه باشید آن کس از ما (حضرت مهدی (ع)) که آن  
فتنه‌ها را دریابد در تاریکی آن فسادها با چراغی فروزان سیر میکند و  
بروش نیکان می‌رود تا در آن فتنه‌ها گرهی را از کار بگشاید و برده‌ای  
را آزاد کند جمیعت نابخاری را پراکنده و مستی از پیروان حق را که  
پراکنده‌اند گردهم آورد و بین کارها را در زیر برده و بطور پنهان انجام  
دهد که هیچ تیزبینی هرچند هم دقت کند نتواند او را ببیند. (۱۳)  
ابن ابی الحدید گوید: سپس مهدی آل محمد (ص) را ذکر کرده  
و منظورش از این سخن که فرموده: آن کس از ما که آن فتنه‌ها را  
دریابد در تاریکی آن فسادها با چراغی فروزان سیر میکند، مهدی و  
پیروان کتاب و سنت است. (۱۴)

۱۴ - و در خطبه‌ای دیگر فرمود: سیر حکمت را پوشیده و آن را  
با تمام شرائطش که عبارت است از توجه و شناختن و فارغ ساختن خود برای  
آن فرا گرفته پس حکمت نزد او گمشده‌ای است که آنرا طلبیده و آرزوی  
است که آنرا درخواست کرده، پس او پنهان شده و گوشه گیرد آنگاه  
که اسلام غریب شود و بسان حیوانی که بهنگام رنج دم خود را بحرکت  
آورده و جلو گردنش را بزمین بچسباند درآمده او بقیه‌ای از بقایای حجت خدا  
و جانشین جانشینهای پیامبران او میباشد.

۱۲ - نهج البلاغه خ ۹۲

۱۳ - نهج البلاغه خ ۱۵۰

۱۴ - شرح نهج البلاغه ۴۳۶ و مؤلف قسمتی از کلام ابن ابی

الحدید را که در شرح لغات خطبه است آورده و ما چون آنها را در  
متن خطبه ترجمه کرده‌ایم دیگر تکرار نکردیم. (مترجم)



ابن ابی الحدید گوید: این کلام را هر طائفه‌ای بر حسب اعتقاد  
خودش تفسیر کرده و شیعیان امامیه پندارند که مراد از چنین کسی مهدی  
منتظر (ع) است ... و نزد من هم بعید نیست که مراد قائم از آل  
محمد (ص) باشد. (۱۵)

۱۵ - از خطبه‌های آنحضرت که در بصره ایراد کرده، فرمود: من  
پدر مهدی قائم هستم که در آخر الزمان قیام میکند. (۱۶)

۱۶ - و فرمود: مهدی از فرزندان من است که در بین رکن و  
مقام ظاهر میشود. (۱۷)

---

۱۵ - شرح نهج البلاغة ۵۳۵/۲

۱۶ - الزام الناصب ۱۸۱/۲ ۱۷ - الشیعة و الرجعة ۱۵۰/۱

امامان علیهم السلام بظهور امام مهدی علیه السلام بشارت میدهند  
 امامان از اهل بیت علیهم السلام در بشارتهاشان با امام مهدی (ع)  
 همان راه و روش جدشان رسول خدا (ص) و پدرشان امیرمؤمنان (ع) را  
 رفته و در بیان اسم و وصف و علائم ظهور و یاران و دولت آنحضرت  
 سخنان بسیار فرموده‌اند. و فرهنگهای حدیثی پر است از احادیث  
 و سرشار از روایات آن بزرگواران میباشد و اگر بخواهیم همه آنچه را کفرموده-  
 اند گرد آوریم به کتابهای زیاد و مجلدات پر حجم، نیازمند می‌شویم و  
 بجهت رعایت اختصار از هر امامی بنقل یک حدیث می‌پردازیم و  
 خواننده عزیز جهت اطلاع بیشتر می‌تواند به مصادری که ما از آنها  
 نقل می‌کنیم و غیر آنها مراجعه کند.

۱ - حنان بن سدید از پدرش سدید بن حکیم از پدرش از ابی  
 سعید عقیبا نقل کند که گفت: چون حسن بن علی (ع) با معاویه ابن  
 ابی سفیان مصالحه کرد، مردم بر آنحضرت وارد شدند و عده‌ای از  
 آنان حضرت را بجهت بیعت او ملامت کردند. آنحضرت فرمود: وای  
 بر شما چه میدانید من چه کردم؟ بخدا سوگند کار من از آنچه که خورشید  
 بر آن می‌تابد و غروب میکند برای شیعیانم بهتر بود. آیا نمی‌دانید  
 که من امام شمایم و اطاعتم بر شما واجب است؟ و من یکی از آن‌دو  
 سید جوانان اهل بهشتم بسبب نصی که از رسول خدا (ص) بر من رسیده  
 است؟ گفتند: آری.

فرمود: آیا ندانید که حضرت خضر چون کشتی را سوراخ کرد و  
 آن پسر بچه را کشت و آن دیوار را تجدید بنا کرد این کارها موسی  
 بن عمران (ع) را به غضب آورد زیرا که علت و حکمت آنها بر او  
 پوشیده بود اما آن کارها نزد خدا صحیح و درست بود. آیا ندانید  
 که هیچکس از ما نیست جز که در گردن او بیعتی از طاغی زمان بر

گردنش هست مگر امام قائم که روح الله عیسی بن مریم (ع) پشت سر او نماز میخواند و خداوند ولادت او را از دیده‌ها پنهان میدارد و شخصش را غایب میگرداند بدینجهت که وقتی خروج کرد بیعت کسی برگردن او نباشد و او نهمین فرزند برادرم حسین و فرزند بانوی زنان است. خداوند عمر او را در طول غیبتش دراز میکند سپس او را به قدرت خود در صورت جوانی که کمتر از چهل سال دارد ظاهر میگرداند و این بخاطر آنست که دانسته شود خدا بر هر چیزی توانا است. (۱)

۲ - حضرت امام حسین (ع) فرمود: از ما دوازده مهدی است که اول آنان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) و آخرشان نهمین فرزند من است و او امام قیام کننده بحق است خداوند بسبب او زمین را پس از مردنش زنده کند و بدست او دین حق را بر همه ادیان غلبه دهد اگر چه مشرکان را خوش نیاید. او را غیبتی است که اقوامی در آن مرتد شوند و اقوام دیگری بر دین ثابت بمانند پس آنان را آزار دهند و بایشان گفته شود: این وعده شما چه وقت است اگر راست میگوئید؟ آگاه باشید همانا صبر کننده بر آزارها و تکذیبها در زمان غیبت او بمنزله مجاهدی است که در حضور رسول خدا (ص) با شمشیر جهاد میکرده است. (۲)

۳ - ابو خالد کابلی گوید: علی بن الحسین (ع) بمن فرمود: ای ابا خالد همانا فتنه‌هایی پیدا شود مانند پاره‌های شب تار که از آنها نجات نیابد مگر آنکه خداوند از او پیمان گرفته باشد ایشانند چراغهای هدایت و چشمه‌های دانش، خداوند از هر فتنه تاریکی نجاتشان میدهد. گویا صاحب شمارا می بینم که در بالای نحف شما پشت کوفه در میان ۳۱۳ مرد برآمده در حالیکه جبرئیل طرف راست و میکائیل سمت چپ و اسرافیل در پس او حرکت میکنند و پرچم رسول خدا (ص) با اوست که آنها

۱ - بحار ۳۳/۱۲

۲ - اعیان الشیعة ۴/۲۹۶

برافراشته و با آن بر قومی فرود نیاید جز که خداوند هلاکشان کند. (۳)  
۴ - ابو حمزه<sup>ع</sup> ثمالی گوید: روزی نزد ابی جعفر امام باقر (ع)  
بودم چون اهل مجلس بیرون شدند بمن فرمود: ای ابا حمزه از جمله  
چیزهایی که حتمی است و نزد خدا تبدیل پذیر نیست قیام قائم ما  
است پس هر کس در آنچه میگویم شک کند با حالت کفر و انکار خدا  
را ملاقات خواهد کرد.

سپس فرمود: پدر و مادرم فدای آنکه همنام و کنیه<sup>ع</sup> من است و  
هفتمین امام بعد از من است پدرم فدای آنکه زمین را از عدل و داد پر  
کند آنگونه که از ظلم و جور پر شده باشد.

و فرمود: ای ابا حمزه هر کس او را درک کند و تسلیم او نشود  
تسلیم محمد و علی (ع) هم نشده و خداوند بهشت را بر او حرام کند  
و جایگاهش آتش است و بد است جایگاه ستمکاران. (۴)

۵ - امام صادق (ع) فرمود: خلف صالح از فرزندان من است و  
او مهدی است. نامش محمد و کنیه<sup>ع</sup> اش ابوالقاسم است و در آخر الزمان  
خروج میکند. (۵)

۶ - یونس بن عبدالرحمن گوید: بر امام موسی بن جعفر (ع)  
داخل شدم و عرض کردم: ای پسر رسول خدا آیا شما قائم بحق هستی؟  
فرمود: من قائم بحق هستم اما آن قائمی که زمین را از دشمنان  
خدای عزوجل پاک سازد و آن را از عدل و داد پر کند پنجمین نفر  
از فرزندان من است او را غیبتی طولانی است و آن بحبث خوف از  
قتل است و در آن غیبت اقوامی مرتد شوند و گروهی دیگر ثابت بمانند.  
سپس فرمود: خوشا بحال شیعیان او آنانکه در غیبت قائم ما به

۳ - امالی شیخ مفید ۲۸

۴ - غیبت نعمانی ۴۱ و اینکه کنیه<sup>ع</sup> آنحضرت ابو جعفر باشد شهرتی

ندارد و قابل توجیه است.

۵ - کشف الغمة ۳۲۴

رهسمن ما چنگ زده‌اند و بر دوستی ما ثابتند و از دشمنان ما بیزار.  
ایشان از ما هستند و ما از ایشانیم، آنان به امامت ما خشنود و ما به  
شیعه‌گری ایشان خشنودیم. پس خوشا بحال آنان، بخدا سوگند ایشان  
روز قیامت در درجات ما با ما هستند. (۶)

۷ - ابو صلت (رض) گوید: د عبل (رض) گفت: چون این قصیده

را برای مولایم حضرت رضا (ع) سرودم و باین بیت رسیدم:

خروج امام قائمی که ناچار وجود دارد

که بنام خدا و برکات او قیام میکند

هر حق و باطلی را در میان ما جدا می‌سازد

و بر نعمت و نعمت‌ها پاداش و جزا میدهد

امام رضا (ع) گریه کرد سپس سر برداشت و فرمود: ای خزاعی

این بیت را روح القدس بر زبان تو جاری ساخت. آیا میدانی این

امامی که می‌گوئی کیست؟ گفتم: نمی‌دانم جز اینکه ای مولایم شنیده‌ام

امامی از شما خروج میکند و زمین را از عدل پر میکند فرمود: ای دعبل

امام بعد از من پسر محمد است و بعد از او پسرش علی و بعد از علی

پسرش حسن و بعد از حسن پسرش محمد که حجت و قائم است، که در

زمان غیبتش انتظارش کشند و در زمان ظهورش اطاعتش کنند. و اگر از

دنیا جز یک روز نماند خداوند آنروز را طولانی سازد تا اینکه قائم ما

خروج کند پس زمین را از عدل پر کند آنگونه که از جور پر شده باشد. (۷)

۸ - ابو غانم خادم گوید: برای ابی محمد امام حسن عسکری (ع)

فرزندی بدبیا آمد که او را محمد نامید و روز سوم او را باصحاب

خود نشان داد و فرمود: این امام شماست بعد از من و خلیفه من بر

شما. و او قائمی است که گردن‌ها بانتظار او کشیده شود. و آنگاه که

زمین از ظلم و جور پر شود او خروج کند و آن را پر از عدل و داد

کند (۸)

۶ - کمال الدین ۳۰/۲

۷ - ینا بیع المودة ۴۵۴ . الفصول المهمة ۲۳۳ ، بحار ۴۱/۱۳

۸ - ینابیع المودة ۴۶۰

صحابه و تابعین بظهور امام مهدی علیه السلام بشارت میدهند

در فصلهای گذشته احادیث رسول اکرم و ائمه اطهار (ع) درباره اما مهدی (ع) گذشت و در این فصل گفتار بزرگان صحابه و تابعین درباره آنحضرت و اجماع و اتفاقی را که بر ظهور و قیام حضرتش دارند نقل کرده و از هر یک آنان یک سخن میآوریم.

۱ - امام امیر مؤمنان (ع) فرمود: مهدی (عج) از ما اهل بیت است که خداوند کار او را در یکشب اصلاح میکند. (۱)

۲ - امام حسن مجتبی (ع) فرمود: این امری که شما انتظارش میبرید واقع نمی شود تا آنگاه که از یکدیگر بیزاری جوئید و گروهی از شما گروه دیگر را لعن کند و بعضی از شما در صورت دیگری آب دهان اندازد تا جائیکه عده ای از شما بکفر عده دیگر شهادت دهد... و در این هنگام قائم ما قیام میکند و همه اینها را میزداید و برطرف میسازد. (۲)

۳ - امام حسین بن علی (ع) فرمود: در نهمین فرزند من سنتی از یوسف و سنتی از موسی بن عمران است و او قائم ماست که خداوند کار او را در یک شب اصلاح کند. (۳)

۴ - امام علی بن الحسین (ع) فرمود: خوشا بحال شیعیان ما آنانکه در غیبت قائم ما بر پیمان ما چنگ زده و بر دوستی ما ثابت و از دشمنان ما بیزارند ایشان از ما آیند، و ما از ایشان، آنان با ما مامت ما راضی و ما به شیعه گری ایشان خشنودیم، پس خوشا بحال آنان بخدا قسم اینان روز قیامت با ما در درجات ما هستند. (۴)

۱ - الملاحم و الفتن ۱۱۹      ۲ - اعیان الشیعة ۴ ق ۳/۴۷۹

۳ - اعیان الشیعة ۴ ق ۳/۳۹۶

۴ - زین العابدین تألیف مقرر ۲۴ از وافی فیض



۵ - امام محمد باقر (ع) فرمود: امام قائم بسبب رعب (ترسی که خداوند در دل دشمنان میافکند) یاری می‌شود، زمین برای او بیچد و گنجها پیش‌درا برای او پدیدار سازد و سلطنت او به مشرق و مغرب می‌رسد و خداوند دینش را غلبه دهد اگر چه مشرکان را ناخوش آید. پس در زمین خرابی نماند جز که آباد شود، و روح الله عیسی بن مریم (ع) فرود آید و پشت‌سرا و نماز گزارد. (۵)

۶ - امام جعفر صادق (ع) فرمود: باسم امام قائم (ع) جار زده می‌شود در روز عاشوراء و آن روزی است که حسین (ع) در آنروز کشته شد و گویا او را می‌بینم که روز شنبه دهم عاشورا بین رکن و مقام بپا خواسته و شخصی پیش روی او ایستاده و صدا می‌زند: بیعت کنید بیعت کنید پس همه یاران او از اطراف زمین نزد او گرد آیند و زمین زیر پای آنان بیچد تا اینکه با او بیعت می‌کنند. پس خداوند بدست او زمین را از عدل پر کند، همانگونه که از ظلم و جور پر شده باشد. سپس از مکه حرکت میکند تا بکوفه می‌رسد پس در نزدیک نجف کوفه منزل میکند سپس از آنجا سپاهیان را به شهرهای دیگر بسیج میکند. (۶)

۷ - جابر بن عبدالله انصاری در باره امام زین العابدین (ع) گوید: در میان اولاد انبیاء (ع) کسی جز یوسف بن یعقوب (ع) مانند علی بن الحسین (ع) دیده نشده. بخدا قسم ذریه علی بن الحسین (ع) از ذریه یوسف بن یعقوب برترند و براستی از ایشان کسی خواهد بود که زمین را از عدل پر کند همانطور که ازستم پر شده باشد. (۷)

۸ - چون سلمان فارسی (رض) بکوفه داخل شد و بآن نظر کرد و یادی از بلاهای آن نمود - تا اینکه بیاد ملک بنی امیه و سلاطین بعدشان افتاد - گفت:

پس وقتی چنین شد پس ملازم پلاس خانه هاتان باشید تا اینکه ظاهر ظاهر آن مرد پاک و صاحب غیبت و فراری و دور از وطن ظهور کند. (۸)

۵ - بحار ۱۳/۱۵۵

۷ - اعیان الشیعة ۴ ق ۱/۴۵۷

۶ - الفصول المهمة ۲۸۷

۸ - غیبت شیخ طوسی ۱۱۲

- ۹ - عمار بن یاسر گوید: نشانهٔ خروج مهدی (ع) آن است که ترکان بر شما حمله کنند و آن خلیفهٔ شما که برایتان مال می اندوزد بمیرد. و مرد ضعیفی را خلیفهٔ خود کند که در عرض دو سال از حکومت خلع شود و غرب مسجد دمشق در زمین فرو رود و خروج سه نفر در شام و خروج اهل مغرب بر مصر و اینها نشانهٔ خروج سفیانی است. (۹)
- ۱۰ - عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب گوید: براستی مهدی (ع) زمین را از عدل پر کند آنگونه که از جور پر شده باشد. و حیوانات و درندگان در زمان او در امان باشند و زمین پاره‌های کبدش را بیرون افکند یعنی چیزهایی مثل اسطوانه‌هایی از طلا و نقره از آن بیرون ریزد. (۱۰)
- ۱۱ - کعب گوید: من مهدی (ع) را در سفرهای تورات یافته‌ام که ظلم و خشونت در عمل او نیست. (۱۱)
- و گفت: مهدی (ع) برای خدا شکستگی دارد بمانند نازکی و شکستگی شیشه. (۱۲)
- ۱۲ - صعصعة بن صوحان به نزال بن سبره گفت: آنکسیکه عیسی بن مریم (ع) پشت او نماز گزارد دوازدهمین نفر از عترت است که نهمین فرزند حسین (ع) میباشد. و او خورشیدی است که از مغربش طلوع کند، او نزد رکن و مقام ظاهر شود، زمین را پاک کند و ترازوی عدل را گذارد پس به هیچکس ظلم نکند. (۱۳)
- ۱۳ - طاووس گفت: دوست دارم که نهمین تا زمان مهدی (ع) را درک کنم، زیرا که در زمان او آدم نیکوکار اجر احسانش افزون شود و بسبب نیکی کردنش به بدکاران ثواب برد. (۱۴)

۹ - کشف الاستار ص ۱۳۳

۱۰ - الصواعق المحرقة ص ۹۹

۱۱ - الملاحم و الفتن ۸۲

۱۲ - الملاحم و الفتن ص ۴۷

۱۳ - البحار ۱۳/۱۵۶

۱۴ - الملاحم و الفتن ۴۵

۱۴ - قتاده گوید: به سعید بن مسیب گفتم: آیا مهدی (ع) حق

است؟

گفت: حق است. گفتم: او کیست؟ گفت: قرشی است.

گفتم: از کدام قرشی است؟

گفت: از بنی هاشم که از بنی عبدالمطلباند.

گفتم: از کدام فرزندان عبدالمطلب؟

گفت: از فرزندان فاطمه (ع). (۱۵)

۱۵ - محمد بن سیرین یادی از مهدی (ع) کرد و گفت: او بر بعضی

از پیامبران برتری دارد. (۱۶)

۱۶ - عمرو بن عاص گوید: هرگاه لشکری در بیداء فرو رفت پس

آن علامت خروج مهدی است. (۱۷)

۱۷ - ابو عمرو و عامر بن شراحیل شعبی گوید: بدانکه روایات ما

و اکثر اهل اسلام این است که پیامبر ما (ص) فرموده که: ناچار یک

مهدی از فرزندان فاطمه (ع) - دختر حضرتش - خواهد بود که ظاهر می شود

و زمین را از عدل و داد پر میکند آنگونه که بدست دیگران از ظلم و

جور بر شده باشد. (۱۸)

۱۸ - محمد بن مسلم زهری گوید: چون سفیانی و مهدی (ع)

برای جنگ برخورد کنند در آنروز صدائی از آسمان بشنوند که: آگاه

باشید که دوستان خدا از اصحاب فلانی هستند یعنی حضرت مهدی (ع) -

حدیث دنباله دارد. (۱۹)

۱۹ - ابو محمد اسماعیل بن عبدالرحمن سدی گوید: مهدی و

۱۵ - الملاحم و الفتن ۴۹

۱۶ - کشف الاستار ۱۹۶

۱۷ - منتخب الاثر ۴۵۹

۱۸ - غایة المرام ۷۰۴

۱۹ - منتخب الاثر ۴۸۱

عیسی بن مریم علیهما السلام با هم گرد آیند و وقت نماز برسد پس مهدی (ع) به عیسی (ع) گوید: پیش بایست. حضرت عیسی (ع) گوید: تو بنماز سزاوارتری. پس عیسی (ع) در پشت سر او نمازگزارد. (۲۵)

۲۵ - مقاتل بن سلیمان در تفسیر قول خدایتعالی: "وَإِنَّهُ لَعَلْمٌ لِّلسَّاعَةِ. و براستی آن نشانه‌ای از قیامت است" گفته: این آیه درباره مهدی (ع) نازل شده است. (۲۱)

۲۱ - عبدالله بن عمر گوید: هرگاه لشگری در بیداء فرو رود پس آن علامت خروج مهدی (ع) است. (۲۲)

۲۲ - زید بن علی بن الحسین (ع) به ابن بکیر گفت: خدا بوجود ما شناخته شد و بوجود ما پرستش شد و ما راه بسوی خدائیم. و مصطفی و مرتضی از مایند و مهدی که قائم این امت استاز ما است. گفتم: ای پسر رسول خدا آیا رسول خدا (ص) به شما فرموده که قائم شما کی قیام می‌کند؟

گفت: ای ابن بکیر تو هرگز باو نرسی، براستی باید شش نفر از اوصیاء بعد از این زمامدار شوند سپس خداوند خروج قائم ما را اجازه دهد که او زمین را از عدل و داد پرکند آنگونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (۲۳)

۲۳ - محمد بن حنفیه به محمد بن بشیر از علائم خروج مهدی (ع) خبر میداد و گفت: هرگاه دیدی که نیازمندیها آشکار شود و مردی گوید که من دیشب گرسنه خوابیدم و با تو باروئی دیگر برخورد کند... و در این هنگام بزودی آن صدای آسمانی بلند شود. (۲۴)

۲۵ - منتخب الاثر ۴۷۹ بنقل از تذکرة الخواص ۳۷۷

۲۱ - المهدی تألیف صدر ۱۴۱

۲۲ - الملاحم و الفتن ۵۰

۲۳ - بحار ۵۸/۱۱

۲۴ - بحار ۱۶۹/۱۳

- ۲۴ - علی بن عبدالله بن عباس گوید: مهدی (ع) خروج نکند تا اینکه نشانه‌ای با خورشید طلوع کند. (۲۵)
- ۲۵ - سعید بن جبیر گوید: در سالی که مهدی (ع) قیام میکند ۲۴ مرتبه باران می‌آید که اثر و برکتش بچشم میخورد. (۲۶)
- ۲۶ - ابوسعید، خدري گوید رسولخدا (ص) فرمود: شما را به مهدی بشارت دهم که در میان امت من برانگیخته شود بهنگام اختلاف و کشمکش‌ها پس زمین را از عدل و داد پر کند آنگونه که از ظلم و جور بر شده باشد. همه ساکنان آسمان و زمین از او خشنود باشند و مال را بطور مساوی میان مردم قسمت کند. (۲۷)
- ۲۷ - ابوسعید. خدري گوید رسولخدا (ص) فرمود: زمین از ظلم و جور پر شود، سپس مردی از خاندان من هفت یا نه سال مالک زمین شود و زمین را از عدل و داد پر کند. (۲۸)
- ۲۸ - ابوسعید خدري گوید رسولخدا (ص) فرمود: قیامت بر پا نشود تا اینکه مردی از خاندان من که درخشان پیشانی و کشیده بینی است حاکم زمین گردد و زمین را از عدل پر کند آنگونه که قبل از او از ظلم پر شده باشد و هفت سال بماند. (۲۹)

- 
- ۲۵ - بحار ۱۳/۱۶۲
- ۲۶ - غیبت شیخ طوسی ۲۸۵
- ۲۷ - ینابیع المودة ۴۸۷ از فرائد السمطين.
- ۲۸ - ینابیع المودة ۴۸۸
- ۲۹ - منتخب الاثر ۱۸۷

### فهرستی از اسامی صحابه و کتابها در این زمینه

در این بخش فهرستی از اسامی ۵۰ نفر از صحابهٔ پیامبر (ص) که از آنحضرت دربارهٔ امام مهدی (ع) حدیث روایت کرده‌اند آورده می‌شود.

اسامی صحابه	اسامی کتب
۱ - ابو امامه باهلی	البیان فی اخبار صاحب الزمان ۹۵
۲ - ابو ایوب انصاری	ینابیع المودة ۵۳۱ طبع نجف
۳ - ابو جحاف	کتاب الغیبة تألیف شیخ طوسی ۱۱۱
۴ - ابوذر غفاری	کفاية الاثر
۵ - ابوسعید خدری	(۱)
۶ - ابوسلمی چوپان رسولخدا (ص)	الغیبة تألیف شیخ طوسی ۹۶
۷ - ابو لیلی	ینابیع المودة ۵۲۸
۸ - ابو هریره	صحیح البخاری ۱۷۸/۲
۹ - ام سلمه	مسندابی داود ۱۵۱/۴

۱ - نگارنده در کتاب الامام المهدی (ع) احادیثی را که از طریق صحابی معروف ابی سعید خدری رسیده جمع‌آوری کرده و ۴۳ حدیث شده که بدان استدلال کرده بر کثرت احادیثی که دربارهٔ آن حضرت (ع) وارد شده و کثرت طرق آن از صحابه و تابعین.



- سنن المصطفى ابن ماجه ٥١٩/٢  
 ينابيع المودة ٥٩٥ از العرائس ثعلبي  
 سنن المصطفى ابن ماجه ٥١٩/٢  
 ينابيع المودة ٥٢٦  
 منتخب الاثر ١١٢ از اربعين مجلسي  
 منتخب الاثر ٥٥  
 ينابيع المودة ٥٨٨  
 الشيعة و الرجعة ٥٥/١  
 كفاية الاثر  
 كشف الغمة ٣/٣٥١ ط ٢  
 كشف الغمة ٣/٢٦١ ط ٢  
 غاية المرام ٢٥٥  
 منتخب الاثر ٤٨  
 منتخب الاثر ٢٥٢  
 كفاية الاثر  
 مقتل الحسين خوارزمي ١٤٦/١  
 منتخب الاثر ٤٥١ از كتاب البرهان  
 في علامات مهدي آخر الزمان  
 ينابيع المودة ٥٢٥  
 غاية المرام ٧٥٤  
 غاية المرام ٧٥٧  
 البيان في اخبار صاحب الزمان ٩٦  
 منتخب الاثر ١١٦ از كتاب بحار الانوار  
 غيبت نعماني ٤٦  
 سنن المصطفى ابن ماجه ٥١٩/٢  
 الفصول المهمة ٢٧٨
- ١٥ - انس بن مالك  
 ١١ - تميم الداري  
 ١٢ - ثوبان  
 ١٣ - جابر بن عبدالله انصاري  
 ١٤ - جارود بن منذر عدي  
 ١٥ - حذيفة بن اسيد  
 ١٦ - حذيفة بن يمان  
 ١٧ - ابوقتادة حرث بن ربيع  
 ١٨ - امام حسن عليه السلام  
 ١٩ - امام حسين عليه السلام  
 ٢٥ - زرين عبدالله  
 ٢١ - زرارة بن عبدالله  
 ٢٢ - زيد بن ارقم  
 ٢٣ - زيد بن ثابت  
 ٢٤ - سعد بن مالك  
 ٢٥ - سلمان فارسي  
 ٢٦ - طلحة بن عبيدالله  
 ٢٧ - عائشة دختر ابي بكر  
 ٢٨ - عباس بن عبدالمطلب  
 ٢٩ - عبدالرحمن بن سمرة  
 ٣٥ - عبدالرحمن بن عوف  
 ٣١ - عبدالله بن ابي اوفى  
 ٣٢ - عبدالله بن جعفر طيار  
 ٣٣ - عبدالله بن حرث بن جزء  
 زبيدي  
 ٣٤ - عبدالله بن عباس

الفصول المهمة ٢٧٧	٣٥ - عبدالله بن عمر
البيان في اخبار صاحب الزمان ٩٢	٣٦ - عبدالله بن عمرو بن عاص
الفصول المهمة ٢٧٩	٣٧ - عبدالله بن مسعود
كفاية الاثر	٣٨ - عثمان بن عفان
البيان في اخبار صاحب الزمان ٨٥	٣٩ - علاء
الفصول المهمة ٢٧٩	٤٠ - علقمة بن عبدالله
مسند ابي داود ١٥١/٤	٤١ - امام علي بن ابيطالب (ع)
مجمع الزوائد هيتمى ١٦٥/٩	٤٢ - علي الهلالي
منتخب الاثر ٢٥٥	٤٣ - عمار بن ياسر
منتخب الاثر ٥٥	٤٤ - عمران بن حصين
الشعبة و الرجعة ٤٦/١	٤٥ - عمر بن خطاب
كفاية الاثر	٤٦ - فاطمة زهراء عليها السلام
الملاحم و الفتن ٥١	٤٧ - قتاده
ينابيع المودة ٢٢٥	٤٨ - قره مزني
الملاحم و الفتن ١٣٧	٤٩ - كعب
كتاب المهدي تأليف صدر ١٩١	٥٥ - معاذ بن جبل

تابعیانی که احادیث رسول اعظم (ص) در باره امام مهدی (ع)  
را روایت کرده‌اند

دهها نفر از صحابه احادیثی از رسول اعظم (ص) درباره امام مهدی (ع) شنیده و صدها نفر از تابعین هم آن احادیث را از صحابه روایت کرده‌اند، اینک در این فصل نام پنجاه نفر از تابعین که راوی احادیث رسول خدا (ص) درباره امام مهدی (ع) بوده‌اند از نظر تان خواهد گذشت. و بجهت اختصار در مقابل هر یک از اسامی تابعین فقط بنام کتابی که از آن نقل شده اکتفاء می‌کنیم.

اسامی تابعین	اسامی کتب
۱ - ابراهیم بن علقمة	الملاحم و الفتن ۵۲
۲ - ابراهیم بن محمد بن حنفیه	سنن المصطفی ابن ماجه ۵۱۹/۲
۳ - ابو اسماء رحبی	سنن المصطفی ابن ماجه ۵۱۹/۲
۴ - ابوسلمة عبدالرحمن بن عوف	البيان فی اخبار صاحب الزمان ۹۶
۵ - ابو صدیق ناجی	سنن المصطفی ابن ماجه ۵۱۸/۲
۶ - ابو عمرو مقرئ	منتخب الاثر ۴۴۹
۷ - ابو نصره	مسند ابی داود ۱۵۲/۴
۸ - ابو هارون عبدی	غیبت شیخ طوسی ۱۱۶ ط نجف
۹ - اسحاق بن عبدالله ابی طلحة	سنن المصطفی ابن ماجه ۵۱۹/۲
۱۰ - اصبع بن نباتة	غایة المرام ۶۳۹
۱۱ - ایاس بن سلمة بن اکوع	کفایة الاثر
۱۲ - ثابت بن دینار	ینابیع المودة ۵۹۲ ط نجف

- ١٣ - جابر الصدفي  
١٤ - جابر بن يزيد جعفي  
١٥ - حارث بن سعيد بن قيس  
١٦ - حنش بن معتمر  
١٧ - زاذان  
١٨ - زربن حبيش  
١٩ - زهري  
٢٥ - سائب ثقفى  
٢١ - سالم بن عبدالله بن عمر  
٢٢ - سعيد بن جبير  
٢٣ - سعيد بن مسيب  
٢٤ - سلامة  
٢٥ - سايح بن قيس هلالى  
٢٦ - سليمان بن ابي حبيب  
٢٧ - شهر بن حوشب  
٢٨ - طاوس يمانى  
٢٩ - عباية بن ربيع  
٣٥ - عبدالرحمن بن ابي ليلى  
٣١ - عطيه عوفى  
٣٢ - امام على بن الحسين (ع)  
٣٣ - على بن عبدالله بن عباس  
٣٤ - على بن على هلالى  
٣٥ - عمارة بن جوين عبدى  
٣٦ - ابو زرعة عمرو بن جابر  
حضرى  
٣٧ - عمرو بن عثمان بن عفان  
٣٨ - عيسى بن عبدالله بن مالك
- البيان فى اخبار صاحب الزمان ٩٩  
ينابيع المودة ٥٩٣  
منتخب الاثر ١١٨ از كتاب مناقب  
منتخب الاثر ٤٦  
دلائل الامامة  
البيان فى اخبار صاحب الزمان ٩٥  
الملاحم و الفتن ٦٨  
كفاية الاثر  
غيبت نعمانى ٤٥  
غاية المرام ٦٩٢  
مسند ابي داود ١٩١/٤  
مقتل الحسين خوارزمى ٦٦/١  
ينابيع المودة ٥٣٤  
غاية المرام ٦٩٣  
منتخب الاثر ٩٦ از كتاب نفس الرحمن  
كفاية الاثر  
ينابيع المودة ٥٢١  
ينابيع المودة ٥٢١  
البيان فى اخبار صاحب الزمان ٨٥  
ينابيع المودة ٥٣٧  
البيان فى اخبار صاحب الزمان ٨٨  
مجمع الزوائد هيثمى ٩٥٥/٩  
غيبت شيخ طوسى ١١١  
سنن المصطفى ابن ماجه ٥١٩/٢  
كفاية الاثر  
الشيعه و الرجعة ٤٦/١

- |                                |                                 |
|--------------------------------|---------------------------------|
| البيان في اخبار صاحب الزمان ٩١ | ٣٩ - كثير بن مرة                |
| ينابيع المودة ٥٢٩              | ٤٥ - مجاهد                      |
| ينابيع المودة ٥٢٧              | ٤١ - امام محمد باقر عليه السلام |
| غاية المرام ٧٥٨                | ٤٢ - محمد بن جارود عدى          |
| سنن المصطفى ابن ماجه ٢/٢١٩     | ٤٣ - محمد بن حنفيه              |
| غاية المرام ٦٩٢                | ٤٤ - محمد بن منذر               |
| كفاية الاثر                    | ٤٥ - محمود بن لبيد              |
| منتخب الاثر ٥٥                 | ٤٦ - مطرف بن عبدالله            |
| البيان في اخبار صاحب الزمان ٨٥ | ٤٧ - معلى بن زياد               |
| البيان في اخبار صاحب الزمان ٨٦ | ٤٨ - مكحول                      |
| صحيح بخارى ٢/١٧٨               | ٤٩ - نافع مولى ابي قتادة        |
| البيان في اخبار صاحب الزمان ٨٧ | ٥٥ - وهب بن منه                 |

### ولادت امام مهدي عليه السلام

تاريخ نگاران نوشته‌اند که ولادت آنحضرت در سامراء در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری مطابق سال ۸۶۸ میلادی بوده است. (۱) و خبر ولادت آنحضرت (ع) بطرق زیادی از حکیمه خاتون دختر امام جواد (ع) نقل شده چنانچه از غیر ایشان هم روایت گردیده است. و تاریخ نگاران در باره مراسم ولادت آنحضرت که بدست مبارک امام حسن عسکری علیه السلام انجام شده سخن بدرازا گفته‌اند. و آن

- 
- ۱ - ارشاد ۳۷۲ - بحار ۲/۱۳ - الذخيرة الى المعاد ۳۲۷  
منتخب الاثر ۳۳۸ - کمال الدين ۱۰۴/۲ - غيبت شيخ طوسي ۱۴۱  
ينابيع المودة ۵۴۲ - المجالس السنوية ۴۷۹/۵ - كشف الاستار ۵۳  
فضائل الامام علي (ع) ۲۴۳ - موجز تواريخ اهل البيت تأليف سماوي  
۹۵ - الفصول المهمة ۲۷۷ - المدخل الى موسوعة العتبات المقدسة ۲۴۹  
كشف الغمة ۲۴۶/۳ ط ۲ - الائمة الاثنا عشر تأليف ابن طولون ۱۱۷  
اعيان الشيعة ۴ ق ۲۲۷/۳ - نور الابصار ۲۴۳ - منتهى الآمال تأليف  
قمي ۲۸۱/۲ - جوهرة الكلام ۱۵۷ - الاتحاف بحب الاشراف ۶۹  
الصواعق المحرقة ۱۰۰ - اليواقيت و الجواهر ۱۴۳/۲ - البرهان على  
وجود صاحب الزمان ۶۴ - مرآت الاسرار - تاريخ آل محمد (ص) تأليف  
قاضي بهلول بهجت ۲۷۰ - غاية الاختصار ۶۵ - روضة الاحباب تأليف  
سيد جمال الدين - معراج الوصول الى معرفة فضيلة آل الرسول - روضة  
المناظر - الاعلام ۳۱۰/۶ - اثبات الوصية ۱۹۵ .



حضرت ده هزار رطل نان و ده هزار رطل گوشت (۲) برای آن نوزاد صدقه داد و سیصد گوسفند عقیقه کرد (۳) و دیگر مراسمی که آنحضرت بها نمود.

و ما در اینجا دو روایت درباره ولادت آنحضرت میآوریم.

۱ - موسی بن محمد بن قاسم بن حمزه فرزند امام موسی کاظم (ع) گوید: حکیمه دختر امام محمد تقی حضرت جواد (ع) برای من حدیث کرد که امام حسن عسکری (ع) نزد من فرستاد و فرمود: ای عمه امشب که شب نیمه شعبان است نزد ما افطار کن زیرا خدای تبارک و تعالی امشب حجت خود در زمین را آشکار کند. گوید: من خوابیدم و نیمه شب بهنگام سحر برخوایم و سوره "الم سجده" و "یس" را خواندم. پس نرجس خاتون حالش برآشفته و جامه از رویش برداشت بناگاه مولودی در حال سجده نمایان شد، امام عسکری (ع) صدا زد عمه جان پسر مرا نزد من بیاور. او را نزد حضرتش بردم پس آنحضرت دو پای طفل را روی سینه مبارک خود گذاشت و زبان خود را در دهان او برد و دست مبارک بر دو چشم و گوش و بندهای او کشید..... (۴)

۲ - موسی بن محمد که از نواده‌های امام کاظم (ع) است گوید: حکیمه دختر امام جواد (ع) بمن باز گفت: که: حضرت امام عسکری (ع) نزد من فرستاد و فرمود: ای عمه امشب افطار نزد ما باش چون امشب نیمه ماه شعبان است و خداوند تبارک و تعالی امشب حجت را آشکار کند و او حجت خدا بر زمین است. گوید عرض کردم: مادرش کیست؟ فرمود: نرجس.

عرض کردم: قربانت بخدا اثری در او نیست، فرمود همین است که بتو میگویم. گوید: آمدم و چون سلام کردم و نشستم نرجس آمد کفش مرا در آورد و گفت: ای خانم من و خانم خاندانم شب شما خوبست؟

۲ - کمال الدین ۱۰۵/۲ ( رطل یک وزن عراقی است ) .

۳ - کمال الدین ۱۰۶/۲

۴ - ینابیع المودة ۴۵۰

گفتم: تو خانم من و خانم خاندان منی، او گفتار مرا ناستوده شمرد و گفت: این چه فرمایشی است عمه جان؟ گوید باو گفتم: دخترم خدای تعالی امشب پسری بتو کرامت کند که آقای در دنیا و آخرت است و او خجالت کشید و حیا کرد.

من چون نماز عشاء را خواندم افطار کردم و در بستر خوابیدم و خوابم برد، چون نیمه شب شد برخاستم نماز خواندم و نماز را تمام کردم و او در خواب راحت بود و اثری هم در او نبود من نشستم و تعقیب خواندم و دراز کشیدم و هراسان از خواب پریدم و او هنوز خواب بود، سپس برخاست نماز خواند و خوابید. گوید: از اطاق بیرون شدم و منتظر طلوع فجر بودم که فجر اول مانند دم روباه پدید شد و او خواب بود. پس شکی بمن دست داد که یکباره ابو محمد (ع) از محل خود فریاد زد و فرمود: عمه جان شتاب مکن اینجاست که مطلب نزدیک است.

گوید: نشستم و مشغول خواندن سوره "الم سجده و یس" شدم در این میان او هراسان از خواب بیدار شد بیالین او جستم و گفتم: **إِسْمُ اللَّهِ عَلَيْكَ** آیا چیزی احساس میکنی گفت: آری ای عمه باو گفتم: خود را جمع کن و دل آسوده دار همانیست که بتو گفتم. حکیمه گوید: یک حالت از خود رفتگی بمن و او دست داد که از صدای مولایم بخود آمدم و جامه از روی نرجس کنار زدم و مولای خود را دیدم که در حال سجده است و مواضع سجودش بر زمین است. او را باغوش کشیدم دیدم پاک و پاکیزه است و ابو محمد (ع) صدا زد عمه جان فرزندم را نزد من بیاور، او را نزد وی بردم دست مبارک زیر دوران و پشتش گذاشت و دو پای او را بر سینه خود گذارد و زبان در دهانش نهاد و دو دستش را بر دو چشم و بندهای او کشید..... الی آخر. (۵)

### اعلام ولادت امام مهدی علیه السلام

در همان اوقات که امام حسن عسکری (ع) ولادت حضرت مهدی (ع) را پنهان میداشت و بجهت ترسی که از حکومت و یارانش بر او داشت راه تقیه و محافظت می‌پیمود می‌بینیم که اصحاب خود را از ولادت آنحضرت با خبر میساخت و خود او را هم به بعضی از آنان نشان میداد. و برای دسته دیگر صدقاتی را که برای آنحضرت داده بود میفرستاد و به عده‌ای دیگر از شیعیانش خبر ولادت او را می‌نوشت. همه اینها بخاطر اقامه حجت و نص و تصریح بر خلافت آنحضرت بوده است. و اینک نام کسانی را که خبر ولادت آنحضرت را نقل کرده‌اند می‌آوریم:

- ۱ - کلینی بسندش از علی بن بلال روایت کند که گوید: از جانب امام حسن عسکری (ع) دو سال پیش از وفاتش پیامی بمن رسید که از جانشین بعد از خود بمن خبر داد و بار دیگر سه روز پیش از وفاتش پیامی رسید و از جانشین پس از خود بمن خبر داد. (۱)
- ۲ - ابوهاشم جعفری را بولادت آنحضرت خبر داده است. (۲)
- ۳ - ابو طاهر بلالی را بولادت آنحضرت خبر داده است. (۳)
- ۴ - ابراهیم - از اصحاب امام عسکری (ع) - گوید: مولایم ابو-محمد (ع) چهار قوچ برای من فرستاد و نوشت: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ این از عقیقه پسر محمد مهدی است گوارایت باد خودت بخور و به هر یک از شیعیان ما هم که دیدی بخوران. (۴)

---

۱ - المجالس السنیه ۱۰۵/۲      ۳ - کمال الدین ۱۷۶/۲  
۲ - کشف الغمة ۳۴۲ - غیبت شیخ طوسی ۱۴۹  
۴ - بحار ۱۰/۱۳ - غیبت شیخ طوسی ۱۵۹ با تغییری در لفظ.

۵ - ابو جعفر عمری گوید: چون آقا (ع) بدنيا آمد امام عسکری (ع) فرمود: سراغ ابي عمرو بفرستيد بيايد فرستادند آمد حضرت باو فرمود: ده هزار رطل نان و ده هزار رطل گوشت بخر و آنها را عادلانه بين بنی هاشم پخش کن و چندین وچندان گوسفند از او عقیقه کن. (۵)

۶ - شیخ صدوق بسندش از حسن بن منذر روایت کند که گفت: حمزة بن ابي الفتح روزی نزد من آمد و گفت: مژده، دیشب درخانه ابي محمد (ع) فرزندی برای حضرتش بدنيا آمد و آنحضرت دستور داد او را پنهان سازند و فرمود تا سيمد گوسفند برای او عقیقه کنند. گفتم: نامش چیست؟ گفت: او را محمد خوانند و از او به جعفر کنایه آورند. (۶)

۷ - محمد بن ابراهیم کوفی گوید: ابو محمد (ع) کسی را که نامش را بمن گفت با گوسفندی سربریده نزد من فرستاد و فرمود: این از عقیقه پسر محمد است. (۷)

۸ - امام عسکری (ع) گوسفند سر بریده ای که از عقیقه پسرش بود برای محمد بن ابراهیم کوفی فرستاد. (۸)

۹ - آنحضرت بمادر خود پیامی فرستاد و او را بولادت قائم (ع) خبر داد. (۹)

۵ - کمال الدین ۱۰۵/۲

۶ - کمال الدین ۱۰۶/۲

استاد ما گوید: در آخر حدیثی از امام حسین (ع) چنین آمده: **الْمَكْنِيُّ بِعَمِّهِ** یعنی کسیکه نام او را نبرند و با کنیه او را صداکنند بخاطر عمویش که جعفر کذاب است یا اینکه **الْمَكْنِيُّ** بروزن **الْمَهْدِيِّ** باشد باین معنی که او را پنهان دارند بخاطر عمویش. چنانچه از قول عقبه خادم نقل شده که کنیه اش ابوالقاسم است و ابو جعفر گفته می شود. ( مترجم )

۷ - کمال الدین ۱۰۶/۲ - بحار ۶/۱۳

۸ - سفینه البحار ۲/۲۰۱      ۹ - کمال الدین ۲/۱۷۸

۱۰ - محمد بن حسن بن اسحاق قمی گوید: چون خلف صالح (ع) بدنیآ آمد از سوی مولا یمان اہی محمد حسن بن علی (ع) بجدم احمد بن اسحاق پیامی رسید و در آن با همان دستخطی کہ نامہا می رسید نوشته بود: مولود بدنیآ آمد و باید این مطلب نزد تو مستور بماند و از ہمہ مردم پوشیدہ باشد. زیرا ما جز اقوام نزدیک و دوستان پذیرای ولایت او را ہاین امر آگہی ندهیم و دوست داشتیم کہ تو را ہاین امر آگاہ سازیم تا خدا خوشحالت کند چنانچہ ما را خوشحال ساخت والسلام. (۱۰)

۱۱ - عقید خادم امام حسن عسکری (ع) گوید: وای خدا حجة بن الحسن (ع) بدنیآ آمد. (۱۱)

۱۲ - حسن بن حسین علوی گوید: در سامراء ہر اہی محمد (ع) وارد شدم و آنحضرت را ہولادت ہسرش قائم (ع) تهنیت گفتم. (۱۲)

۱۳ - حسن بن حسین علوی گوید: در سامراء ہر اہی محمد (ع) وارد شدم و آنحضرت را ہولادت آقا یمان صاحب الزمان (ع) تهنیت گفتم. (۱۳)

۱۰ - کمال الدین ۱۰۸/۲ - ۱۱ - بحار ۶/۱۳

۱۲ - کمال الدین ۱۰۸/۲ - بحار ۶/۱۳

۱۳ - غیبیت شیخ طوسی ۱۴۸ - بحار ۶/۱۳

### برای چه امام مهدی (ع) غائب است؟

درست است که همه امامان علیهم السلام مقهور و گرفتار بوده و هر کدام بنحوی بدست دشمنان از وطن خود دور افتاده‌اند، بعضی از آن بزرگواران در زندان بسر برده و بعضی دیگر در تبعید روزگار گذرانده‌اند اما این گرفتاریها شدت و ضعف داشته و در خلال این سختی‌ها با شیعیان‌شان دائماً در تماس بوده و پایگاههای علمی‌شان پابرجا و نعمت وجودشان بر امت ظاهر بوده است و دانشمندان از نقاط مختلف جهان اسلامی بار سفر بسته و برای فراگیری علم بنزد ایشان می‌آمدند و از اینرو گروه بسیاری از علماء اسلامی در حضور ایشان پرورش یافته و وصیت دانش‌آنان آفاق جهان را پر کرده و از تعالیم آن بزرگواران صدها کتاب و تألیف تدوین گردیده است تا آنجا که از علمی سخن نگوئی و از دانشی کاوش نکنی مگر آنکه نقش آنان را در نشر و تعلیم آن بروشنی دریابی، حتی بیشتر علوم جدید از قبیل کیمیا و جبر و دیگر علوم از ایشان دریافت شده اضافه بر نقش زیربنایی و گسترش علوم اسلامی چون فقه و حدیث و تفسیر که یادگار ایشان بوده است. و زندگانی آنان (ع) تنها در جهت علم و دانش نبوده بلکه در خانه این بزرگواران بروی مسنندان و محرومان باز و بخشش‌هاشان بر کسانی که چشمداشت بایشان داشته به بیشترین مقدار بوده است. و عطاهاشان از عطایای ملوک و سلاطین افزون بود و سی هزار دینار و صد هزار دینار بخشش می‌نموده‌اند. (۱) و در رفتار درخشان آنان هزار شاهد بر آنچه می‌گویم هست.

۱ - به کتاب مناقب ۴۴۸/۲ در سیره امام هادی (ع) مراجعه شود که آنحضرت به هر یک نفر از احمد بن اسحاق و علی بن جعفر همدانی و عثمان بن سعید سی هزار دینار عطا فرمود. و نیز درج ۴۵۹/۴ در سیره امام حسن عسکری (ع) آمده که آنحضرت به هر یک نفر از ابی طاهر و علی بن جعفر همدانی صد هزار دینار بخشیده است.

و این عادت ایشان بوده و هر زمان که یکی از آنان وفات میکرد  
 فرزند صالح او جایش را پر کرده و قیام بواجبات او مینمود و آنان از  
 پادشاهی جزابیهت و از سلطنت جز ستم کم نداشتند.  
 و در بیماری امام حسن عسکری (ع) دولت وقت تصمیم به تفتیش  
 و جستجو از فرزند او گرفت و چون بدو دست نیافتند بعد از وفات حضرتش  
 زنان و کنیزان او را در محاصره داشتند بدین گمان که یکی از آنان  
 بفرزند امام عسکری (ع) حامله است تا جائیکه بعضی از کنیزان آنحضرت  
 دو سال در حبس آنان بسر بردند.

احمد بن عبدالله بن یحیی بن خاقان گوید: چون امام حسن  
 عسکری (ع) بیمار شد سلطان نزد پدرم فرستاد که ابن الرضا بیمار شده  
 پدرم همان ساعت سوار شد و بدارالخلافة رفت سپس با عجله برگشت  
 و پنج نفر از خدمتکاران خلیفه با او همراه بودند که همه آنها از  
 افراد مورد اطمینان و از خاصان او بشمار میرفتند که از جمله آنها نحریر  
 بود و بایشان دستور داد تا ملازم خانهء حسن بن علی (ع) باشند و  
 از اخبار و احوال او اطلاع حاصل کنند. و نزد چند نفر از پزشکان  
 فرستاد و دستور داد که زیاد نزد آنحضرت رفت و آمد کنند و روز و  
 شب با او باشند و او را واری کنند پس از دو روز خبر رسید که آن  
 حضرت بسیار ضعیف شده او فوراً سوار شد تا اینکه اول صبح نزد آن  
 حضرت رسید و دستور داد پزشکان بالین او بمانند و نزد قاضی القضاة  
 فرستاد و او را در مجلس حاضر کرد و فرمان داد که ده نفر از یاران  
 مورد اطمینان خود در دین و امانت و پاکدامنی را برگزیده و در آنجا  
 احضار کرد و به خانهء امام حسن (ع) روانه نمود و دستور داد که شب  
 و روز آنجا باشند و پیوسته آنجا بودند تا آنکه حضرت (ع) پس از چند  
 روز که از ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ گذشته بوده وفات یافت. در آنروز  
 سرّ من رأی یکپارچه شیون و ناله بود و میگفتند ابن الرضا از دنیا رفته.  
 و سلطان بازرسانی فرستاد خانهء حضرت را تفتیش کردند و اطاقها را  
 بازرسی نمودند و آنچه را که در خانه بود مهر و موم کرده و بدنبال



جستجوی فرزند حضرت افتادند. زنان قابله‌ای را آوردند و نزد کنیزان حضرت رفتند و آنان را بازرسی کردند تا یکی خبر داد که کنیزی حامله است دستور داد که او را در اطاقی حبس کردند و تحریر خادم و یارانش و چند زن را موکل او کردند سپس به تجهیز حضرت پرداختند و بازارها تعطیل شد و پدرم با بنی هاشم و افسران و نویسندگان و سایر مردم نزد جنازه آنحضرت جمع شدند و در آنروز سامراء شبیه به قیامت بود، چون از کار آنحضرت فارغ شدند سلطان نزد ابی عیسی بن متوکل فرستاد و دستور داد با آنحضرت نماز گزارد چون جنازه را برای نماز گذاشتند ابو عیسی نزدیک آن آمد و روی او را باز کرد و او را بر بنی هاشم از علویان و عباسیان و همه افسران و نویسندگان و قاضیان و دانشمندان و عادلان نشان داد و گفت: این حسن بن علی بن محمد ابن الرضا است که در بستر بیماری بمرگ طبیعی از دنیا رفته و بر جنازه او از خادمان و معتمدان امیرالمؤمنین فلانی و فلانی و از پزشکان فلانی و فلانی و از قاضیان فلانی و فلانی حاضر بوده‌اند سپس رویش را پوشید و برخاست و بر آنحضرت نماز کرد و پنج تکبیر گفت و دستور داد جنازه آنحضرت را از وسط خانه برداشتنند و در خانه‌ای که پدر بزرگوارش مدفون بود ب خاک سپردند. وقتی جنازه دفن شد و مردم پراکنده شدند سلطان و یارانش در طلب فرزند آنحضرت بتکاپو افتادند و بجستجو در منازل و خانه‌ها پرداختند و از قسمت میراثش خود داری کردند و آنان که ما مور نگهداری آن کنیزی که گمان حمل و بار داری در او داشتند بودند دو سال یا بیشتر ملازم او بودند تا اینکه بر آنان معلوم شد که باردار نیست سپس میراث آنحضرت بین مادر و برادرش جعفر تقسیم شد و مادرش ادعا کرد که وصی اوست و این مطلب نزد قاضی بثبوت رسید. و سلطان در همه این احوال مشغول بی‌جوئی از فرزند بود. جعفر بعد از تقسیم میراث نزد پدرم آمد و باو گفت: مقام و مرتبت برادرم را برای من قرار ده و من در هر سال بیست هزار دینار برایت میفرستم، پدرم بر او برآشت و باو بد گفت و گفت: احمق، سلطان-

**أَعَزَّهُ اللَّهُ** - شمشیر و تازیانه برکشیده در میان کسانی که اعتقاد دارند پدر و برادرت امامند تا اینکه ایشان را از این عقیده باز دارد، بازداشتن ایشان از این عقیده درباره آن دو برایش میسر نگشته و کوشید تا پدر و برادرت را از این مقام کنار زند و نشد، و اگر تو نزد شیعیان پدر و برادرت امام باشی پس نیازی به سلطان و غیر او نداری که تو را در جای آنان قرار دهد و اگر نزد ایشان چنین مقامی نداری بسبب ما بدین مقام دست نیازی و با این سخن جعفر پدرم او را کوچک شمرد و ضعفش دانست و دستور داد که دیگر نزد او نیاید و بعد از آن اجازه ورود بوی نداد تا مرد و تا ما از سامراء بیرون آمدیم اوضاع به همینطور بود و سلطان بدنبال فرزند حسن بن علی بود تا با امروز (۱) پس زمانیکه دولت وقت در پی جستجوی طفل امام حسن عسکری (ع) می باشد تا او را بکشد و در انتظار بچه اوست تا نابودش کند پس چگونه برای آنحضرت میسر است که نمایان شود و در این جو آشفته در عوض پدران بزرگوارش دست بکار حکومت گردد؟

آیا کسی غیر از امام مهدی (ع) هم مجبور به غیبت شده است؟  
 آری تاریخ تکرار می شود و رسول اعظم (ص) بیان فرمود که این امت  
 در طغیان و سرکشی از امت های گذشته پیروی میکند قدم بقدم و موبو (۱).  
 و براستی ادریس و صالح و ابراهیم و یوسف علیهم السلام هر  
 کدام غیبتی داشتند و فرعونیان موسی را مجبور به فرار کردند (پس از  
 شما فرار کردم آن زمان که از شما ترسیدم - شعراء - ۲۱) و خداوند عیسی  
 را با آسمان بالا برد آنگاه که بنی اسرائیل خواستند او را بقتل رسانند  
 ( بلکه خداوند او را بسوی خود بالا برد و خدا عزیز و حکیم است -  
 نساء ۱۵۸) و طایفه قریش رسول خدا (ص) را وادار کردند که سه سال  
 در شعب محصور باشد که در آن از دسترس مسلمانان دور بود (۲).  
 و چون انسان مسلمان نمی تواند در این کارها بر این پیامبران  
 ایراد بگیرد و آنرا یک مصلحت بینی میداند که لازم بود توجه بدان  
 و امتثال خواست خدای تعالی بود که بدان عمل میکردند پس غیبت  
 امام مهدی (ع) هم مانند غیبت ایشان است و شرائط آنحضرتش چون  
 شرائط ایشان . پی جوئی فرعونیان از این پیامبران (ع) بیشتر از پی جوئی  
 و تفتیش معتمد عباسی از امام مهدی (ع) نبود که زنان را حبس میکرد  
 شاید که مهدی (ع) از یکی از آنان متولد شود .

آیا وقت آن نرسیده که ستم از میان برود؟

بما ایراد میکنند که: آن زمان گذشت و سالهاست که دولت عباسی  
 از میان رفته و آن سختگیری ایشان بدانجهت بود که میدانستند نهمین

۱ - بحار ۷۰/۱۳ المجالس السنیه ۵۵۳/۵

۲ - کمال الدین ۲۲۶ - ۲۴۳

فرزند از فرزندان حسین (ع) زمین را پر از عدل و داد کند آنگونه که از ظلم و جور پر شده باشد و این مطلب از پیامبر (ص) برای ایشان روایت شده بود. بدینجهت بر سلطنت خویش می‌ترسیدند که مبادا از ایشان گرفته شود و حال که حکومت آنان از میان رفته چه چیز مانع ظهور آنحضرت است؟

پاسخ اینست که: وقتی که ما اعتقاد بوجود و غیبت آنحضرت (ع) پیدا کردیم شناخت سبب غیبت و طولانی بودن آن و کندی ظهور برای ما اهمیتی ندارد و این روش ما در همه امور دین است. مثلاً ما میدانیم که خدا جل شأنه ما را بنمازهای واجب یومیه در اوقات معین و بهر رکتهای محدود و مشخصی مکلف نموده اما شناخت سر این تکلیف و نظیر آن و هدف از آن و سببی که بخاطر آن نماز صبح را دو رکعت و ظهر را چهار رکعت و مغرب را سه رکعت قرار داده از واجبات دینی نبوده و اعتقادی بر آن بند نیست. با اینکه ممکن است برای ما که اسباب و جوهری برای این طولانی بودن غیبت بیان کنیم که میشود بعضی از علل واقعی باشد و میشود هم که از واقع دور باشد.

۱ - در اینجا علتی بهتر از این سخن نیست که: خواست خدای جل شأنه چنین اقتضای کرده و مصلحتش چنین تعلق گرفته و رد کنندهای برای قضاء او و تغییر دهندهای برای حکم او نیست.

۲ - غروب ستاره دولت عباسی و زوال ملک و سلطنت ایشان راه را برای ظهور آنحضرت باز نمیکند زیرا سلاطین و حکامی که بعد از عباسیان آمدند بدتر از آنان بودند (هرگاه گروهی داخل جهنم شود دسته دیگر را لعن میکند - اعراف ۳۸) و چه دل سخت میکند حاکم را بر کسیکه در زایل کردن دولت و ریشه کن ساختن سلطنت او میکوشد آنگاه که عدل و رأفت او را ببیند.

۳ - این کار آسان بود اگر دولت آنحضرت (ع) هم مانند سایر دولتها و حکومتش مانند سایر حکومت بود که بر کشوری از کشورهای جهان در قسمتی از زمین یا در ناحیه‌ای از اطراف زمین باشد اما

اینطور نیست بلکه عدالت او باید بر همه روی زمین گسترده شود ، و دادگریش زمین را پر میکند و همه بتها و دین‌ها را نابود میسازد و جز اسلام را باقی نگذارد (و اسلام را بر همه ادیان غلبه دهد اگر چه مشرکان را ناخوش آید) . پس اینکار مقدماتی لازم دارد و باید که فراهم شود و خود را آماده سازد و برای این انقلاب بزرگ الهی منتظر فرصتی مناسب باشد .

### فائده امام غائب چیست؟

این پرسشی است که زیاد بر سرزبانها است: فائده امام غائب چیست؟

برادر من، امامت مانند پیامبری لطفی (۱) است از جانب خدای تعالی بر خلقش و دعوتی است از جانب او از خلقش به راه هدایت تا حجت باشد برایشان - برای خدا حجت رسا است - این نسبت به خداست. اما لطف از جانب پیامبر و امام این است که بر او واجب است برای ادای رسالت بپاخیزد و تعالیم الهی را گسترش دهد و سخن حق و دعوت بدان را بلند کند. و بعد از این دو مطلب، بر مردم واجب است شنوائی کنند و اطاعت نمایند و فرمان برند و به رهنمائیش راه یابند، دستورات او را فرا گرفته و راه و نظام او پویند.

پس چون مردم پیامبر یا امام را از اداء واجباتش بازدارند و سد راه او شوند و او را به غیبت و مانند آن مجبور سازند، با آنچه که بر آنها واجب بود مخالفت کرده و از مأموریت خویش سرباز زده‌اند و در اینصورت بر پیامبر یا امام ایرادی نیست. ( بر پیامبر جز ابلاغ روشن چیزی نیست) زیرا آنان سد راه او شده و بین او و اداء رسالت و نشر تعالیمش جدائی انداخته و مانع کار او گردیده‌اند پس همه سرزنش‌ها بر آنان و همه مسئولیتها بر دوش خودشان خواهد بود. (۲)

۱ - لطف در اصطلاح علمای کلام عبارت از چیزی است که بنده را به طاعت و فرمانبری خدا نزدیک و از مخالفت و نافرمانی او دوردارد.

و با همه اینها باز هم غیبت آنحضرت خالی از مصلحت برای امت و فائده برای مسلمین نیست. و از اینکه وجه مصلحت و فائده‌ای که بر این غیبت مترتب است بر امت پوشیده باشد ضرری متوجه آنان نمی‌شود و این مانند بسیاری دیگر از امور دینی است که پیوسته به هدف و غایت و فائده آنها جاهل بوده‌ایم. و با اینحال مجالی برای عقل باقی است که بعضی از فوائد غیبت حضرتش را دریابد.

جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر (ص) سؤال کرد: ای رسول خدا آیا شیعیان او در زمان غیبتش از او بهره‌مند می‌شوند؟ فرمود: آری سوگند بآنکه مرا به پیامبری برانگیخته که شیعیان از نور او روشنی گیرند و از ولایتش در زمان غیبت او بهره‌مند شوند همان گونه که مردم از خورشید بهره گیرند اگر چه ابر آن را پوشیده باشد. (۱) باز میگردیم و بعضی از فوائد این غیبت را مینگاریم:

۱ - همان فوایدی که از غیبت پیامبران گذشته علیهم السلام برای امتهاشان بود از غیبت آنحضرت (ع) هم برای این امت می‌باشد.

و امامت مانند پیامبری یکی از شقوق آن است. ( مترجم )

۲ - خلاصه سخن اینکه: برای هدایت مردم سه چیز لازم است: ۱ - ارسال رسل از جانب خدا ۲ - تبلیغ و اداء رسالت از جانب پیامبر یا امام ۳ - پذیرش مردم. اما آن دو کار نخست یعنی کار خدا و پیامبر یا امام عملی شده و آنان بواجب خود قیام کرده‌اند و هر چه کوتاهی بوده از جانب خود مردم و عدم پذیرش ایشان بوده و غیبت امام هم بهمین خاطر است. پس علت غیبت خود مردمند نه اینکه از جانب خدا یا پیامبر یا امام قصوری باشد. و مرحوم خواجه طوسی در تجرید فرماید: وجود امام (ع) لطف است و باز بودن دست او و بسط یدش لطفی دیگر و غیبت او از ما است یعنی ما سبب غیبت او هستیم. (مترجم)

۱ - کمال الدین ۳۶۵/۱

۲ - همه مسلمانان - جز معتزله و خوارج - اتفاق دارند بر وجود خضر (ع) و بقای او در طول قرنهای دراز و زمانهای طولانی و ما غایت و هدف از بقای او و سود حاصل از وجود مبارک او را ندانیم. و لازم است برای خدای حکیم جل شأنه که سودی در بقای او قرار دهد و برای وجود شریف او بهره‌ای در نظر گیرد و می‌شود که مسئله مورد بحث خود - فائده امام غائب چیست - را به موضوع حضرت خضر (ع) پیوست دهیم (و بگوئیم همانگونه که در وجود و بقای حضرت خضر (ع) سود و بهره‌ای است اگرچه ما ندانیم در وجود و بقای امام (ع) هم سود و فائده‌ای هست هر چند ما بدان آگاهی نداشته باشیم).  
و عدم آگاهی ما به فائده بقای این دو بزرگوار علیهما السلام دلیل بر انکار فائده و منفعت وجود ایشان نیست و حال آنکه پیوسته ما فائده بسیاری از امور عبادی و غیر آن را ندانیم و این همه اسرار حج از احرام و طواف و سعی و تقصیر و پرتاب سنگریزه و قربانی کردن و سر تراشیدن - دست نخورده مانده که ما راهی برای شناخت هدف و فائده حاصل از آنها نیافته‌ایم.

۳ - در این غیبت آزمایشی برای مسلمانان و امتحانی برای مؤمنین است و این آزمایش و امتحان از ملت اسلام بعید نیست بلکه شواهد زیادی از قرآن کریم بر آن هست.

خدای تعالی (در آیه ۳-۱ سوره عنکبوت) فرموده: "الم. آیا مردم پنداشته‌اند که آنان را رها کرده‌اند که بگویند ایمان آوردیم و آزمایش نشوند. و همانا آزمودیم کسانی را که قبل از ایشان بوده‌اند تا خدا بنمایاند کسانی را که راست گفته‌اند و بنمایاند دروغگویان را." و (در آیه ۱۷۹ سوره آل عمران) فرموده: "اینطور نیست که خدا مؤمنین را واگذارد بر آنچه شما برآنید تا اینکه جدا کند پلید را از پاک."

و از پیامبر (ص) روایت شده که فرمود: حتماً باید که فتنه‌ای شود تا که این امت بعد از پیامبرش بدان آزمایش شود تا راستگو از



دروغگو ممتاز گردد، زیرا وحی منقطع شده و شمشیر و اختلاف کلمه تا روز قیامت باقی است. (۱)

و آنحضرت به علی (ع) فرمود: یا علی بزودی مسلمانان باموالشان آزمایش شوند و بسبب دینداری خود بر پروردگارشان منت نهند و رحمت خدا آرزو نمایند و خود را از غضب خدا در امان دانند و حرام خدا را با شبهات نادرست و هواهای غافل کننده حلال شمارند. پس شراب را بجای آب انگورو خرما، و رشوه را با نام هدیه و ربا را با اسم خرید و فروش حلال دانند. علی (ع) گوید: عرض کردم یا رسول الله ایشان را در چه پاهای دانم؟ برگشت از دین یا فتنه و آزمایش؟ فرمود: در مرتبه فتنه و آزمایش. (۲)

و امیرالمؤمنین (ع) فرمود: ولکن خدای عزوجل بندگانش را به انواع مجاهدتها بیازماید و باشکال مختلف سختیها گرفتار سازد، بدین جهت که باد نخوت را از دلشان بیرون کند و شکستگی و فروتنی را در جانشان جایگزین سازد تا اینکه این آزمایش را درهائی بسوی فضلش و اسباب و عللی برای عفوش قرار دهد چنانکه فرمود: "الم - آیا مردمان پنداشته‌اند که رها شده‌اند که بگویند ایمان آوردیم و امتحان نشوند؟" (۳)

و همانا خداوند مسلمانان صدر اسلام را گاهی با هجرت و دوری از وطن و زمانی با جنگیدن و وقتی با یاری کردن و مرتبه‌ای با شکست خوردن آزمایش فرمود و اگر میخواست در همه این اوقات یاریشان دهد می‌توانست و میکرد لکن همه اینها آزمایش بود و امتحان و فتنه، و نیز آنان را که بعد از ایشان آمدند - از تابعین و تابعین آنها - آزمایش فرمود باینصورت که آنان براحتی می‌زیستند و امانان ایشان علیهم -

۱ - تفسیر صافی ۳۶۳

۲ - تفسیر صافی ۳۶۴ به نقل از نهج البلاغه

۳ - تفسیر برهان ۲۴۳/۳

السلام در گرفتاری و قتل و حبس و تبعید بسر می بردند و چه بدبختی و نکبت آور است برای آنان که می دیدند مثلاً موسی بن جعفر (ع) در حبس بسر می برد و حکومت بدست زنان و نوکران افتاده است. و خداوند جل شأنه نیز ما را با غیبت امام و نبود رهبرمان (ع) آزمایش میکند تا ایستادگی و ثبات ما بر عقیده به مبدأ و پیوندمان با اسلام روشن شود.

۴ - و همه این گرفتاریهای فراوان زندگی و مصیبت های متعدد و رنجها و شدائد گوناگون و همه سختیهای حیات جز برای تکمیل نفوس و صفای طینت خیری که در انسان وجود دارد نیست تا اینکه آدمی با گسستن هر نوع وابستگی به هر چیز و دل بستن و توجه بحضرت حق جل شأنه از چاه نفس بدر آید. و گرفتاریهای ما در زمان غیبت رهبرمان (ع) از حد شمار بیرون است و از سنخ همان گرفتاریهاست اگر بیش از آنها نباشد. و همه اینها بخاطر توجه بخداوند تبارک و تعالی و پیوستگی با او برای یاری کردن حق و اصلاح اجتماع و آماده سازی زمینه فرج است. و در این گیرودارها علاوه بر آنچه گذشت راهی برای تکمیل نفوس و تهذیب و صفای دل و پاکسازی غرائز وجود دارد.

اشکالی در باره طول عمر و کسانی که عمر دراز داشته اند

از بزرگترین شبهاتی که در اطراف موضوع امام مهدی (ع) بدان دامن زده شده مشکله طول عمر آنحضرت است و آن اینکه چگونه می شود مردی پیش از هزار سال زندگانی کند و حال آنکه عمرهای ما از صد بالاتر نرود؟

آری! بزرگتر چیز در نظر منکرین وجود آنحضرت همین مسئله است. و در دست ما شواهدی از قرآن کریم و کتب تاریخ و سخنان پزشکان آنقدر هست که راه را بر منکرین و مغالطه کاران می بندد.

قرآن کریم بصراحت بیان داشته که حضرت نوح (ع) در میان قومش که قبل از آمدن طوفان ایشان را دعوت بخداپرستی میکرد - نهصد و پنجاه سال پیامبری کرده و عمر شریفش از دو هزار سال متجاوز بوده

وابلیس - لعنه الله - قبل از آدم (ع) بوده و تا حال و روز معلومی زنده خواهد بود. و کتب تاریخ و مجموعه های خبری بر است از نام کسانی که عمر طولانی داشته و صدها و هزارها سال زندگانی کرده اند و ابو حاتم سجستانی کتابی مستقل در باره آنان نوشته است. و تواتر بلکه اجماع بر زندگانی بعضی از عمر درازان حاصل است. از آنجمله حضرت خضر (ع) همراه موسی (ع) در کشتی بود و همه دانشمندان اسلامی جز عده کمی از ایشان اجماع دارند بر زنده بودن وی و بقايش تا حال. و شیخ الاسلام شهاب الدین احمد بن علی بن محمد عسقلانی شافعی معروف باهن حجر در کتابش بنام " الاصابة فی تمییز الصحابة " شرح حال آنحضرت را نگاشته و او را از صحابه رسول اعظم (ص) دانسته بدین دلیل که عمر شریفش تا بعد از بعثت ادامه داشته است و در این زمینه کسان دیگری غیر از حضرت خضر (ع) هستند که تاریخ نگاران و سیره نویسان اتفاق قول در طول عمرشان دارند.

و در طب جدید چنین نظریه ای داده شده که: هر جزئی از اجزاء تن قابلیت آن را دارد که هزارها سال زنده بماند و بدین خاطر که جسم ترکیبی از اجزاء بسیار و اعضاء متعدد و جهاز مختلفی است هرگونه خلل و نارسائی که در یکی از آنها ایجاد شود در بقیه اعضاء تن اثر گذاشته و حیات از همه آن ترکیبات و اعضاء بکلی از میان می رود.

در مجله " المقتطف " نوشته بود: دانشمندی که از نظر علمی مورد اطمینانند میگویند: هر یک از بافتهای اصلی در جسم حیوان میتواند تا بی نهایت باقی باشد، و ممکن است انسان نیز هزارها سال زنده بماند تا گاهی که عوارضی بر او وارد نشود که سبب قطع ریسمان حیاتش گردد.

و این سخن ایشان تنها حدس و گمان نیست بلکه نتیجه نظریات علمی است که با آزمایش تأیید شده است. و گفته اند: و نهایت چیزیکه

از تجربه‌های گذشته بدست آمده این است که: علت مرگ آدمی نیز اینکه سنش به هشتاد و یا صد سال می‌رسد نیست بلکه سبب آن عوارضی است که پی در پی بر بعضی اعضایش وارد می‌شود و آن را آسیب می‌رساند و بجهت اینکه این اعضاء با هم پیوسته‌اند همه آنها از بین رفته و می‌میرند و هرگاه که دانش بشر بتواند این عوارض را برطرف سازد یا از کار بیندازد مانعی برای کشش زندگی به صدها سال باقی نمی‌ماند. (۱)

و در مجله " النجف " نوشته بود: گروهی از دانشمندان علوم جدید امثال دکتر الکسیس کارل و دکتر جاک لوب و دکتر ورن لوپس و همسرش و عده‌ای دیگر غیر از ایشان در آزمایشگاه روکفلر در نیویورک دست به یک سری تجربیاتی زدند در باره اجزاء انواع مختلفی از گیاهان و حیوانات و انسان، و از میان این تجربیات آزمایشی بود که در باره پاره‌ای از اعصاب و عضلات و قلب و پوست و کلیه‌های انسان انجام گرفت و دیده شد که این اجزاء تا زمانیکه غذای لازم فراوان بدانها رسد و عوارض بیرونی هم بر آنها وارد نشود زنده میمانند و به رشد خود ادامه می‌دهند و زیاد می‌شوند بهمان اندازه که غذا بدانها برسد.

و اینک حاصل تجاربی که دکتر کارل در کانون دوم سال ۱۹۱۲ دست بکار آنها شده از نظرتان میگذرد:

۱ - اجزاء سلولی جسم تا زمانیکه عارضی بر آنها وارد نشود که آنها را از بی‌غذائی یا بسبب دخول بعضی میکروب‌ها بمیراند زنده می‌مانند.

۲ - این اجزاء نه تنها زنده می‌مانند بلکه رشد میکنند و زیاد می‌شوند همانگونه که در حال اتصال به جسم حیوان نمو دارند و زیاد می‌شوند.

۱ - الامام المنتظر ص ۱۹ بنقل از مجله المقتطف ص ۲۴۰ جزء

۳ از سال ۵۹.

۳ - ممکن است میزان رشد و ازدیاد آنها مقدار غذائی باشد که بآنها می‌رسد.

۴ - زمان در آنها تأثیری ندارد. . . . یعنی این اجزاء بمرور زمان پیر و فرسوده نمی‌شوند و کمترین اثر پیری در آنها پیدا نمی‌شود بلکه بالاتر در همین سال بهمان اندازه رشد کرده و زیاد می‌شوند که در سالهای گذشته رشد و نمو داشته‌اند.

و ظواهر کار نشان می‌دهد که اگر این دانشمندان بکارشان ادامه دهند و بر مراقبت خویش پایدار باشند و بموقع بآنها غذا برسانند این اجزاء همچنان زنده خواهند ماند.

استاد دیمندو برل از اساتید دانشگاه جونس هبکنس در حاشیه نتایج دکتر کارل گوید: زیست جاودان همه اجزاء رئیسیه جسم انسان امری است که از راه آزمایش ثابت شده یا اینکه احتمال زندگی جاودان آن کاملاً ارجح است.

و محکمترین دلیل و تاکید را شرکت وطنی جغرافیائی انتشارداد که: انسان می‌تواند ۱۴۰۰ سال زنده بماند البته اگر بتواند مانند بعضی از حیوانات در اثر تخدیر تمام فصل زمستان را بخوابد.

و از سخن بالا چنین نتیجه گرفته می‌شود که: تخدیر در فصل زمستان عمر حیوانی را که دست بتخدیر زده بیست برابر دراز میکند نسبت به حیوانی که مثل اوست و در تمام فصول سال با نشاط است و حالت تخدیری ندارد. (۱)

و در مجله "السهلال" چنین آمده: همچنین دانشمندان دیگری توانسته‌اند که عمر مگس میوه‌ها را ۹۰۰ برابر عمر طبیعی او کنند بسبب دور نگهداری آن از سموم و بیماریهای مسری و پائین آوردن درجه حرارت متوسطی که در آن زندگی میکند. و کارل با تجربیات خود توسط سلولهای را در قلب جنین مرغی بانگهداری آن از بعضی

عوامل خارجی مدت هفده سال زنده نگه دارد. و اگر به عواملی که بر حیات آدمی تسلط دارند دقت کنیم مییابیم که اگر مقداری از ماده معروف "کراتن" و شیرهای از غده درقی فاسد بگیریم میتوانیم با تزریق آن بیک غده سالمی آن را به حالت طبیعی اولش برگردانیم و چه بسا اتفاق افتاده که شخصی در اثر شدت ابتلاء به انیمیای پلید مشرف بمرگ بوده و با تزریق آن به قسمتی از کبد او از مرگ نجات یافته با اینکه مردن او در اثر پیری با بودن آن در بدن او انکار پذیر نیست. و آدم مست را با تزریق عصارهای از بنکر یاس میتوان بحالت طبیعی برگرداند.

و دانشمندان دست بکار تازه‌های زده‌اند که نمی‌توان آن را بمازی گرفت و آن دخالت در اصل جرثومه است و توانسته‌اند که جنس قورباغه یا پرندگان را از نر بماده و بر عکس تغییر دهند و هنوز این کار در باره انسان بتجربه نرسیده اما تا زمانیکه اینکار در مورد حیوانات تأیید شده در باره انسان هم غیر ممکن نیست جز اینکه ما هنوز چیزها را نمیدانیم که در آینده باید برای ما کشف شود.

و زیباتر سخنی که می‌توان در رد بر کسانی که امکان بقاء امام مهدی (ع) را انکار دارند گفت مباحثه‌ای است که بین سید بن طاوس - رَضِيَ اللهُ عَنْهُ - و لفیف از علماء بغداد اتفاق افتاده که آنان مسئله طول عمر آنحضرت را پیش کشیده و سید (ره) چنین پاسخ گفته است:

اگر مردی به بغداد آید و ادعا کند که می‌تواند روی آب راه رود و وقتی هم برای آن معین کند آیا احدی از مردم بغداد هست که در آنوقت حاضر نشود و آن را مشاهده نکند؟ شکی نیست که همه در آنوقت حاضر می‌شوند مگر کمی که ممکن است اهمیت ندهند و نیابند سپس آنمرد در روز معین بیاید و روی آب هم راه برود و وعده دهد که در روز دوم هم همین کار را میکند آیا مردم در روز دوم هم مثل روز اول جمع می‌شوند؟ شکی نیست که تعداد شرکت کنندگان در آن روز از روز اول کمتر است. و اگر آنمرد برای روز سوم هم همین اعا را کند



شکی نیست که هیچکس حاضر نمی‌شود یا افراد کمی حاضر می‌شوند و اگر اینکار تکرار شود دیگر کسی توجه نمی‌کند و اینکار بعید هم بنظر نمی‌آید. مسئله مهدی (ع) هم چنین است چون بقاء یک چنین انسانی از نظر عادی زمانی طولانی است مردم آن را بعید شمارند و اگر به تکرار وقوع آن در زمانهای گذشته بنگریم بعید شمردن و دور از باور بودن آن برطرف میگردد. (۴)

اینک جدولی از اسامی کسانی که بیش از مدت عمر طبیعی زیسته‌اند بحضور خواننده محترم تقدیم داشته (۵) و نام امام مهدی (ع) را هم در زمره آنان می‌آوریم و برای خدا در آفریدن او اهدافی است.

۱ - حضرت ابراهیم علیه السلام: از پیامبر (ص) روایت است که فرمود: ابراهیم (ع) ۱۷۵ سال زندگانی کرد. (کمال الدین ۲/۲۰۳ و در کنز الفوائد ۲۴۵ از تورات مانند آن را آورده).

۲ - ابلیس - لعنت خدا بر او - که بنص قرآن کریم تا روز وقت معلوم مهلت داده شده است.

۳ - ادریس (ع): که ۹۶۵ سال زیست. (المهدی تألیف زهیری ۱۰۳ - الزام الناصب ۱/۲۸۸، کنز الفوائد ۲۴۵ بنقل از تورات).  
۴ - آدم (ع): پیامبر (ص) فرمود: ابوالبشر حضرت آدم (ع) ۹۳۰ سال زندگانی کرد. (کمال الدین ۲/۲۰۳ و کنز الفوائد ۲۴۵ به نقل از تورات).

۵ - افریدون عادل: ۱۰۰۰ سال زندگانی کرد. (غیبت شیخ طوسی ۹۱، المهدی زهیری ۱۰۳).

۶ - انوش: ۹۶۵ سال. (کنز الفوائد ۲۴۵ بنقل از تورات).

۷ - اصحاب کهف: مرحوم سید امین فرموده: قرآن کریم تصریح

---

۴ - اسیان الشیعة ۴/۴۱۸ از کتاب کشف المحجة.

۵ - نگارنده در کتابش (الامام المهدی علیه السلام) نام بسیاری از معمرین را نگاشته که در اینجا بذکر چند نفر اکتفا کرده است.



دارد بر اینکه اهل کهف زنده بودند در همان حالت خواب، و سگ ایشان دو دستش را بجهت پاسداری بر در غار دراز کرده بود. و در خواب اول ۳۵۹ سال ماندند آنچنانکه قرآن فرموده. پس کدام یک عجیبتر و بعیدتر و دورتر از باور است؟ بقاء مردی که میخورد و میآشامد و راه میرود و میخوابد و بیدار می شود و نظافت میکند یا اشخاصی که در یک جا مدتی دراز خوابیده نه میخورند، و نه میآشامند و نه نظافت میکنند؟

و نیز قرآن کریم تصریح دارد بر میراندن عزیز صد سال سپس زنده کردن او در حالیکه طعامش نه گندیده و نه بو گرفته بود و الاغش هم با او بود، پس کدام عجیبتر است این یا بقاء مهدی (ع)؟! و نیز قرآن کریم تصریح دارد بر باقیماندن اهل بهشت و جهنم و اخبار بدون خلاف آمده باینکه: اهل بهشت پیر نشوند و فرسوده نگردند و نقصی در جان و حواس آنان بهم نرسد. (المجالس السنیه ۵ / ۵۵۴).

۸ - عوج بن عناق: ۳۶۰۰ سال زیست.

۹ - جمشید: ۷۱۶ سال زندگانی کرد. (الشیعة و الرجعة ۱/۲۳۶ از کتاب الكامل).

۱۰ - بخت نصر: ۱۵۰۷ سال زیست چنانچه در اخبار الدول آمده. (الشیعة و الرجعة ۱/۲۴۱).

۱۱ - برد: ۹۶۲ سال زیست. (کنز الفوائد ۲۴۵ بنقل از تورات).

۱۲ - حضرت عیسی (ع): و احادیث متواتری در کتابهای صحاح رسیده که با امام مهدی (ع) خروج کند و پشت سر آنحضرت نماز گزارد. و دجال را بکشد.

۱۳ - حضرت نوح (ع): امام صادق (ع) فرمود: حضرت نوح (ع) ۲۵۰۰ سال زندگانی کرد، ۸۵۰ سال قبل از اینکه مبعوث شود و ۹۵۰ سال در میان قومش که آنان را بخدا پرستی میخواند و ۷۰۰ سال بعد از آنکه از کشتی بیرون شد و آب فروکش کرد.

۱۴ - حضرت هود پیامبر (ع) : که مدت پیامبریش ۶۷۰ سال بود و عمر هر یک از افراد قومش ۴۰۰ سال بوده و در کتاب المستطرف آمده که ۹۶۲ سال زیست . ( الشیعة و الرجعة ۱/۲۳۵ ) .

۱۵ - هوشنگ بن کیومرث : ۵۰۰ سال زیست . ( الشیعة و الرجعة ۱/۲۳۱ ) .

۱۶ - یارد : ۹۶۲ سال زندگانی کرد . ( منتخب الاثر ۲۷۶ از کتاب تورات ) .

### نشانه های ظهور آنحضرت (ع)

در این فصل قسمتی از آنچه را که از رسول اعظم (ص) و امامان علیهم السلام در علائم ظهور امام مهدی صلوات الله و سلامه علیه رسیده می آوریم . و بعضی از این علائم حتمی است که ناچار باید واقع شود چنانچه در حدیث از امام صادق (ع) آمده : اختلاف بنی عباس از علائم حتمی است و خروج سفیانی در ماه رجب از حتمیات است تا آخر ....

و بعضی دیگر از آنها حتمی نیست یعنی ممکن است دچار لوح محو و اثبات شود ( خداوند محو می کند آنچه را که بخواهد و اثبات میکند و نزد او ام الكتاب است ) . (۱) چنانچه بعضی از این نشانه ها چندین سال قبل از ظهور آنحضرت واقع می شود مانند احادیثی که در باره وضع عمومی مردم رسیده و شکل اجتماعی و اخلاقی مردم را ترسیم کرده است و غیر آن که در این فصل خواهی خواند و بعضی دیگر نزدیک ظهور حضرتش میباشد مانند خسف بیداء ( فرو رفتن لشکری در سرزمین بیداء ) و صدای آسمانی و کشته شدن نفس زکیه و غیر آن .

---

۱ - سوره رعد آیه ۳۹ و لوح محو و اثبات چنانچه از روایات فهمیده می شود آن چیزی است که همه وقایع آینده در آن نگاشته شده و آنچه که در آن است امکان تغییر دارد . ( مترجم )

ما نخست آنچه که از رسول خدا (ص) در این زمینه رسیده می‌آوریم سپس روایات ائمه (ع) و بعضی از بزرگان صحابه و تابعین را بدنبال آن ذکر می‌کنیم.

۱ - پیامبر (ص) فرمود: از ماست مهدی این امت آنگاه که دنیا هرج و مرج شود و فتنه‌ها پشت سر یکدیگر ظاهر شوند و راصها بسته شود و بعضی بر بعضی دیگر غارت زند، نه کبیری به صغیری رحم کند و نه صغیری بزرگی را احترام کند پس در این هنگام خداوند مهدی ما را که نهمین فرزند از صلب حسین (ع) است برانگیزد که دژهای گمراهی و دل‌های غافل را فتح کند و او در آخر الزمان برای دین بپا خیزد همانطور که من در اول زمان برای دین بپا خاستم. زمین را از عدل پر کند آنگونه که از ستم پر شده باشد. (۱)

۲ - و فرمود: بزودی بعد از من فتنه‌هایی پیدا شود که از آنها رهائی نیست در آنها جنگ و گریز است سپس بعد از آن فتنه‌هایی شدیدتر از آنها باشد هرگاه یکی از بین برود دیگری پشت سر آن آید تا اینکه خانه‌ای از عرب نماند جز آنکه فتنه در آن راه یابد و مسلمانی نماند جز که فتنه باو برسد تا اینکه مردی از خاندان من خروج کند. (۲)

۳ - در حدیثی طولانی به علی (ع) فرمود: سپس صدائی بلند شود که افراد از دور آنرا می‌شنوند همانطور که افراد نزدیک می‌شنوند، آن صدا رحمت بر مؤمنین و عذاب بر منافقین است. گفتم: آن نداء چیست؟ فرمود: سه صدا در رجب است.

اول: آگاه باشید که لعنت خدا بر ظالمین است. دوم: قیامت نزدیک است سوم: بدن پارتی با شاخ خورشید می‌بینند که صدا می‌زند: آگاه باشید که خداوند فلانی را برانگیخت تا اینکه نسب او را به علی رساند و نابودی ستمگران در آن صدا است و در این هنگام است که فرج می‌شود و سینه‌هاشان بدان

۱ - بحار ۱۳/۱۷۴

۲ - منتخب الاثر ۴۴۲ از کتاب عقد الدرر فصل اول باب چهارم

درمان یابد و خشم دلهاشان برطرف شود. گفتم: یا رسول الله بعد از من چند امام است؟ فرمود: بعد از حسین نه نفر که نهی آنان قائمشان است. (۳)

۴ - در حدیث معراج از آنحضرت نقل شده که فرمود: خداوند فرمود: از صلب علی یازده مهدی بیرون آورم که همه از نژاد تو باشند از بکر بتول، و آخرین مرد از ایشان کسی است که عیسی بن مریم پشت او نماز گزارد و زمین را از عدل پر کند همانگونه که از ظلم و جور پر شده باشد. هالکان را بسبب او نجات دهم و گمراهان را بدست او هدایت کنم و کوران را بوسیله او بینا گردانم و بیماران را باو بهبود بخشم پس گفتم: اله من و سید من این مطلب کی می شود؟  
خدای عزوجل وحی فرمود: آن زمان که دانش برداشته شود و نادانی آشکار گردد و قاریان فراوان و عمل بقرآن کم و کشتار زیاد و عالمان هدایت کننده اندک و عالمان گمراهی و خیانتکار بسیار و شاعران فراوان شوند.

و امت تو قبورشان را مسجد کنند و قرآنها زیور شوند و مساجد زینت گردند و ستم و فساد فراوان و مکر و حيله آشکار شود و امت بدان امر کنند و از معروف جلوگیری نمایند. مردان بمردان درآویزند و زنان بزنان. زمامداران کافر و دوستانشان فاجر و یارانشان ظالم و صاحب رأیشان فاسق باشند. و در این هنگام سه خسف واقع می شود: یک خسف در مشرق و خسفی در مغرب و خسفی در جزیره العرب. و بصره بدست مردی از اولاد تو که زنگیان پیرویش کنند و یران شود و مردی از اولاد حسین بن علی (ع) خروج کند و دجال ظاهر شود و از مشرق از سیستان خروج کند و سفیانی ظاهر گردد.

عرض کردم: خدای من بعد از من چه فتنه‌هایی برپا شود؟  
بمن وحی کرد و مرا از بلاء بنی امیه و فتنه عموزاده‌هایم و آنچه

که تا روز قیامت خواهد شد خبر داد و آن هنگام که بزمین آمدم و ادای رسالت کردم همه آنها را به پسر عمویم وصیت نمودم . و حمد برای خداست بر اینکار همانطور که پیامبران گذشته و هر چه پیش از من بود و آنچه که خدا آنها را تا روز قیامت آفریند او را حمد کرده و میکنند . (۴)

۵ - امیر المؤمنین (ع) فرمود: قبل از قیام قائم مرگ سرخ و مرگ سفیدی خواهد بود و ملخهای موسمی در وقت خود آیند و ملخهای سرخ رنگی مانند خون در غیر وقتش میآید . اما مرگ سرخ شمشیر و مرگ سفید طاعون است . (۵)

۶ - نزال بن سبرة گوید: علی بن ابیطالب (ع) برای ما خطبه خواند و پس از حمد و ثنای الهی سه بار فرمود: سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي یعنی: هر چه میخواهید از من بپرسید پیش از آنکه مرا از دست بدهید صعصعة بن صوحان برخاست و گفت: یا امیر المؤمنین دجال کی خروج میکند؟ حضرت باو فرمود: بنشین که خدا سخن تو را شنید و مقصود تو را دانست، بخدا قسم پرسش شده در این مسئله از پرسش کننده داناتر نیست اما برای آن علامات و نشانههایی است که قدم بقدم پشت سر هم آیند . و اگر خواهی تو را بدانها خبر دهم .  
عرض کرد: بفرمائید یا امیر المؤمنین .

حضرت فرمود: بخاطر بسیار همانا نشانههای آن چنین است: آنگاه که مردم نماز را بمیرانند و امانت را ضایع سازند و دروغ را حلال شمارند و ربا خواری کنند و رشوه گیرند و بناهای محکم بسازند و دین را بدینا بفروشند و کار را بدست سفیهان بسپارند و با زنان مشاوره کنند و با خویشان قطع رابطه کنند و بدنبال دلخواه خود روند و به خونریزی بهائی نگذارند و بردباری نشان ضعف باشد و ستم نشان

۴ - کمال الدین ۳۶۴/۱ بحار ۱۳/۱۹

۵ - بحار ۱۳/۱۶۰

افتخار، و زمامداران فاجر و وزیران ظالم و سرکردگان خائن و قاریان فاسق باشند و گواههای بنا حق پدیدار شود و معاصی و بهتان و گناه و سرکشی علنی گردد.

و قرآن‌ها را زیور و مساجد را زینت کنند و منارهای بلند بسازند و اشرار مورد احترام باشند و صف‌ها شلوغ شود و خواست‌ها مختلف باشد و پیمان‌ها شکسته شود و آن وعده‌ای که داده شده نزدیک گردد و زنان بجهت حرص بر دنیا با شوهرانشان در تجارت شرکت جویند و صدای فاسقان بلند گردد و از ایشان پذیرفته شود (۶) و رئیس قوم پست‌ترین ایشان باشد و فاجر را از ترسش احترام کنند و دروغ‌گر را راستگو شمارند و خیانتکار امین گردد و آلات لهو و موسیقی بکار گرفته شود و پیشینیان خود را لعنت کنند. و زنان سوار زین شوند، و زنان به شکل مردان و مردان به شکل زنان درآیند و شاهی گواهی دهد بدون آنکه شاهد بوده باشد و دیگری گواهی دهد برای پیمان دوستی بدون آنکه حقی را شناسد و در نظر گیرد. و احکام دین را برای غیر دین فراگیرند و کار دنیا را بر آخرت مقدم دارند و لباس‌های گریز صفت بپوشند و دل‌هاشان از لاشهٔ مرده بدبو تر و از زهر تلختر است. پس در این هنگام شتاب و عجله کنید. بهترین جاها در آنروز بیت المقدس است و البته زمانی بر مردم بیاید که هر کس آرزو کند از ساکنان آنجا باشد. (۷)

۷ - امیرالمؤمنین (ع) در ضمن حدیثی طولانی فرمود: سپس بین زمامداران عرب و عجم اختلاف و کشمکش رخ دهد و پیوسته اختلاف کنند تا اینکه حکومت بدست مردی از اولاد ابی سفیان بیفتد. تا اینکه

۶ - مقصود یا خوانندگان و شنیدن آهنگهای آنهاست یا متینگ دهندگان و ناطقین انتخاباتی است که هر روز یکی را علم کنند و مردم را بدنبال خود بکشانند (مترجم).

۷ - الخرایج و الجرایح فصل ۲۵ - بحار ۱۳/۱۵۶

فرمود: سپس امیرامیران و کشنده کافران و آن سلطان مورد امیدی که عقلها در غیبتش متحیراند ظاهر گردد و او نهمین فرزند از اولادتوست ای حسین که بین رکن و مقام ظهور کند. او بر جن و انس ظاهر شود و در زمین احدی از فرومایگان را باقی نگذارد خوشابحال مؤمنینی که زمان او را درک کنند و بروزگارش برسند و ایام او را ببینند و با یارانش ملاقات کنند. (۸)

۸ - امیرالمؤمنین (ع) فرمود: از سه چیز منتظر فرج باشید راوی گوید عرض کردم: آنها چیست؟

فرمود: اختلاف اهل شام در بین خود، اختلاف علمهای سیاه در خراسان و صدای هراسناک در ماه رمضان.

عرض شد: صدای هراسناک در ماه رمضان چیست؟

فرمود: جارچی از آسمان آواز دهد که خواب را بیدار و بیدار را بهراس اندازد و دختران را از اطاقها بیرون کند و همه مردم آنها بشنوند پس مردی از هیچ گوشه جهان نیاید جز اینکه خبر دهد آن صدا را شنیده است. (۹)

۹ - ابورومان گوید علی (ع) فرمود: هرگاه آواز دهندهای از آسمان صدا کرد که حق در آل محمد (ص) است مهدی بر سرزبانهای مردم افتد و از کسی جز او سخن نگویند. (۱۰)

۱۰ - امیرالمؤمنین (ع) فرمود: هرگاه که آتش در حجاز شما افتاد و آب در نجف شما جاری شد پس منتظر ظهور آنحضرت باشید. (۱۱)

۱۱ - امیرمؤمنان (ع) فرمود: آگاه باشید، برای خروج حضرتش ده نشانه است اول آنها پاره شدن پرچمهاست در کوزههای کوفه، و تعطیل مساجد و بسته شدن راه بر حاجیان و خسف و فرو رفتن زمین

۸ - کشف الاستار ص ۱۸۰

۹ - کشف الاستار ۱۳۵      ۱۰ - الملاحم و الفتن ۳۶

۱۱ - الزام الناصب ۱۲۵/۲ از کتاب الصراط المستقیم



در خراسان و طلوع ستارهٔ دنباله‌دار و نزدیک شدن ستارگان بیکدیگر و هرج و مرج و کشتار و غارت و اینها آن‌ده علامت است و از پیدا شدن علامتی تا علامت دیگر عجب است پس هرگاه همهٔ علامات ده‌گانه پایان گرفت قائم ما قیام میکند. (۱۲)

۱۲- امام حسین (ع) فرمود: هرگاه دیدید علامتی را از آسمان که آن آتشی است از طرف مشرق که چندین شب طلوع میکند پس در آن هنگام فرج آل محمد یا فرج مردم واقع می‌شود و آن اقدام مهدی (ع) است. (۱۳)

۱۳- امام حسین (ع) فرمود: هرگاه دیدید آتشی را از طرف مشرق سه روز یا هفت روز، پس منتظر فرج آل محمد باشید انشاءالله. سپس فرمود: جارچی از آسمان بنام مهدی (ع) جار زند و هر کس که در مشرق و مغرب است آنرا بشنود تا اینکه آدم خوابی نماند مگر که بیدار شود و ایستاده‌ای نباشد جز که بنشیند و نشسته‌ای نباشد مگر که از ترس سر پا بایستد. پس خدا رحمت کند کسی را که آن صدا را بشنود و اجابت کند زیرا صدای اول صدای جبرئیل روح الامین است. (۱۴)

۱۴- علی بن الحسین (ع) فرمود: هرگاه که نجف شما را سیل و باران فراگیرد و آتش در سنگ‌ها و شن‌ها پیدا شود و تاتارها (قومی هستند در اطراف دریای خزر و چین و هند- المنجد) مالک بغداد شوند پس منتظر ظهور قائم منتظر باشید. (۱۵)

۱۵- حذلم بن بشیر گوید: به علی بن الحسین (ع) عرض کردم چگونه خروج مهدی (ع) را برایم وصف کن و علامات و نشانه‌هایش را بمن بازگو.

۱۲- الشیعة والرجعة ۱/۱۴۸ بنقل از مشارق الانوار حافظ برسی ۲۱۹

۱۳- منتخب الاثر ۴۴۴ ۱۴- کشف الاستار ۱۳۶

۱۵- الزام الناصب ۲/۱۲۵ از کتاب الصراط المستقیم

حضرت فرمود: قبل از خروج آنحضرت مردی بنام عوف سلمی از سرزمین الجزیره خروج کند و محل سکونت او کریت (نام محلی است) میباشد و در مسجد دمشق کشته می شود و بعد از او شعیب بن صالح از سمرقند خروج کند سپس سفیانی ملعون از وادی یابس خروج میکند و او از اولاد عتبه بن ابی سفیان است وقتی او خروج میکند مهدی (ع) پنهان است و سپس بعد از آن قیام میکند. (۱۶)

۱۶ - جابر گوید: با امام باقر (ع) عرض کردم: این امر (ظهور مهدی یا ظهور دولت حق) کی می شود؟

فرمود: کوتا انجام شدنش ای جابر! زیرا هنوز کشته ها در بین کوفه و حیره فراوان و انبوه نشده است. (۱۷)

۱۷ - امام باقر (ع) فرمود: پرچمهای سیاهی که از خراسان می آید در کوفه فرود آید و چون مهدی (ع) ظاهر شود نزد آنها فرستد تا بیعت کنند. (۱۸)

۱۸ - جابر بن یزید جعفی گوید ابو جعفر محمد بن علی الباقر (ع) فرمود: ای جابر زمین گیر باش و دست و پائی نزن تا آنگاه که نشانه های را که برایت میگویم ببینی اگر بآنها برسی.

اولش اختلاف بنی عباس است - و بنظر من تو آنروز را درک نخواهی کرد ولی از من بکسانی که پس از من خواهند آمد بازگو کن - و آواز دهنده ای که از آسمان آواز خواهد داد و از سوی دمشق آوازه فتح و پیروزی بشما خواهد رسید و یکی از آبادیهای شام بنام جابیه (از دهات دمشق) فرو خواهد رفت و قسمتی از جانب راست مسجد دمشق سقوط کند و گروهی خارج از دین که از ناحیه ترک باشند خروج کنند و بدنبالش در روم اغتشاش شود و برادران ترک روی آورند تا

۱۶ - غیبت شیخ طوسی ۲۸۵

۱۷ - غیبت شیخ طوسی ۲۸۶

۱۸ - غیبت شیخ طوسی ۲۸۹

آنکه به جزیره فرود آیند و گروهی از رومیان خارج از دین روی آورند تا آنکه برمله فرود آیند.

در آن سال ای جابر در هر ناحیه از مغرب اختلاف فراوانی روی خواهد داد پس نخستین سرزمینی که ویران شود سرزمین شام باشد. این هنگام اختلافشان بسه پرچم انجامد: پرچم اصهب ( سرخ و سفید ) و پرچم ابقع ( سباه و سفید ) و پرچم سفیانی. پس سفیانی با ابقع برخورد کند و بجنگد و سفیانی او و پیروانش را بکشد و سپس اصهب را بکشد سپس همی بجز آنکه رو بسوی عراق کند نخواهد داشت و سپاهیانش به قرقیسیاء ( شهری است در خابور در کنار فرات ) گذر کنند و در آنجا بجنگند و یکصد هزار از ستمگران در آن جنگ کشته شوند و سفیانی سپاهی بکوفه روانه کند که هفتاد هزار بشمار آیند و اهل کوفه را بکشند و بدار آویزند و اسیر کنند.

در این میان بناگاه پرچمهایی از جانب خراسان روی آور شود و بسرعت منازل را طی کند و چند نفر از اصحاب قائم با آنان همراه خواهند بود سپس مردی از کارگران ( غلامان ) اهل کوفه با گروه ضعیفی خروج میکند که فرمانده سپاه سفیانی او را میان حیره و کوفه میکشد و سفیانی لشکری را روانه مدینه میکند پس مهدی از مدینه بمکه میرود بسفیانی خبر میرسد که مهدی بمکه رفته است پس سپاهی بدنبال او میفرستد ولی موفق بدستگیری او نمی شوند تا آنکه آنحضرت مانند موسی بن عمران با ترس و مراقبت وارد مکه میشود.

فرمود: فرمانده سپاه سفیانی در بیداء فرود میآید پس آواز دهندهای از آسمان آواز میدهد: ای بیداء این قوم را نابود کن، پس زمین آنان را فرو میبرد و بجز سه نفر نجات نمی یابند که صورت آنان را خداوند به پشت برمیگرداند و آنان از قبیله کلب میباشند و این آیه در باره آنان نازل شده است. " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرَدَّهَا عَلَى آدْبَارِهَا "

( نساء ۴۷ )

ای کسانی که کتاب آسمانی بشما داده شده ایمان بیاورید آنچه ما نازل کرده‌ایم که آنچه را نزد خود دارید تصدیق میکند، پیش از آنکه بعضی از صورتها را تغییر دهیم و آنها را به پشت‌هایشان برگردانیم. فرمود: و قائم در آنروز در مکه خواهد بود در حالیکه به بیت الحرام تکیه داده و بآن پناهنده شده صدا میزند: ای مردم ما از خدا یاری میطلبیم هر کس از مردم که بما پاسخ داد چه بهتر که ما خاندان پیامبر شما محمد میباشیم و ما سزاوارترین مردم هستیم بخدا و به محمد و هر کس که با من در باره آدم گفتگو کند بداند که من سزاوارترین مردم بآدم هستم و هر کس با من در باره نوح گفتگو کند بداند که من سزاوارترین مردم بنوح میباشم و هر کس با من درباره ابراهیم سخن گوید باید بداند که من سزاوارترین مردم با ابراهیم هستم و هر کس با من در باره محمد گفتگو کند پس من سزاوارترین مردم به محمد هستم و هر کس با من در باره پیامبران سخن گوید پس من سزاوارترین مردم به پیامبران هستم. مگر خداوند در قرآنش فرموده: " **إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ** " (آل عمران ۳۴)

خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید فرزندانى هستند برخى از نسل برخى ديگر و خداوند شنوا و داناست.

پس منم بازمانده آدم و ذخیره نوح و برگزیده ابراهیم و منتخب محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

توجه کنید: هر کس که با من در باره کتاب خدا گفتگو کند پس من سزاوارترین مردم بکتاب خدا هستم، آگاه باشید: هر کس که با من درباره سنت رسول الله گفتگو کند پس من سزاوارترین مردم بسنت رسول الله هستم، هر کس را که امروز سخن مرا میشنود بخدا قسم میدهم که حاضرین از شما بغائبین برسانند و شما را بحق خدا و حق رسول او و حق خودم قسم میدهم - زیرا مرا بر شما حق خویشاوندی

رسول خدا ثابت است - که ما را کمک دهید و ما را از کسیکه بر ما ستم میکند بازدارید که ما وحشتزده شدیم و مظلوم گشتیم و از شهرها و کنار فرزندانمان آواره شدیم و بر ما ستم شده و از حق خودمان ممنوع شدیم و اهل باطل بر ما دروغ بستند. پس خدا را بیاد آرید دربارهٔ ما، ما را خوار نکنید و ما را یاری نمائید تا خدا شما را یاری کند. فرمود: پس خداوند سبزد و سیزده نفر یاران آنحضرت را نزد او گرد میآورد و بدون قرار قبلی آنان را همچون پاره‌های ابر پائیز که بهم می‌پیوندند نزد وی جمع کند. ای جابر این همان آیه است که خداوند در قرآنش فرموده: "أَيُّنَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ". (بقره ۱۴۸)

هر جا باشید خداوند همه شما را میآورد که خداوند بر هر چیزی توانا است.

پس در میان رکن و مقام با او بیعت میکنند و با او خواهد بود وصیت نامه‌ای از رسول خدا (ص) که بفرزندان از پدرانشان دست بدست بارث رسیده است. وقائم ای جابر مردی است از فرزندان حسین (ع) که خداوند کارش را در پیکش اصلاح میکند و هر چه در باره او بنظر مردم مشکل آید در اینکه او از فرزندان رسول خدا است و از علماء یکی پس از دیگری ارث برده است نمی‌توانند تردید کنند و اگر اینها هم بنظرشان دشوار باشد آن آوازی که از آسمان برآید و او را بنام خود و پدر و مادرش آواز دهد همه اشکال را برطرف خواهد نمود. (۱۹)

۱۹ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر (ع) شنیدم که میفرمود: قائم ما بسبب ترس در دل دشمنان یاری می‌شود و بیاری حق تأیید شده، زمین برایش بهیچد و گنجهای خود را برایش نمایان کند و تسلطش به مشرق و مغرب عالم برسد و خداوند بدست او دینش را بر همه ادیان غلبه دهد اگرچه مشرکان را بد آید پس در زمین ویرانه‌ای

نماند جز آنکه آباد گردد و روح الله عیسی بن مریم (ع) فرود آید و پشت سر او نماز گزارد.

گوید عرض کردم: یابن رسول الله قائم شما کی خروج میکند؟ فرمود: آنگاه که مردان خود را شبیه زنان درآورند و زنان شبیه مردان، و مردان بمردان در آویزند و زنان بزنان و زنان بر زمینها سوار شوند و گواههای دروغ پذیرفته شود و گواههای درست پذیرا نگردد و مردم خونریزی و زنا را سبک شمارند و ربا را حلال دانند و از اشرار از ترس زبانشان پرهیز کنند و سفیانی از شام خروج کند و یمانی از یمن و در بیداء خسفی واقع شود و جوانی نوری از خاندان محمد (ص) در بین رکن و مقام کشته شود که نامش محمد بن الحسن نفس زکیه است و آوازی از آسمان بلند شود که حق در او و شیعیان اوست پس در این هنگام قائم ما خروج میکند.

پس چون خروج کند به کعبه تکیه زند و سبزد و سبزه مرد در نزد او گرد آیند و اول سخنش این آیه است: (بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ - هود ۸۶) بقیه الله برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید سپس گوید: من بقیه الله در زمین و حجت و خلیفهء خدا بر شما هستم پس مسلمانی باو سلام نکند جز اینکه گوید: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ: سلام بر تو ای باقیماندهء خدا در زمین. پس چون عقد که آن ده هزار مرد است نزد او گرد آیند خروج میکند پس در زمین معبودی جز خدا از بت و غیر آن باقی نماند مگر آنکه آتش در آن افتد و بسوزد و این بعد از غیبتی طولانی است برای آنکه خدا بداند چه کسی در غیبت او را اطاعت میکند و باو ایمان میآورد. (۲۵)

۲۵ - امام باقر (ع) فرمود: دوشانه قبل از قیام قائم (ع) است که از آنروزی که آدم (ع) بزمین فرود شده سابقه نداشته: خورشید در



نیمه ماه رمضان میگیرد و ماه در آخر آن . مردی گفت : یا بن رسول الله  
معمولاً خورشید در آخر ماه میگیرد و ماه در نیمه آن ؟! امام باقر (ع)  
فرمود : میدانم چه میگوئی اما آنها دو نشانه اند که از زمان فرود آمدن  
آدم (ع) تا آن زمان سابقه نداشته است . (۲۱)

۲۱ - امام صادق (ع) فرمود : پیش از قیام قائم (ع) یک خشکسالی  
پدید آید بحدی که خرما بر درخت فاسد شود پس در این باره شک  
نکنید (یا در این باره شکایت نکنید) . (۲۲)

۲۲ - امام صادق (ع) فرمود : اختلاف بنی عباس از حتمیات  
است و خروج سفیانی در ماه رجب از حتمیات است و کشته شدن نفس زکیه  
از حتمیات است و آواز دهنده‌ای از آسمان در اول روز آوازی دهد که  
هر قومی بزبان خویش آنرا بفهمد و آن صدا این است : آگاه باشید  
که حق در علی و شیعیان اوست . (۲۳)

۲۳ - امام صادق (ع) فرمود : قبل از قیام قائم (ع) علاماتی  
است : خروج یمانی و سفیانی و آواز دهنده‌ای که از آسمان آواز دهد ،  
فرو رفتن زمین در بیداء و کشته شدن نفس زکیه . (۲۴)

۲۴ - امام صادق (ع) فرمود : قائم قیام نکند جز بهنگام ترس  
شدیدی که در مردم پدید میشود و اضطراب و آشوب و بلائی که بآنان  
رسد و طاعونی قبل از همه اینها . و شمشیر برنده‌ای بین اهل مغرب و  
درگیری شدیدی بین مردم و پراکندگی در دینشان و تغییری در حالشان  
تا اینکه آرزو کننده هر صبح و شام در اثر آنچه که از هار صنعتی مردم  
و خوردن بعضی بعض دیگر را می بیند آرزوی قیام او کند و خروج آنحضرت  
بهنگامی است که مردم از فرج مأیوس و ناامید شده‌اند پس خوشا بحال

۱ - بحار ۱۳/۱۶۱

۲ - غیبت شیخ طوسی ۲۸۸

۳ - الخرائج والجرائح فصل ۲۵

۴ - کمال الدین ۲/۳۶۲



کسیکه او را دریابد و از یاران او باشد و همهء بدبختی و گرفتاری برای کسی است که با او ستیزه و مخالفت کند و از فرمانش سرپیچد و از دشمنانش باشد. (۲۵)

۲۵ - محمد بن مسلم گوید: مردی از امام صادق (ع) پرسید قائم شما کی ظهور میکند؟

حضرت فرمود: آنگاه که گمراهی فراوان و هدایت کم شود تا اینکه فرمود: در این هنگام بنام قائم (ع) در شب بیست و سوم ماه رمضان جار زده شود و در روز عاشوراء قیام کند... تا آخر. (۲۶)

۲۶ - امام صادق (ع) فرمود: مردم از گناهان خود بازداشته شوند بخاطر آتشی که در آسمان پیدا شود و فرو رفتن زمین در بغداد و در بصره و خونهایی که در آن شهر ریخته شود و خانه‌هایی که خراب گردد و نابودی که در بین اهل آنجا افتد و همگانی بودن ترسی بر اهل عراق که با بودن آن قرار و آرامشی نخواهند داشت. (۲۷)

۲۷ - امام صادق (ع) فرمود: بین قیام قائم (ع) و کشته شدن نفس زکیه فقط پانزده شب فاصله باشد. (۲۸)

۲۸ - امام صادق (ع) فرمود: خروج آن سه نفر، خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و یک ماه و یک روز است و در میان آن سه، پرچمی هدایت کننده‌تر از پرچم یمانی نیست زیرا که او بسوی حق هدایت میکند. (۲۹)

۲۹ - مردی از امام رضا (ع) از هنگام رسیدن فرج پرسید، فرمود: مشروح بگویم یا مختصر؟ عرض کرد: مختصر بفرما. حضرت فرمود: آنگاه که پرچمهای

---

۲۵ - الزام الناصب ۱۶۲/۲ بنقل از عوالم

۲۶ - کشف الاستار ۱۸۱

۲۷ - منتخب الاثر ۴۴۲ از کتاب ارشاد مفید

۲۸ - غیبت شیخ طوسی ۲۸۶

۲۹ - غیبت شیخ طوسی ۲۸۶

قیس در مصر وهرچمهای کنده در خراسان بجنبش آیند . ( ۳۰ )  
۳۰ - حضرت رضا (ع) فرمود : از نشانه‌های فرج حادثه‌ای است  
که بین حرمین (مکه ومدینه) واقع میشود راوی گوید عرضکردم : آن  
حادثه چیست ؟

فرمود : تعصبی بین حرمین واقع میشود وفلانی از فرزندان فلانی  
پانزده نفر از سران قوم را بکشد . ( ۳۱ )

۳۱ - محمد بن بشر گوید : به محمد بن حنفیه گفتم : این کار  
خیلی طول کشیده پس کی خواهد بود ؟

گوید : او سری تکان داد وگفت : کجا این امر واقع می‌شود در  
حالیکه هنوز زمان سخت نگشته و بر برادران ستم نکرده‌اند وسلطان  
ظلم نکرده وهنوز آن زندیق از قزوین قیام نکرده که پردهء ناموس مردم  
را بدرد وشادایی آنرا ببرد هر کس که از او فرار کند او را بچنگ آورد  
وهر کس با او بچنگد او را بکشد وهر که از او کناره گیرد فقیر شود و  
هر که پیرویش کند کافر گردد تا جائیکه دو گریه کننده باشد : یکی  
بر دینش بگرید و دیگری بر دنیايش . ( ۳۲ )

۳۲ - ابو رزین گوید : عمار بن یاسر گفت : نشانه‌های آمدن  
مهدی آن است که : اهل ترک بر شما رو آورد و آن خلیفهء شما که مال  
می‌اندوزد بمیرد و بچه‌ای را خلیفه کند که دو سال پس از بیعت با او  
از خلافت خلع شود و غرب مسجد دمشق در زمین فرو رود ، و سه نفر  
در شام سورش کنند .

واهل مغرب بسوی مصر خروج کنند پس اینها از نشانه‌های سفیانی  
است (که پس از او مهدی (ع) خواهد آمد) . ( ۳۳ ) .

۳۰ - الخرايج والجرايح فصل ۲۰

۳۱ - غیبت شیخ طوسی ۲۸۷

۳۲ - غیبت شیخ طوسی ۲۸۴

۳۳ - الملاحم والفتن ۳۵

۳۳ - عبدالله بن عباس گوید: مهدی (ع) خروج نکند تا اینکه با خورشید نشانه‌ای طلوع کند. (۳۴)

۳۴ - عبدالله بن عمر گوید هرگاه لشکری در بیداء در زمین فرو رفت پس آن نشانه خروج مهدی (ع) است. (۳۵)

۳۵ - سعید بن جبیر گوید: در سالی که مهدی (ع) قیام میکند بیست و چهار مرتبه باران میبارد که اثر و برکتش دیده می‌شود. (۳۶)

۳۶ - سعید بن مسیب گوید: در شام آشوبی بپا شود که از هر طرف سرکوب شود از سوی دیگر سرمیکشد و پایان نپذیرد تا اینکه آواز دهنده‌ای از آسمان آواز دهد که: امیر شما فلانی است. (۳۷)

۳۷ - کعب الاحبار گوید: پیش از خروج مهدی (ع) از طرف مشرق ستاره‌ای دنباله دار نمایان شود که نورافشانی میکند. (۳۸)

۳۸ - شیخ مفید رحمه الله گوید: آثار و روایات زیادی بدست ما رسیده که علامات و نشانه‌های زمان قیام مهدی (ع) و حوادثی را که پیش از قیام آنحضرت واقع می‌شود و نیز نشانه‌ها و دلایل دیگری را بیان کرده است که جمله‌ای از آنها چنین است:

خروج سفیانی، و کشته شدن حسینی، و اختلاف بنی عباس در حکومت و گرفتن خورشید در نیمه ماه رمضان و گرفتن ماه در آخر آن - که بر خلاف معمول است - و خسفی در بیداء و خسفی در مشرق و خسفی در مغرب و بی حرکت ماندن خورشید از هنگام ظهر تا اواسط وقت عصر، و طلوع خورشید از مغرب، و کشته شدن نفس زکیه (محمد بن الحسن) در پشت کوفه با هفتاد نفر از صالحین و سربریدن مردی هاشمی در بین رکن و مقام، و خراب شدن

۳۴ - الملاحم والفتن ۲۲۲

۳۵ - الملاحم والفتن ۵۰

۳۶ - غیبت شیخ طوسی ۲۸۵

۳۷ - الملاحم والفتن ۲۶

۳۸ - کشف الاستار ۱۳۶

دیوار مسجد کوفه، و آمدن پرچمهای سیاه از طرف خراسان، و خروج یمانی، و ظهور مغربی در مصر و سلطنت او بر شامات، و فرود آمدن ترک در الجزیره، و روم در رمله، و طلوع ستاره‌ای در مشرق که مانند ماه نور میدهد. سپس بطوری جمع می‌شود که گویا دو طرفش بهم می‌رسد، و یک‌سرخس که در آسمان پیدا شود و در آفاق آن پخش گردد، و آتشی که از طرف مشرق پیدا شود و به بالا حرکت کند و سه یا هفت روز در هوا بماند، و لجام گسیختگی اعراب، و تملک آنان بر شهرها، و بیرون شدن از زیر سلطهٔ عجم، و کشتن اهل مصر امیر خود را، و خراب شام، و اختلاف سه پرچم در آن، و داخل شدن پرچمهای قیس و عرب به اهل مصر، و پرچمهای کنده به خراسان، و وارد شدن لشکری از طرف مغرب تا اینکه به پشت حبره برسد، و آمدن پرچمهای سیاه از طرف مشرق بطرف آن، و برآمدن آب فرات بحدیکه در کوجه‌های کوفه بریزد و خروج ۶۰ دروغزن که همگی دعوی نبوت کنند، و خروج دوازده نفر از آل-ابی طالب که هر کدام برای خود ادعای امامت کند، و سوزاندن مردی بلند قدر از پیروان بنی عباس بین جلو لاء و خانقین، و ساختن پلی که از کنار کرخ تا شهر بغداد کشیده شود، و وزیدن بادی سیاه در آن در اول روز و آمدن زلزله تاجائیکه بیشتر آن فرورود و خسوفی که اهل عراق و بغداد را فراگیرد.

و مرگهائی سریع و فراگیر، و نقص اموال و جانها و میوه‌ها، و پیدا شدن ملخهای موسمی و غیر موسمی تا اینکه بر زراعتها و غلات برسد، و ربیع نداشتن زراعتها و اختلاف دو صنف از عجم، و خونریزی زیادی در بین آنان، و سرباز زدن بندگان از فرمان بزرگان خود و کشتن آنها صاحبان خود را، و مسخ شدن قومی از اهل بدعت که بشکل میمون و خوک شوند، و چیره شدن بندگان بر شهرهای بزرگانیشان و آوازی از آسمان که همهٔ اهل زمین اهل هر زبانی که باشند بلفظ خودشان آنرا بفهمند و صورت وسینه‌ای که از آسمان در چشم خورشید برای مردم ظاهر شود، و مردگانی که از قبرها بیرون

آیند تا بدنیا برگردند و با هم شناسائی و رفت و آمد کنند .  
سپس همه اینها به بیست و چهار باران متصل پایان می پذیرد که  
بسبب آن بارانها زمین زنده می شود و برکاتش عیان می گردد ، و پس از اینها  
هر درد و مرضی از معتقدان بحق از شیعیان مهدی (ع) برطرف میشود و  
در آنوقت خبر ظهور آنحضرت بگوش آنان می رسد و برای یاری او بطرف مکه  
رهسپار می شوند ، چنانکه اخبار بدینها رسیده تا اینکه گوید : بعضی از  
این حوادث حتمی است و بعضی مشروط ، و خداوند داناترست با آنچه میشود .  
وما همه آنها را طبق آنچه که در کتب اصلی حدیث آمده و آثار منقولمان  
را بیان کرده آوردیم و از خدا کمک خواهیم و از او توفیق طلبیم . ( ۳۹ )

### بعضی از دعاهای آنحضرت (ع)

دعاء یکی از خصائص امامان از اهل بیت (ع) بوده و آنمقدار ادعیه و اوراد که از آن بزرگواران بیادگار مانده از دیگران بجا نمانده است. استاد سید اهل گوید: هیچکس بر این صناعت - صنعت دعاء از اهل بیت (ع) تواناتر نبوده است. (۱) و این دعاها گنجینه‌هایی از معرفت و ادب و کمال و دانش است و تنها همان صحیفه سجادیه برای ما کافی است که آنقدر از علوم و فنون داراست که هیچ کتابی باندازه آن دارا نیست.

و ما در این چند صفحه بعضی از دعاها و اذکاری را که از قائم اهل بیت (ع) بدست ما رسیده می‌آوریم.

#### ۱- از دعاهای آنحضرت برای حاجت خواستن:

پروردگارا اگر فرمانت بر دم پس ستایش مخصوص توست، و اگر نافرمانیت نمودم پس حجت برای توست. هر آسایش و گشایشی از سوی توست، منزله است آنکه نعمت بخشید و سپاس بندگان را پذیرفت، پاک است آنکه اندازه گرفت و آفرید، خدایا: اگر نافرمانیت کرده‌ام در مقابل تورا در محبوبترین چیزها که ایمان است فرمان برده‌ام، نه فرزندی برایت گرفته‌ام و نه شریکی برایت گذارده‌ام، البته این منتهی بوده است که تو بر من نهاده‌ای، نه منتهی از من بر تو باشد، خدای من معصیت من از تو از روی گردن فرازی و بیرون شدن از بندگیت و انکار ربوبیت تو نبوده لکن از دلخواهم پیروی کردم و شیطان مرا بلغزانده پس حجت و بیان برای تو بر من است، اگر عذابم کنی بگناهان خودم بوده و توظالم نیستی، و اگر مرا بیامرزی و رحم کنی تو بخشنده و و کریم هستی

۱ - کتاب جعفر بن محمد تألیف سید اهل ص ۸۴

یا کریم یا کریم (تا اینکه نفس قطع شود) ای که از همه چیز در  
امانی و همه چیز از تو ترسان و خودپا، از تو می‌خواهم با منیتت از هر چیز و ترس  
هر چیز از تو که بر محمد و آل محمد درود فرستی و امانی برای خود و اهل  
و فرزندانم و همه نعمتهائی که بدستم دادی بمن عطا کنی تا اینکه  
از هیچکس نترسم و هرگز از چیزی بیمناک نباشم، که تو بر هر چیز  
توانائی. و خدا ما را کافی است و خوب و کیلی است.

ای که برای ابراهیم کافی بودی از شر نمرود و برای موسی کافی  
بودی از شر فرعون از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و  
ما را از شر فلان بن فلان نگه داری. (سپس سجده کند و حاجتش را  
بخواهد): (۲)

## ۲ - از دعاهای آنحضرت در قنوت:

خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و دوستانت را به انجام  
وعددهات گرامی دار و ایشان را بآن آرزوئی که از یاری تو دارند برسان  
و بازدار ایشانرا از شر آنکس که بنا بر مخالفت تو گذارده و از پذیرائی تو  
برکند ساختن شمشیرت نیرو گرفته و با دست تو به مکر با تو برخاسته و  
تو با بردباری تمام دست او را باز گذارده تا آشکارا او را بچنگ آوری  
و او را در حال غرور ریشه کن سازی، زیرا تو فرموده‌ای: «سخن تو حق  
است - که: "تا آنگاه که زمین برگرفت زبور خود را و زینت یافت" و  
فرموده‌ای: "پس چون بخشم آوردند ما را از ایشان انتقام گرفتیم".  
و غایت نزد ما به پایان رسیده (و کارد به استخوان خورده) و ما بغضب  
تو غضب میکنیم و برای یاری حق بر یکدیگر تندی میکنیم، و به ورود  
امر تو مشتاقیم و برای انجام وعددهات منتظریم و خواستار فرود عذاب تو  
بدشمنانت هستیم، خدایا چنین کاری را اجازه فرما و راهبهايش را باز  
و راه خروجش را هموار و جاده‌اش را صاف و مسیرش را پهناور ساز و  
سپاهیان و یارانش را تأیید کن و هر چه زودتر عذاب خود را برستم -  
کاران فرود آر. و شمشیر انتقامت را بر سر دشمنان لجبازت بکش و

۲ - منتخب الاثر ۵۲۳ از مهج الدعوات و مکارم الاخلاق.



خونخواهی کن که تو بخشنده‌ای و مکر دشمنان را بخودشان بازگردانی . (۳)

### ۳- از دعاهای آنحضرت است :

ای نورنورها، ای تنظیم کننده کارها، ای که مردگان را از قبرها برانگیزی، بر محمد و آل محمد درود فرست و برای من و شیعیان از این همه تنگی ها گشایشی و از همه غمها راه خروجی قرار ده و جاده را برای ما باز کن، و از سوی خود آنچه را که سبب گشایش است بمانبخش و انجام ده برای ما آنچه را که خود اهل آنی **يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ** . (۴)

### ۴- از دعاهای آنحضرت بهنگام سختی و گرفتاری :

**"بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ** ، پروردگارا از تو مددی روحانی خواهم که قوای کلی و جزئی من بدان نیرو گیرد، تا اینکه بوسیله نفس خود بر هر نفس چیره‌ای چیره گردم پس چنان خود را جمع کند که همه نیروهایش ساقط شود تا آنجا که در عالم وجود صاحب روحی نماند جز آنکه آتش قهرم ظهور او را بسوزاند، ای بلند پایه و قوی، ای صاحب قدرت شدید، ای قاهر و ای قهار .

تو را بآن اسماء قهریه‌ای که به عزرائیل دادی تا بدان همه جانها مغلوب وارتسلیم او می شوند از تو میخواهم که آن سر را در همین ساعت بمن ببخشی تا اینکه هر سختی را بدان نرم و هر بلندی را بدان هموار سازم به قوه تو ای صاحب نیروی سخت و محکم .

این دعا باید سه بار در سحر و سه بار در صبح و سه بار در شب خوانده شود پس هر گاه کار بر کسی که این دعا را میخواند سخت شد بعد از سی بار خواندن بگوید : **يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِیْمُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ** **اَسْئَلُكَ اللُّطْفَ بِمَاجِرَتٍ بِهِ الْمَقَادِیْرِ** . (۵)

۳ - مکیال المکارم ۳۲۸ - منتخب الاثر ۵۲۲ از مهج الدعوات

۴ - الجنة الواقیة تألیف داماد فصل ۲۶

۵ - مصباح کفعمی ۳۰۶

## ۵- از دعاهای آنحضرت است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، ای مالک انسانها، وای گریز دهنده،  
احزاب، ای گشاینده درها، ای فراهم آورنده اسباب، سببی برای ما  
بساز که خود توانائی طلب آن را نداریم بحق لَّإِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ  
اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ". (۶)

## ۶- از دعاهای آنحضرت که به یک زندانی آموخت و نجات یافت:

"خدایا گرفتاری‌ها بزرگ شده و باطن‌ها نمایان گشته و پرده‌ها  
برداشته شده و امیدها قطع شده و زمین تنگ گردیده و آسمان نعمتهای  
خود را باز داشته، و تو یآوری و شکایت بسوی توست و در سختی و  
راحتی تو پناهگاهی، خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست آنانکه  
اولی الامرند و تو اطاعت از ایشان را واجب کردی و بدین سبب مقام  
ایشان را بماشناساندی.

پس بحق ایشان فرجی عاجل و نزدیک بقدر یک چشم بهم زدن یا  
نزدیکتر از آن برای ما برسان، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ مرا  
کفایت کنید زیرا شما دو کفایت کننده‌اید و مرا یاری دهید زیرا شما دو  
یاورید ای مولای ما ای صاحب الزمان بفریادم برس، بفریادم برس، بفریادم  
برس، مرا دریاب مرا دریاب مرا دریاب همین ساعت همین ساعت همین  
ساعت. عجله کن عجله کن عجله کن - يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ  
وآلِهِ الطَّاهِرِينَ. (۷)

## ۷- از دعاهای آنحضرت است:

خدایا توفیق فرمانبری و دوری از گناه و راستی نیت و شناخت  
حرام بما روزی کن و ما را بهدایت و پایداری گرامی دار و زبان‌های  
ما را بدرستی و حکمت گویا کن و دل‌های ما را از علم و معرفت لبریزگردان  
و شکمهای ما را از حرام و شبهه پاک ساز و دستهای ما را از ستم و  
دزدی بازدار و دیده‌هایمان را از گناه و خیانت بیوشان، و گوشهای ما را

۶- اعیان الشیعة ۴ق / ۵۳۸ از مهج الدعوات

۷- البلد الامین ۵۲۱

از شنیدن سخنان بیهوده و غیبت ببند، و بخشش کن بر علمای ما بزهده  
 و خیرخواهی و بر دانشجویان به کوشش و رغبت و بر شنوندگان به پیروی  
 و پذیرش پند و بر بیماران مسلمین بشفاء و راحتی و بر مردگان آنها به  
 رأفت و رحمت و بر پیران ما به وقار و آرامش و بر جوانان ما به توبه  
 و بازگشت و بر زنان بحیاء و پاکى و بر ثروتمندان به فروتنی و گشایش، و  
 بر نیازمندان به صبر و قناعت و بر جنگجویان به یاری و پیروزی، و بر  
 اسیران به رهائی و راحتی و بر زمامداران به دادگری و مهربانی و بر  
 رعایا به انصاف و نیک روشی. و برکت ده به حاجیان و زائران در توشه  
 و خرجی، و بپذیر از ایشان حج و عمره‌ای را که برایشان واجب کردی،  
 بفضل و رحمت یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۸)

۸- از دعاهای آنحضرت است:

خدایا بحق آنکه با تو مناجات کرده و بحق هر کس که تو را خوانده  
 در خشکی و دریا، بر محمد و آل او درود فرست و تفضل کن بر نیازمندان  
 از مردان و زنان مؤمن به بی نیازی و گشایش، و بر بیماران از مردان و  
 زنان مؤمن به شفاء و راحتی و بر زندگان از مردان و زنان مؤمن به  
 لطف و کرامت و بر مردگان از مردان و زنان مؤمن به آمرزش و رحمت و بر  
 غریبان از مردان و زنان مؤمن به بازگشت به وطن‌هاشان با سلامتی و  
 بهره‌وری بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ. (۹)

۹- از دعاهای آنحضرت جهت حاجت خواستن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، تو خدائی هستی که جز تو معبودی  
 نیست، آفریننده و بازگرداننده آنها تویی، و تو خدائی هستی که جز تو  
 خدائی نیست تدبیر کننده کارها و برانگیزنده مردگانی، و تو خدائی هستی  
 که جز تو خدائی نیست، وارث زمین و آنچه که بر روی آن است هستی.  
 تو را بآن نامی که هر گاه بدان خوانده شوی پاسخ گوئی و هر گاه بدان

۸ - مصباح کفعمی ۲۸۱

۹ - مصباح کفعمی ۳۰۶

بدان رهبری می‌شدید هر زمان یکی از آن نشانه‌ها پنهان می‌شد نشانی دیگر پدید می‌گشت و چون ستاره‌ای غروب کرده ستاره‌ای دیگر نمایان می‌گردید.

و چون خدا امام یازدهم را برگرفت پنداشتید که خدا سبب بین خود و خلقش را برید. خیر، هرگز چنین نبوده و نخواهد بود تا قیامت بر پا شود. و امر خدا ظاهر گردد با اینکه آنان را ناخوش آید. ای محمد بن ابراهیم نسبت بدانچه پیش داشتی تردیدی بخود راه مده زیرا خدای عزوجل زمین را خالی از حجت خود نگذارده... (۱)

۲ - از پیامهای آنحضرت به ابی جعفر عمری که در تسلیت او در باره پدرش نوشته:

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ - تسلیم امر و راضی بقضاء او باش، پدرت با سعادت زندگی کرد و خوش نام مرد خدایش رحمت کند و او را با اولیاء و امامانش ملحق کند، همیشه در کار آنان کوشا بود و در آنچه او را بخدا نزدیک میکرد سعی داشت خدا رویش را خرم کند و از لغزشش درگذرد.

و در فصل دیگر - خدا پاداش فراوان و سر سلامتی نیکویت دهد تو و ما هر دو سوگوار شدیم. جدائیش تو و ما را بهراس انداخت خدا او را در بازگشتش مسرور کند از کمال و خوشبختی اوست که خدای عزوجل چون تو فرزندی روزیش کرده که پس از وی جانشینش باشد و در کار او قائم مقام گردد. (۲)

۳ - اسحق بن یعقوب گوید: از محمد بن عثمان عمری (رض) خواهش کردم نامه‌ای را که در آن از مسائل مشکلی پرسیده بودم برساند، توقیعی بخط مبارک مولانا صاحب الزمان (ع) بیرون آمد بدین مضمون:

۱ - منتخب الاثر ۳۸۳

۲ - منتخب الاثر ۳۹۵

- ۱ - اما در باره اینکه از من پرسیدی - خدا رهبریت کند و پایداریت دارد - راجع بامر منکران من از خاندان و عمو زادگان بدان که بین خدا و کسی خویشاوندی نیست و هر که مرا انکار کند از من نیست و راه او راه پسر نوح (ع) است.
- ۲ - اما روش عویم جعفر و فرزندانش روش برادران یوسف (ع) است.
- ۳ - اما نوشیدن آبجو حرام است و سلعاب (گیاهی است مدر و دارای مواد مسکر) عیبی ندارد.
- ۴ - و اما اموال شما را برای آن می‌پذیریم که پاک شوید، هر که میخواهد بفرستد و هر که خواهد قطع کند، آنچه خدا بمن داده بهتر است از آنچه بشما داده است.
- ۵ - اما ظهور فرج با خدای تعالی است، و وقت گذاران دروغگویند.
- ۶ - اما گفتار کسیکه گوید حسین (ع) کشته نشد کفر و تکذیب و گمراهی است.
- ۷ - اما در حکم پیشآمدهای تازه بر او یان حدیث ما رجوع کنید زیرا آنان حجت من بر شما نیستند و من حجت خدا بر ایشانم.
- ۸ - اما محمد بن عثمان عمری - خدا از او و پدرش خشنود باد - مورد وثوق من است و نوشته او نوشته من است.
- ۹ - اما محمد بن علی بن مهزیار بزودی خدا دلش را اصلاح کند و شک او را برطرف سازد.
- ۱۰ - اما آنچه را برای ما می‌فرستی نزد ما مقبول نیست جز آنچه که پاک و پاکیزه باشد و بهای کنیز آوازه خوان حرام است.
- ۱۱ - اما محمد بن شاذان بن نعیم مردی از شیعیان ما خاندان است.
- ۱۲ - اما ابوالخطاب محمد بن ابی زینب اجدع ملعونست و اصحابش هم ملعونند، پس با همفکران ایشان منشین زیرا من از ایشان

بیزارم و پدرانم (ع) هم از ایشان بیزارند.

۱۳ - واما کسانی که اموال ما را در دست دارند پس هر کس چیزی از آنها را بر خود حلال داند و آن را بخورد همانا آتش خورده است.

۱۴ - واما خمس بر شیعیان ما مباح شده است و تا هنگام ظهور امر ما از آن معافند تا حلال زاده باشند و حرامزاده نگردند.

۱۵ - واما اینکه جمعی در دین خدای عز و جل شک کردند و از آنچه بما دادند پشیمانند ما از هر کس فسخ بیعت خواهد بیعت را برداشتیم و نیازی به صلّهء شکاکان نداریم.

۱۶ - اما علت غیبتی که پدید شده است، همانا خدای عز و جل میفرماید: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید پرسش نکنید از چیزهایی که اگر برای شما نمایان شود بدتان آید. - مائده ۱۰۵" بدرستی که هیچکدام از پدران من نبود جز آنکه بیعتی از سرکش زمانش در گردنش بوده و برآستی من ظهور می‌کنم و هنگام ظهورم بیعت هیچیک از سرکشان بگردنم نیست.

۱۷ - اما وجه بهره‌وری از من در پنهانی من مانند بهره‌وری از خورشید است آنگاه که ابر او را از دیده‌ها نهان کرده و برآستی من امان اهل زمین همانگونه که ستاره‌ها امان اهل آسمانند پس در پرسش را از آنچه که برای شما سودی ندارد ببندید و زحمت دانستن آنچه را که از شما صرف نظر شده بخود ندهید. و برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید زیرا که همان فرج و گشایش شماست. و سلام بر تو ای اسحاق بن یعقوب و هر که پیرو هدایت است. (۳)

۴ - شیخ موثق ابو عمر عامری رحمه الله تعالی گوید: ابن ابی - غانم قزوینی و گروهی از شیعه در بارهء خلف (فرزند امام عسکری (ع)) با هم مشاجره کردند، ابن ابی غانم اظهار داشت که ابا محمد امام عسکری (ع) درگذشت و فرزندی نداشت سپس آنها در اینبار نامه‌ای



نوشتند و بناحیه فرستادند و مورد مشاجره را بیان داشتند، جواب نامه آنان بخط مبارک آنحضرت - درود بر او و پدرانش - چنین آمد:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، خدا ما و شما را از فتنه‌ها سلامت بدارد و بما و شما روح یقین کرامت فرماید، وما و شما را از بازگشتن به جایگاهی بد حفظ نماید، همانا گزارش اینکه جماعتی از شما در دین به شک افتاده و در بارهٔ والیان امرشان شک و حیرت بدلشان وارد گشته بمن رسید و ما بخاطر شما نه خودمان غمناک شدیم و ما را بخاطر شما آزار رساند نه بخاطر خودمان زیرا خدا با ماست و بغیر او نیازی نداریم و حق با ماست و دست کشیدن کسی از ما ما را به وحشت نیندازد، ما ساخته شده‌ایم و مردم پس از آن دست پرورده‌ایم ما ایند. آی گروه مردم چه شده که به شک و تردید افتاده‌اید و درسرگردانی بسر می‌برید؟ مگر نشنیدید سخن خدا را که میفرماید: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید از خدا و از رسول و صاحبان امر فرمان برید". مگر نمی‌دانید اخباری را که بیان داشته آنچه را که در بارهٔ امامان شما (ع) از گذشتگان و باقیماندگان حادث میشود.

آیا ندیدید که چگونه خداوند برای شما پناهگاههایی ساخته که بدان پناهنده شوید و از زمان آدم (ع) تا زمان امام گذشته (ع) راهنمایی پناهی گذاشته که بدان رهبری شوید هر گاه که راهنمایی پنهان شده رهبری دیگر پیدا گشته و چون ستاره‌ای غروب کرده ستاره‌ای دیگر پدید گردیده است؟! و چون خدا امام یازدهم را برگرفت پنداشتید که خدا دینش را باطل کرد و وسیلهٔ بین خود و خلقش را برید نه، هرگز چنین نبوده و نخواهد بود تا قیامت برپا شود و امر خدا ظاهر گردد با اینکه آنان را خوش نیاید. و همانا امام یازدهم با سعادت درگذشت و از دست ما رفت و براه پدران بزرگوارش (ع) قدم بقدم حرکت کرد و وصیت و علمش در میان امت و جانشین او و کسیکه جایش را پر کند از خود اوست. و کسی در جانشینی او با ما درگیری نکند جز ظالم گنهگار و غیر ما کسی این مقام را ادعا نکند جز انکار کنندهٔ کافر، و اگر نبود که



هیچگاه امر خدا مغلوب نشود و اسرارش ظاهر و علنی نگردد همانا از حق چیزهایی برای شما ظاهر میشد که عقلهای شما از آن مبہوت و شکتان بدان برطرف شود اما آنچه خدا خواهد می شود و برای هراجلی کتاب معلومی است پس تقوا پیشه کنید و تسلیم ما شوید و امر دین را بما رد کنید زیرا رفت و برگشت همه چیز از ماست و آشکار شدن آنچه را که از شما پوشیده شده نجوئید و از راست به چپ منحرف نشوید و راه و مقصد خود را بر یک سنت روشن بسوی دوستی ما مایل کنید بر راستی من کمال خیرخواهی را برای شما بجا آوردم و خدا بر من و شما شاهد است.

و اگر نبود اینکه ما صلاح شما را خواهیم و رحمت و مهربانی بر شما را دوست داریم از خطاب با شما روگردان بودیم بخاطر آن گرفتاری که از درگیری با ظالم درشت خوی فرورفته در گمراهی و ضد خدا برای ما پیش آمده که ادعا میکند آنچه را که برای او نیست و حق کسی را که خدا اطاعتش را بر او واجب کرده انکار میکند و ستمکار و غاصب است.

و مراست که از دختر پیامبر (ص) پیروی کنم و از او درسی آموزم و بزودی جاهل جامهء عملش را بیپوشد و کافر بداند که خانهء عاقبت برای کیست.

خدا ما و شما را از همهء مهالک و بدیها و فساد و تباهیها بر رحمت خود نگهدارد زیرا او ولی این کار است و بر هر چه بخواهد تواناست و ولی ما و شماست و درود بر همهء اوصیاء و اولیاء و مؤمنان و رحمت و برکات خدا برایشان و درود بی پایان خدا بر محمد پیامبر خدا و آل او باد. (۴)

۵ - از نامه های آنحضرت به عثمان بن سعید عمری و فرزندش محمد بن عثمان رَحِمَهُمَا اللهُ.

خدا شما را بانجام فرمانش توفیق دهد و بردینش استوار دارد و به خشنودیش سعادتتان بخشد. بمارسید آنچه شما ذکر کرده بودید که

میسمی بشما خبر داده از مختار و مناظره<sup>۱</sup> او با کسانی که بر خورد کندو احتجاج او برای اثبات اینکه بعد از امام یازدهم جانشینی جز جعفر بن علی (جعفر کذاب برادر امام عسکری (ع)) نیست و اینکه او را تصدیق کرده است و همه آنچه را که نوشته بودید که اصحاب شما از او گفته اند مورد مطالعه قرار دادم.

ومن بخدا پناه می برم از کوری بعد از بینائی و از گمراهی پس از هدایت و از کارهای نابود کننده و فتنه های تباہ ساز. زیرا خدای عز و جل میفرماید: "الْمَ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ". آیا مردم پیدا شده اند که رها شدند بگویند ایمان آوردیم و امتحان نشوند؟

چگونه در فتنه افتاده اند و در حیرت سرگردان هستند و بیچپ و راست می روند، آیا دست از دین کشیدند یا بشک افتادند یا با حق دشمنی ورزیدند؟ آیا آنچه را که در روایات درست و اخبار صحیح آمده ندانستند یا دانستند و در این دانسته خویش - که زمین خالی از حجت نباشد چه آشکار باشد یا نهان - خود را بفراموشی زدند؟ آیا ندیدند که امامان آنها بعد از پیامبرشان (ص) بطور منظم یکی پس از دیگری آمد تا امامت بدستور خدای عز و جل به امام گذشته حسن

بن علی (ع) رسید، و بجای پدران خود (ع) نشست و بحق و راه راست رهبری میکرد، او نوری تابان و ستاره ای فروزان و ماهی درخشان بود سپس خدای عز و جل اختیار کرد برای او آنچه را که نزد خود داشت و او را برگرفت، و او درست بروش پدرانشان (ع) عمل کرد طبق عهدی که داشت و وصیتی که آن را به وصی سپرد که خدای عز و جل او را بامر خود تا مدتیکه دارد مستور کرده و بخواست خود جای او را پنهان داشت بصفت قضا و قدر سابق و نافذی که بوده است. و مقامش میان ماست و مضلش برای ماست.

و اگر خدای عز و جل اجازه میداد در آنچه که قدغن کرده و برطرف میکرد از او آنچه را حکم وی بدان جاری شده هر آینه حق

را آشکارا بدانها مینمود بهترین صورت و روشنترین دلیل و آشکارترین نشانه، و هر آینه خویش را عیان میکرد و حجت را اقامه مینمود ولی بر مقدرات خدای عز و جل چیره نتوان شد و خواست و تصمیم او را رد نتوان کرد و نگارش او را عقب نتوان زد.

باید پیروی هوای نفس را کنار بگذارند و بر اساسی که داشتند و بر آن بودند ایستادگی کنند و از آنچه بر آنها پوشیده گاوَش نکنند که بگناه افتند. پرده (۵) از اسرار خدا بر ندارند تا پشیمان شوند، و باید بدانند که «ق» با ما و در ماست و کسی جز ما اینرا نگوید جز دروغزن بر مدعا و غیر ما این دعوی نکند جز گمراه و سرگردان.

باید از مابین جمله اکتفاء کنند و توضیح بیشتری نخواهند و با شماره قناعت ورزند و دنبال تصریح نگردند. انشاء الله. (۶)

۶ - از نامه‌های آنحضرت (ع) به شیخ مفید رحمه الله در ماه صفر سال ۴۱۵:

به برادر درستکار و دوست استوار شیخ مفید ابی عبدالله محمد بن محمد بن نعمان - خدا عزتتش را پایدار کند - از جانب آنکس که عهد مأخوذ از بندگان باو سپرده شده:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ:

اما بعد درود بر تو ای یاورِی که در دین مخلصی و میان ما مخصوص بیفتی، ما بنزد تو سپاس میگوئیم خدائی را که جز او خدائی نیست و درود بر آقا و مولایمان محمد و آل او را از درگاهش خواهانیم.

خدا توفیقت را پایدار کند - ما تو را برای یاری حق آموزش میدهیم و خدا جزایت را فراوان کند بر اینکه بر راستی از ما سخن میگوئی همانا بما هم احازه داده شد که با نامه نگاری تو را مشرف داریم و بر

۵ - در بعضی نسخه‌ها بجای "سر" "ستر" است یعنی پرده‌ای

را که خدا افکنده بالا نزنند. (مترجم)

۶ - کمال الدین ۱۹۵/۲

عهدهات گذاریم که پیامهای ما را بدوستانمان که در نزد تو هستند برسانی که خدا بسبب طاعتش عزتشان بخشد و مهمات ایشان را با توجه و حراست خود از آنان کفایت کند.

خدا تو را بکمک خویش بردشمنان سرکش از دینش یاری دهد - آنچه میگوئیم توجه کن و در رساندن آنچه برایت مینگاریم بآنکس که اطمینان داری تلاش کن انشاء الله.

اگر چه ما از ساکن ستمکاران دوریم - طبق آنچه که مصلحت ما و شیعیان ما اقتضاء میکرده و خدا آنها را بما نموده تا مادامی که دولت دنیا برای فاسقین است - اما از احوال شما آگاهیم و چیزی از اخبار شما از نظر ما پوشیده نیست و آگاهیم به ذلتی که بشما رسیده از آن زمان که بسیاری از شماها بسوی چیزهایی رفتند که سلف صالح از آنها دور بود، و عهدی را که از آنان گرفته شده بود پشت سر انداختند گویا که نمی دانند.

ما به شما بی توجه نیستیم و شما را فراموش نکرده ایم، و اگر چنین نبود (که میگویم) هر آینه سختیها بر شما فرود میآمد و دشمنان شما را ریشه کن میکردند، پس از خدای جل جلاله بترسید، و ما را برای نجات دادنتان از فتنه‌ای که بر شما غلبه کرده یاری دهید. (۷)

### دولت آنحضرت (ع)

شکی نیست که دولت آنحضرت عالم را فرا گیرد و عدالتش همه بشریت را شامل شود و دین اسلام بر تمام سطح کره زمین استقرار یابد. و این حدیث شریف که: زمین را از عدل و داد پرمیکنند همانگونه که از ظلم و جور پر شده باشد، بحد تواتر رسیده تا آنجا که کتابی نیست که نامی از آنحضرت برده باشد جز که این حدیث را ذکر کرده است.

چنانچه از امامان اهل بیت (ع) هم بطور متواتر نقل شده که دولت حضرتش (ع) همهء عالم را فراگیرد و عدالتش زمین را پرکند، چنانچه در تفسیر بعضی از آیات شریفه‌ای که دلالت دارد بر اینکه دین اسلام بر همهء ادیان دیگر غلبه میکند از آن بزرگواران رسیده که این کار در زمان امام مهدی (ع) صورت میگیرد.

اینک بعضی از آن آیات:

۱ - قول خدایتعالی: " وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا " - آل عمران ۸۳: " و تسلیم اوست هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه .

امام باقر (ع) در ضمن حدیثی طولانی میفرماید: زمینی نماند جز اینکه در آن ندای شهادت **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (ص)** داده شود و این است معنی سخن خدا: " و تسلیم اوست هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه " .

رفاعة بن موسی گوید: از امام صادق (ع) شنیدم در تفسیر قول خدا در سوره آل عمران (آیهء فوق) فرمود: آنگاه که قام مهدی (ع) قیام کند زمینی نماند جز آنکه در او صدا به **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (ص)** بلند می شود. (۱)

و نیز فرمود: و اهل هیچ دینی نماند مگر اینکه اظهار اسلام کنند و اعتراف بایمان نمایند. آیا نشنیدی خدا را که میفرماید: " و تسلیم اوست هر آنکه در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه و بسوی او بازگردانده شوند. (۲)

۲ - قول خدایتعالی: " هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ " - توبه ۳۳: " اوست آنکه رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همهء ادیان غلبه

۱ - ينابيع المودة ۴۲۱

۲ - كشف الغمة ۳۲۵

دهد اگر چه مشرکان را بد آید .

امیرمؤمنان (ع) فرمود: بآنکه جانم بدست اوست سوگند که هیچ آبادی نماند جز آنکه شب و روز صدای **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ (ص)** در آن بلند است. (۳)

مفضل از امام صادق (ع) از تأویل این آیه پرسید امام فرمود: این همان گفتار خدای تعالی است که فرموده: "و با ایشان بجنگید تا فتنه‌ای نماند و همه دین برای خدا باشد". پس بخدا سوگند که از همه ملل و ادیان اختلاف برداشته شود و همه دین‌ها یکی پیش نباشد چنانچه خدا جل ذکره فرموده: "همانا دین نزد خدا اسلام است" و فرموده: "هر کس غیر اسلام دینی اختیار کند از او پذیرفته نیست و او در آخرت از زیانکاران است". (۴)

۳ - قول خدایتعالی: **"وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ - انبیاء ۱۰۵"**: ما در زبور بعد از ذکر نوشتیم که بندگان شایسته من وارث زمین گردند.

امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرموده‌اند: اینان قائم و یاران او هستند. (۵)

۴ - قول خدایتعالی: **"الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ - حج ۴۱"**: آنانکه اگر در زمین قدرتشان دهیم نماز را بر پا میدارند و زکات میدهند و امر بمعروف و نهی از منکر میکنند و عاقبت کارها برای خداست.

ابوالجارود گوید: اما باقر (ع) فرمود: این آیه در باره مهدی (ع) و یاران او نازل شده خدا ایشان را مالک مشرق و مغرب زمین گرداند و دین را بدست ایشان ظاهر کند تا اینکه اثری از ظلم و بدعتها

۳ - بحار ۱۷/۱۳

۴ - الزام الناصب ۲/۲۵۴

۵ - ینابیع المودة ۴۲۵



دیده نشود. (۶)

۵ - قول خدایتعالی: "وَعَدَاللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْنَا الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِيْنَهُمُ الَّذِيْ رَتَضُوْا لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْۢ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اٰمَنًا يَعْبُدُوْنَ نِيْ لَّا يُشْرِكُوْنَ بِى شَيْئًا - نور ۵۵": خدا بکسانی که ایمان آورده‌اند از شما و عمل صالح کرده‌اند و عده داده که جانشین گرداند ایشان را در زمین چنانچه کسانی را که پیش از ایشان بودند جانشین کرد و دینی را که برای ایشان پسندیده است مستقر سازد و ترس ایشان را به امنیت بدل کند مرا بپرستند و برای من چیزی را شریک نگیرند.

امام صادق (ع) فرمود: اینان قائم و یاران اویند. (۷)

۶ - قول خدایتعالی: " وَ تَرِيْدُ اَنْ نَّمَنَّ عَلٰى الَّذِيْنَ اسْتَضَعُّوْا فِي الْاَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ اٰئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِيْنَ - قصص ۵": و اراده کرده‌ایم که بر مستضعفان در زمین منت نهیم و ایشان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم."

امیر مومنان (ع) فرمود: اینان آل محمدند که خدا مهدی‌ایشان را پس از رنج فراوانی که برده‌اند برانگیزد پس عزیزشان کند و دشمنانشان را خوار. (۸)

واز اهل بیت علیهم السلام روایاتی رسیده که دولتشان آخرین دولت است و حکومتشان پس از حکومت همه مردم است تا اینکه کسی نگوید: اگر حکومت بدست ما میافتاد مثل اینان عمل میکردیم.

۱ - امام باقر (ع) فرمود: دولت و حکومت ما آخرین دولت است و هیچ خاندانی که دولتی دارند نماند جز آنکه پیش از ما بحکومت میرسند بخاطر اینکه وقتی رفتار ما را دیدند نگویند اگر ما هم حکومت

---

۶ - به ص ۱۶ - ۱۵ از همین کتاب مراجعه شود و روایات اهل بیت (ع) در باره این آیه در آنجا نقل شده است.

۷ - غیبت نعمانی ۲۴۰

۸ - بحار ۱۶/۱۳



داشتیم مانند اینها عمل میکردیم . و این است قول خدای عز وجل  
"وعاقبت برای متقین است" . (۹)

۲ - امام صادق (ع) فرمود: این امر واقع نمی شود تا اینکه  
هیچ صنفی از مردم نماند جز آنکه بر مردم حکومت کند تا اینکه نگویند:  
اگر ما حکومت داشتیم بعدالت رفتار میکردیم . سپس قائم (ع) بحق و  
عدالت قیام نماید . (۱۰)

۳ - عمار بن یاسر گوید: براستی دولت خاندان پیامبر شما در  
آخر الزمان خواهد بود . . . سپس مهدی (ع) خروج کند و پرچمدار او  
شعیب بن صالح است . (۱۱)

همه این احادیث به حکومت‌های این زمان اشاره دارند . و مشاهده  
میکنی که هر دسته از مردم آمده و زمام حکومت بدست گرفته و مردم از  
شدت ظلم و جور آنان دلتنگ شده و بفرغان آمده‌اند و بدین ترتیب یکی  
پس از دیگری می‌آید و کار بهمین شکل است تا اینکه انشاء الله دولت  
اهل بیت علیهم السلام نزدیک میشود و خدا در فرجشان تعجیل مینماید .

---

۹ - بحار ۱۳/۱۸۹

۱۰ - بحار ۱۳/۱۶۸

۱۱ - غیبت شیخ طوسی ۲۹۴

### روش آنحضرت (ع)

روش رسول اعظم (ص) در نشر اسلام و اعلاء کلمه حق نقش بزرگ و مؤثری داشت و شکل رفتار حضرتش نیرومندترین پشتیبان دعوت و استوارترین پایه‌های نهضتش بشمار میرفت. و روش امامان اهل بیت (ع) هم دنباله همان روش و پیرو همان رفتار و اثر بوده است. ما در این بخش قسمتی از آنچه که از رسول اعظم (ص) و امامان علیهم السلام در باره سیره امام مهدی (ع) و روش حکومتی حضرتش رسیده می‌آوریم:

- ۱ - رسول اکرم (ص) فرمود: زمین را پر از عدل و داد کند همانگونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (۱)
- ۲ - فرمود (ص): البته خداوند مردی از خاندان مرا برانگیزد که دندانهایش گشاده و پیشانی بلند و نورانی دارد، زمین را از عدل پر کند و مال را فراوان بخشش کند. (۲)
- ۳ - فرمود (ص): شما را بمهدی بشارت دهم که مردی از قریش و از خاندان من است بهنگام اختلاف و کشمکش های مردم خروج کند زمین را از عدل و داد پر کند همانگونه که از ظلم و جور پر شده باشد همه ساکنین آسمان و زمین از او خرسند باشند. و مال را بطور مساوی تقسیم میکند و دل‌های امت محمد (ص) را از بی نیازی پر کند و عدلش همه را فرا گیرد تا جائیکه جارچی را دستور دهد که جاززند: چه کسی نیازمند است؟ و نیاید مگر یک مرد که می‌آید و از او درخواست میکند، حضرت باو می‌فرماید: پیش خزانه دار برو تا بتو بدهد، آن مرد آید و گوید:

---

۱ - همه کسانی که در باره امام مهدی (ع) چیزی نوشته این حدیث را ذکر کرده‌اند.

۲ - کشف الغمة ۳۲۸

من فرستاده مهدی هستم آمده‌ام تا مالی بمن دهی، گوید: دامت را بگیر و آنقدر باو می‌دهد که بردنش مشکل می‌شود و پس از بردن پشیمان می‌شود و پیش خود گوید: که من در میان امت محمد (ص) از همه حریص‌تر بودم زیرا همه آنان باین مال خوانده شدند و جز من هیچکس نرفت پس مال را برمیگرداند، و خزانه دار گوید: ما چیزی را که بدهیم پس نمی‌گیریم. و مهدی (ع) بهمین صورت شش یا هفت یا هشت یا نه سال بماند و زندگی پس از او لطفی ندارد. (۳)

۴ - در حدیثی از آنحضرت (ص) آمده که فرمود: مال را بطور صحیح تقسیم میکند.

گفتیم: منظور چیست؟

فرمود: یعنی بطور مساوی بخش میکند. (۴)

۵ - و فرمود (ص): مال را می‌پاشد و آن را نمی‌شمارد. (۵)

۶ - ابوداود و حکم روایت کرده‌اند که: مهدی (ع) هفت یا نه سال حکومت کند، کسی نزد او آید و گوید: بمن چیزی عطا کن، حضرت باندازه‌ای که او بتواند ببرد مال در دامن او می‌ریزد. (۶)

۷ - و فرمود (ص): مهدی (ع) دقیقاً از من پیروی نماید و هیچ خطا نکند. (۷)

۸ - امیر مؤمنان (ع) فرمود: مهدی (ع) نزد فرمانداران خود در همه شهرها و آبادیها فرستد که در بین مردم باعدالت رفتار کنند. (۸)

- 
- ۳ - الصواعق المحرقة ۹۹ - مسند احمد ۳/۳۷ منتخب کنز العمال  
 ۲۹/۶ - اسعاف الراغبین ۱۳۷ - نورالابصار ۱۵۵ - ینابیع المودة ۴۶۹ و  
 در باره مدت حکومت مهدی (ع) به ص ۶ مراجعه شود. (مترجم)  
 ۴ - الملاحم والفتن ۱۲۱ - ۵ - الملاحم والفتن ۴۵  
 ۶ - اسعاف الراغبین در حاشیه نورالابصار ۱۲۵  
 ۷ - منتخب الاثر ۴۹۱ از الفتوحات المکیة  
 ۸ - کشف الاستار ۱۴۵

۹ - و فرمود (ع) : ظهور میکند مردی که صاحب پرچم احمدی  
وقائم بشمشیر و سخنگوی راست گفتاری است زمین را اصلاح کند و فرائض  
وسنن را زنده سازد. (۹)

۱۰ - امام باقر (ع) فرمود: در سال دوبار بخشش کند و هر ماهی  
دوبار حقوق دهد. (۱۰)

۱۱ - و فرمود (ع) : چون قائم ما اهل بیت قیام کند بطور مساوی  
تقسیم کند و در میان رعیت با عدل و داد رفتار نماید... و همه اموال  
دنیا در نزد او جمع شود پس ب مردم می فرماید: بیایید نزد آنچه که  
بخاطر آن قطع رحم کردید و خونریزی نمودید و برای بدست آوردن  
آن حرام خدا را مرتکب شدید. و آنچنان ببخشید که احدی قبل از او  
اینچنین بخشش نکرده باشد، پس زمین را از عدل و داد پر کند همانگونه  
که از ظلم و جور و بدی پر شده باشد. (۱۱)

۱۲ - و فرمود (ع) : خداوند مهدی و پیاران او را مالک مشارق و مغارب  
زمین گرداند و دین را ظاهر کند و خدا بدست او و پیارانش هر بدعت و  
باطلی را بمیراند چنانچه سفیهان حق را میراندند تا اینکه اثری  
از ظلم دیده نشود، و امر بمعروف و نهی از منکر کند. (۱۲)

۱۳ - امام صادق (ع) فرمود: در میان مردم بروش رسول خدا (ص)  
رفتار نماید و مانند آنحضرت عمل کند. (۱۳)

۱۴ - و فرمود (ع) : چون قائم (ع) قیام کند بعدالت حکم کند و در  
روزگار او ستم برطرف شود و بسبب او در راهها امنیت برقرار گردد و  
زمین برکات خود را بیرون ریزد و هر حقی به اهلش باز گردد. و اهل  
هیچ دینی نماند جز آنکه اظهار اسلام کند و اعتراف بایمان نماید.

۹ - منتخب الاثر ۱۵۸

۱۰ - غیبت نعمانی ۲۳۹

۱۱ - غیبت نعمانی ۲۳۷

۱۲ - الشیعة والرجعة ۱/۳۴۸

۱۳ - سفینه البحار ۲/۷۰۵

آیا نشنیدی که خدا میفرماید: "و تسلیم اوست هر کس در آسمانها  
و زمین است خواه و ناخواه و بسوی او بازگردانده شوند" و بین مردم  
بحکم داود (ع) و حکم محمد (ص) قضاوت کند و در این هنگام است که  
زمین گنجینه های خود را ظاهر و برکاتش را هویدا سازد و مردی از شما  
محلّی برای مصرف صدقه و انفاق نیابد باین خاطر که بی نیازی همه  
موءمنین را شامل شود. (۱۴)

۱۵ - و فرمود (ع): لباس او جز جامه های درشت بافت و خشن و  
خوراکش جز غذائی مانده و ناگوار نیست. (۱۵)

۱۶ - و در ضمن حدیثی که از مهدی (ع) سخن میگفت فرمود:  
همه بدعتها را از میان بردارد و سنتی نباشد جز اینکه آن را برپا  
دارد و قسطنطنینه و چین و کوههای دیلم را فتح کند. (۱۶)

۱۷ - و فرمود (ع): چون خدای تعالی بقائم (ع) اجازه خروج دهد  
بر منبر بالا رود و مردم را بسوی خود بخواند و آنان را بخدا قسم دهد  
و بحق خود دعوت کند و در میان آنان طبق سیره و روش رسول خدا (ص)  
رفتار نماید. تا آخر. (۱۷)

۱۸ - و فرمود (ع): در میان آنان بروش رسول خدا (ص) رفتار نماید  
و مانند آنحضرت عمل کند. (۱۸)

۱۹ - و فرمود (ع): مهدی بدین سبب مهدی نامیده شده که بامری هدایت  
کند که از آن انحراف پیدا شده و قائم نامیده شده زیرا بحق قیام خواهد  
کرد. (۱۹)

۲۰ - و فرمود (ع): چون قائم (ع) قیام کند دستهای بنی شیبه را  
قطع کند و بکعبه آویزد و بر آن بنویسد: اینان دزدان کعبه اند. (۲۰)

---

۱۴ - اعیان الشیعة ع ق ۵۳۱/۳. اینکه فرمود: بحکم داود (ع)

حکم کند یعنی از علم امامت استفاده کند و در قضاوت شاهد نطلبد.

۱۵ - غیبت نعمانی ۲۳۳ - ارشاد مفید ۳۹۳

۱۷ - کشف الاستار ۱۸۱ - ارشاد مفید ۳۹۱

۱۹ - المجالس السنیة ۵/۶۳۳ - ارشاد مفید ۳۹۲

## کاروان شاعران

شاعران همه دنیا را از مدح امامان اهل بیت علیهم السلام پر کرده‌اند و کم دیوانی خواهی یافت که از مدح آنان تهی باشد. و این مطلب عجیب نیست زیرا که آنان همان چیز گرانبهائی هستند که رسول اعظم (ص) در میان مسلمانان از خود بجا گذاشت و آنان امامان حق و سیاستمداران خلق اند و ایشان پس از اینهمه مقام مظلوم و مقهور واقع شدند و آدمی به حسب طبعش همیشه جانبدار مظلوم بوده و بر ظالم به جهت ظلم و سرکشی او می‌شوریده است.

و امام مهدی (ع) امامی از خاندان پاک پیامبر و خاتم ائمه و امام قائم بحق است و شعراء یکی پس از دیگری اشعار زیادی در مدح آنحضرت سروده و دیوانهای اشعار را به قصیده‌ها وارجوزه‌های خویش پر کرده‌اند. و اگر بخواهیم همه آن اشعار را بیاوریم از حجم کتاب افزون است. و بیشتر نظر ما نشر دیوان شعراء پیشین و شاعران متأخر نزدیک بزمان آنهاست که در مدح آنحضرت تدوین گردیده است.

و در نزد ما اشعاریست که حجم آن از یک دیوان بیشتر است و آنها بزرگانی از شعراء در رد یک قصیده کوتاهی که در اوائل قرن چهاردهم در باره رد بر امام مهدی (ع) از بغداد رسیده بود سروده‌اند. و نیز شعرای نجف اشرف و دیگر از آنان در آن وقت در رد آن قصیده اشعاری سروده و سخنانی گفته‌اند که نتیجه همه آن اشعار اضافه بر یک دیوان است. که پیراسته از اشعار لطیف و نفیس. (۱)

۱ - در یکی از ایام از جانب یکی از علماء بغداد قصیده‌ای مشتمل بر ۲۵ بیت حاوی مطالبی در رد بر وجود مولانا صاحب الزمان (ع) و غیبت آن بزرگوار بدست چندی از علماء بزرگ نجف رحمهم الله رسید و آن بزرگواران بی درنگ در جواب آن قصیده اشعاری سرودند و به

و چون بنای ما بر اختصار است بعضی از اشعاری را که پیش از تولد امام مهدی (ع) در باره آنحضرت سروده شده و نیز آنچه را که شعرای غیر شیعه سروده‌اند می‌آوریم. (۲)

۱ - امیرالمومنین (ع) ینابیع المودة ۴۳۹ - ۴۳۸ و منتخب

الاثر ۳۳۱

۲ - امام صادق (ع) بحار ۳۸/۱۳

۳ - دعبل بن علی الخزاعی الفصول المهمة ۲۳۳ و بحار ۴۱/۱۳

۴ - امام عسکری (ع) الفصول المهمة ۲۷۵ و الدفعة الساکبة

۱۶۶/۳ و اعیان الشیعة ۴ ق ۳۰۸/۳

۵ - حضرت رضا (ع) ینابیع المودة ۴۵۴

۶ - نعثل یهودی ینابیع المودة ۴۴۲

۷ - ورد بن زید برادر کمیت

بن زید اسدی مقتضب الاثر ۵۰

۸ - سفیان بن مصعب عبدي مقتضب الاثر ۵۲

اشکالات و شبهات او پاسخ گفتند.

وایشان عبارتند از: ۱ - مجتهد کبیر مرحوم شیخ محمد حسین

آل کاشف الغطاء قصیده‌ای در ۲۴۰ بیت ۲ - فقید شرق مرحوم علامه

مجاهد شیخ محمد جواد بلاغی قصیده‌ای در ۱۰۶ بیت ۳ - نویسنده

نابغه و پرتوان و مشهور مرحوم سیبند محسن امین عاملی قصیده‌ای

در ۳۱۲ بیت که در جواب قصیده ۲۵۰ - ۲۵۱ بیتی او سرودند و مرحوم

خاتم المحدثین میرزا حسین نوری طبرسی کتابی ردیه‌ای بر این قصیده

بنام کَشْفُ الْأَسْتَارِ عَنْ وَجْهِ الْغَائِبِ عَنِ الْأَبْصَارِ نگاشته و اخیراً در

تهران تجدید چاپ شده است. (مترجم)

۲ - چون اشعاری را که مؤلف دانشمند در این بخش آورده بزبان

عربی است و ترجمه اشعار نیز عربی بصورت نشر فارسی چندان لطفی

ندارد لذا ترجمه نشد و فقط بذکر کسانی که اشعاری در این زمینه

سروده‌اند و مصادر آن اشاره‌ای رفته است.



- ٩ - ابوهريره شاعرا امام صادق (ع) مقتضب الاثر ٥٥
- ١٥ - مصعب بن وهب نوشجاني مقتضب الاثر ٥٢
- ١١ - سيد حميري (ره) رسائل شيخ مفيد ٥٥
- ١٢ - يحيى بن اعقب ينابيع المودة ٤١٣
- ١٣ - على بن ابي عبدالله
- خوافي از اصحاب حضرت رضا (ع) مقتضب الاثر ٥١
- ١٤ - عبدالله بن ايوب حزيبي
- از اصحاب حضرت رضا (ع) مقتضب الاثر ٥٤
- ١٥ - محمد بن اسماعيل بن صالح
- صيمري مقتضب الاثر ٥٥
- ١٦ - ابوالغوث اسلم بن مهوز طهوي
- منجبي مقتضب الاثر ٥٣
- ١٧ - قاسم بن يوسف كاتب المصلح المنتظر ٦٥
- ١٨ - ابن رومي المصلح المنتظر ٦٥
- ١٩ - شمس الدين محمد بن
- طولون الائمة الاثنا عشر ١١٨
- ٢٥ - فضل بن روزبهان كشف الاستار ٢٧٢
- ٢١ - شيخ جليل عبدالكريم يمانى (قده)
- تاريخ آل محمد (ص) ٢٧٢
- ٢٢ - محي الدين عربي ينابيع المودة ٤٦٧ - ٤١٦ والاشاعة
- لاشرائط الساعة ١٦٤
- ٢٣ - عبدالرحمن بسطامي صاحب
- كتاب درة المعارف تاريخ آل محمد (ص) ٢٧٣
- ٢٤ - ابوالفضل يحيى بن سلامه خصفكى
- تذكرة الخواص ٣٨٥
- ٢٥ - شيخ عارف الهى عامر بن عامر
- بصرى كشف الاستار ٥٦

۲۶ - شیخ فاضل عارف مشهور

ابوالمعالی صدرالدین قونوی      ینابیع المودة ۴۶۹

۲۷ - امام علامه ابوسالم کمال الدین

محمد بن طلحه شافعی      مطالب السئول ۷۹/۲

۲۸ - زید بن علی بن الحسین (ع)

اعیان الشیعة ۷۱/۲۳

۲۹ - عبدالله بن بشار      الخرایج و الجرایح فصل ۲۵

۳۵ - سید عبدالوهاب بدری      سیره الامام العاشر علی الهادی (ع)

تألیف بدری ۱۳۱

### امام مهدی (ع) در کتب ششگانه اهل سنت

قاموسهای حدیثی سرشار است از احادیث رسول اعظم (ص) در باره امام مهدی (ع) و ذکر غیبت و علائم ظهور و خروج و سپاه و دولت و مسائل دیگری که مربوط بآنحضرت است. و همه این احادیث را جمهور دانشمندان امت اسلامی و بزرگان از علماء اسلام با سندهای صحیح و معتبر از بزرگان صحابه و تابعین نقل کرده اند.

و کتب ششگانه اهل سنت که عبارتند از:

- |                   |                                 |
|-------------------|---------------------------------|
| ۱ - صحیح بخاری    | محمد بن اسماعیل بخاری           |
| ۲ - صحیح مسلم     | مسلم بن حجاج قشیری              |
| ۳ - مسند ابی داود | ابی داود سلیمان بن اشعث سجستانی |
| ۴ - صحیح ترمذی    | محمد بن عیسی ترمذی              |
| ۵ - سنن المصطفی   | محمد بن یزید ابن ماجه قزوینی    |
| ۶ - سنن نسائی     | احمد بن شعیب نسائی              |

و معتبرترین کتب نزد خود آنان است آن احادیث را نقل کرده اند. و ایند شش حدیث از این شش کتاب حضور خواننده محترم تقدیم می شود:

۱ - رسول خدا (ص) فرمود: چگونه است حال شما آنگاه که عیسی -

بن مریم (ع) در میان شما فرود آید و پیشوای شما از خودتان باشد. (۱)  
۲ - و فرمود (ص): از جمله پیشوایان شما کسی است که مال را می‌پاشد  
و شمارش نمیکند. (۲)

۳ - و فرمود (ص): مهدی از خاندان من و از فرزندان فاطمه است. (۳)

۴ - و فرمود (ص): دنیا پایان نگیرد تا اینکه مردی مالک عرب گردد  
که از خاندان من و همنام من است. (۴)

۵ - عبدالله گوید: در همان حال که حضور رسول خدا (ص)  
بودیم ناگاه جوانانی از بنی هاشم آمدند، تا چشم آنحضرت بایشان افتاد  
اشکش جاری شد و رنگ مبارکش تغییر کرد. گوید: عرض کردم: پیوسته  
ما آثار ناراحتی در چهره‌ات می‌بینیم که ما را رنج میدهد. فرمود: ما  
خاندانی هستیم که خدا آخرت را بجای دنیا برای ما برگزیده براستی  
خاندان من بهمین زودی پس از من دچار بلاء و تبعید و دوری از وطن  
گردند تا اینکه قومی از جانب مشرق که برچمهای سیاهی با آنانست  
بیایند و طلب خیر کنند و با آنان ندهند پس بجنگند و یاری شوند و  
خواست آنان بایشان داده شود اما نپذیرند تا اینکه آنرا بدست مردی  
از خاندان من سپارند که زمین را پر از داد کند همانگونه که آنان از  
ستم پر کرده باشند پس هر که این زمان را درک کند باید نزد ایشان  
برود اگر چه سینه خیز بر روی برف باشد. (۵)

۱ - صحیح بخاری ج ۴ کتاب ابتداء خلقت باب نزول عیسی (ع)

ص ۲۵۵

۲ - صحیح مسلم ۱۸۵/۸ و با الفاظ مختلف و طرق گوناگون نقل

شده است.

۳ - مسند ابی داود ، کتاب المهدی ۱۵۱/۴

۴ - صحیح ترمذی ۳۶/۲

۵ - سنن المصطفی ۲۶۹/۲

۶ - و فرمود (ص) . خداوند دو گروه از امت مرا از آتش نگهدارد  
گروهی که با همدیگر می‌جنگند و گروهی که (در آخر الزمان) با عیسی بن مریم (ع)  
می‌باشند . (۶)

کتاب هائی که اهل سنت درباره امام مهدی (ع) نگاشته‌اند  
براستی احادیث فراوانی از رسول اعظم (ص) درباره امام مهدی (ع)  
و آنچه که به غیبت و خروج و تشکیل دولت آنحضرت مربوط میشود  
رسیده و تمام این احادیث را بزرگان علماء مسلمین در کتب صحیح  
خود و جمهور دانشمندان در تألیفات خود نقل کرده‌اند و همه مسلمانان  
اجماع دارند بر خروج آنحضرت و اینکه او روی زمین را پیر از عدل و  
داد کند همانگونه که از ظلم و جور پر شده باشد .  
سید محسن امین رحمه الله در کتاب اعیان الشیعة جزء ۴ باب ۳  
ص ۳۴۰ فرموده: بدانکه همه مسلمانان اتفاق دارند بر خروج مهدی (ع) در

۶ - سنن نسائی ۴۳/۶ . مرحوم سید هاشم بحرانی متوفی ۱۱۰۷  
در کتاب غایة المرام ص ۶۹۷ از کتاب صحیح نسائی جزء ۳ باب آنچه  
که در باره عرب و عجم رسیده و آن آخرین باب کتاب است از مسعده  
از امام صادق از پدرش از جدش علیهم السلام از رسول خدا (ص) نقل کرده  
که آنحضرت فرمود: بشارت باد شما را زیرا که مثل امت من مثل باران  
است که معلوم نیست اول آن بهتر است یا آخر آن یا مانند باغ  
پر میوه‌ای است که هر سالی گروهی از آن می‌خورند که شاید گروه آخری  
عریضتر و عمیقتر و نیکوتر باشد و چگونه ممکن است امتی هلاک شود  
که من اول ایشان باشم و مهدی وسط و مسیح آخر آنان . اما در این  
میان مردمی قلدر و بدخو هستند که نه آنان از منند و نه من از آنان .  
این حدیث را شیخ سلیمان قندوزی حنفی متوفی ۱۲۹۴ در کتاب ینابیع  
المودة ص ۴۸۹ از غایة المرام نقل کرده و ما آنرا در صحیح نسائی  
مطبوع نیافتیم .

آخر الزمان و اینکه آنحضرت از اولاد علی بن ابیطالب وفاطمه  
علیهما السلام وهمنام رسولخدا (ص) است. و اخبار در این زمینه  
نزد شیعه و اهل سنت متواتر است و برآستی همه آنها را افراد موثق  
و مورد اطمینان از اهل سنت روایت کرده و در کتب و نوشته‌هایشان بیادگار  
گذاشته‌اند.

و کتابهایی هم در این خصوص از هر دو فرقه نگاشته شده و هر کس در  
آنچه که خواهیم گفت کاوش کند و همه روایات بسیاری را که از اهل سنت  
رسیده و جمله‌ای از روایات شیعه را - که ما چندین برابر آنچه را که آورده  
نقل نکرده‌ایم - بررسی نماید پی به تواتر آنها خواهد برد.

و اعتقاد بمهدی (ع) از جمله مسائل ثابت و متواتر اسلامی بلکه از  
ضروریات دین است و دلیل آن اخباری است که منکر مهدی (ع) و دجال  
را کافر دانسته (۷) و اجماع بر این مسئله از همه مسلمین حاصل است

---

۷ - مرحوم سید در این سخن بحديث زیر و نظایر آن نظر دارد:  
جابر بن عبدالله انصاری گوید: رسول خدا (ص) فرمود: هر کس  
خروج مهدی را انکار کند بآنچه که بر محمدنازل شده کافر گردیده و  
هر که نزول عیسی را منکر شود کافر است و هر که خروج دجال را نپذیرد  
برآستی کفر ورزیده است. ینابیع المودة ۴۴۷ - غایة المرام ۶۹۲  
منتخب الاثر ۱۴۹.

شهاب الدین احمد بن حجر هیثمی فتوا داده به کشتن هر کس  
که مهدی (ع) را انکار کند. و از او پرسش شد که طائفه‌ای معتقدند در  
باره مردی که چهل سال پیش مرده که او همان مهدی است که بظهور  
او در آخر الزمان وعده داده شده و هر که انکار کند که او مهدی است  
کافر شده، در باره آنان چه می‌فرمائید؟

پاسخ داد: این یک اعتقاد باطل و گمراهی قبیح و نادانی زشتی  
است. اما سخن اول: بدلیل اینکه مخالف صریح احادیثی است که بر  
خلاف عقیده آنان تواتر دارد چنانچه خواهیم نگاشت. و اما سخن دوم:

و در آن خلافتی نیست، (پایان سخن مرحوم امین)  
 و باین ترتیب شکفت نیست که دانشمندان اسلامی با همه اختلافی  
 که در مذهب و روش خود دارند در نگارش کتاب در زمینه امام مهدی (ع)  
 مسابقه گذارده و از یکدیگر پیشی میگرفته‌اند و هر کدام از آنان  
 بفرخور حال احادیثی راجع آوری نموده‌اند. اینک ما چندی از آن کتب  
 را نام می‌بریم:

- ۱ - ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون تألیف احمد بن صدیق  
 بخاری طبع چاپخانه ترقی دمشق. (۸)
- ۲ - احوال صاحب الزمان (ع) تألیف سعدالدین حموی. (۹)
- ۳ - اخبار المهدی تألیف حماد بن یعقوب رواجنی. (۱۰)



باین دلیل باطل است که طبق آن گفتار همه علمائی که در کتابهایشان  
 تصریح کرده بآنچه که آنان باور ندارند و اینکه آن مرده مهدی موعود  
 نیست کافرند و هر که مسلمانی را کافر بداند خودش کافری است که از  
 دین برگشته که اگر توبه نکند باید گردنش را زد.

و نیز آنان منکر مهدی موعود در آخر الزمان هستند و در حدیث از  
 پیامبر (ص) آمده که: هر کس دجال و مهدی (ع) را دروغ پندارد کافر است  
 و اینان صریحاً مهدی را انکار دارند و بیم کفر بر آنان می‌رود.

پس بر امام - که خدا دین را بدو یاری دهد و به شمشیر عدل او گردن  
 سرکشان بدعتگذار مفسد مانند این فرقه ستمکار و سرکش و کافر از دین  
 بیرون شده را بشکند - واجب است که زمین را از امثال اینها پاک و مردم  
 را از سخنان زشت و کارهای ناپسند آنان راحت کند. سپس احادیثی را  
 که در باره امام مهدی (ع) رسیده آورده است. (الفتاوی الحدیثه ص ۲۷)

۸ - مهدی منتظر ۱۴

۹ - منتخب الاثر ۳۲۹ از مرآة الاسرار جامی

۱۰ - مهدی منتظر ۱۴

۴ - اربعین حدیث فی المهدی تألیف ابی العلاء همدانی . (۱۱)  
۵ - اربعین حدیث فی المهدی تألیف حافظ ابی نعیم احمد بن عبداللہ  
اصفہانی . (۱۲)

۶ - البیان فی اخبار صاحب الزمان تألیف کنجی شافعی . (۱۳)  
۷ - البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان تألیف علی بن حسام  
الدین متقی ہندی مؤلف کنز العمال کہ نسخہای از آن در کتابخانہ عمومی  
امام امیرالمؤمنین (ع) در نجف اشرف و نسخہای دیگر در بایزید در  
ترکیہ بشمارہ ۸۲۹ میباشد . (۱۴)

۸ - تحدیق النظر فی اخبار المهدی المنتظر تألیف محمد بن عبدالعزیز  
بن مانع از علماء نجد در قرن ۱۴ است و نسخہای از کتاب در دارالکتب  
میباشد چنانچہ در فہرست کتابخانہ بشمارہ ۱۲۷/۱ موجود است . (۱۵)  
۹ - تلخیص البیان فی علامات مهدی آخر الزمان تألیف ابن کمال  
باشاحنفی متوفی ۹۴۰ .

نسخہ معروفی است کہ در کتابخانہهای استامبول هست . یکی از  
نسخہهای آن ضمن مجموعہای بشمارہ ۴۴۶ در کتابخانہ عشر افندی  
سلیمانیه موجود است . (۱۶)

۱۱ - محب الدین طبری در ذخائر العقبی ص ۱۳۶ از آن نقل کردہ است .  
۱۲ - اربلی در کشف الغمۃ و سیوطی در العرف الوردی نام آنرا  
برده اند و بعضی دیگر از دانشمندان از کتاب مناقب المهدی و نعنت  
المهدی تألیف ابی نعیم نیز روایت کردہ اند و معلوم می شود کہ او سه  
کتاب در بارہ مهدی (ع) نگاشته است .

۱۳ - این کتاب بارہا بچاپ رسیدہ و آخرین بار در سال ۱۳۸۲  
در نجف اشرف با مقدمہ محقق بزرگ محمد مهدی خراسان بچاپ رسیدہ است .  
۱۴ - مقدمہ پنابیع المودۃ ص ۸ ط نجف و اخیراً در قم با تحقیقات  
استاد محقق آقای علی اکبر غفاری چاپ شدہ است . (مترجم)  
۱۵ و ۱۶ - مقدمہ پنابیع المودۃ ص ۹ ط نجف .



- ۱۰ - تلخیص البیان فی اخبار مهدی آخر الزمان تألیف علی ابن-  
حسام الدین متقی هندی متوفی ۹۷۵. (۱۷)
- ۱۱ - التوضیح فی تواتر ماجاء فی المهدی المنتظر والدجال و  
المسیح. تألیف قاضی القضاة محمد بن علی شوکانی صنعانی متوفی ۱۲۵۰. (۱۸)
- ۱۲ - جمع الاحادیث الواردة فی المهدی تألیف ابی بکر بن-  
خیثمة. (۱۹)
- ۱۳ - الرد علی من حکم وقضى ان المهدی الموعود جاء ومضى  
تألیف ملا علی قاری متوفی ۱۰۱۴.
- نسخه‌ای از آن در کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (ع) در  
نجف اشرف و نسخه دیگری در کتابخانه عمومی ناصریه در لکهنواست. (۲۰)
- ۱۴ - رساله فی الاحادیث القاضیه بخروج المهدی تألیف بدر الملة  
محمد بن اسماعیل یمنی صنعانی متوفی ۷۵۱. (۲۱)
- ۱۵ - رساله فی المهدی در ضمن یک مجموعه چاپ شده و در  
کتابخانه اسعد افندی سلیمانیه ترکیه بشماره ۳۷۵۸ موجود است. (۲۲)
- ۱۶ - العرف الوردی فی اخبار المهدی تألیف جلال الدین سیوطی  
شافعی. (۲۳)

- ۱۷ - مقدمه ینابیع الموده ص ۹ ط نجف و در کشف الظنون  
۸۹۴/۱ آنرا بنام رساله‌ای در باره مهدی بزبان فارسی آورده است.
- ۱۸ - مهدی منتظر ص ۱۵ بتقل از غایة المأمول ۳۲۷/۵ و فهرس-  
الفوارس ۴۰۹/۲.
- ۱۹ - مهدی منتظر ص ۱۵
- ۲۰ - مقدمه ینابیع الموده ص ۱۱ ط نجف
- ۲۱ - مهدی منتظر ص ۱۶
- ۲۲ - مقدمه ینابیع الموده ص ۱۱ ط نجف
- ۲۳ - در ضمن کتاب دیگرش الحاوی ج ۲ از ص ۱۲۳ تا ۱۶۶  
چاپ شده است.

- ۱۷ - العطر الوردی فی شرح القطر الشهدی فی اوصاف المهدی  
تألیف محمد بن محمد بن احمد حسینی بلهیسی که در سال ۱۳۵۸ آن  
را شرح کرده است. (۲۴)
- ۱۸ - عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر تألیف یوسف بن یسبی بن  
علی مقدسی شافعی متوفی ۶۸۵. (۲۵)
- ۱۹ - علامات المهدی تألیف جلال الدین سیوطی . (۲۶)
- ۲۵ - فرائد فوائد الفکر فی الامام المهدی المنتظر تألیف مرعی بن-  
یوسف کرمی مقدسی حنبلی متوفی ۱۰۳۱ .  
نسخه‌ای از آن ضمن مجموعه‌ای بشماره ۱۴۴۶ در کتابخانه‌  
عاشرفندی سلیمانیه موجود است. (۲۷)
- ۲۱ - فوائد الفکر فی المهدی المنتظر تألیف مرعی بن یوسف کرمی  
مقدسی حنبلی متوفی ۱۰۳۱. (۲۸)
- ۲۲ - القطر الشهدی فی اوصاف المهدی (بصورت قصیده و شعر  
است) تألیف شهاب الدین احمد بن احمد بن اسماعیل حلوانی شافعی  
متوفی ۱۳۵۸ .  
در آخر کتاب فتح رب الارباب در مصر سال ۱۳۴۵ در چاپخانه  
المعاهد بچاپ رسیده است. (۲۹)
- ۲۳ - القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر تألیف شهاب

- ۲۴ - مقدمهٔ ینابیع المودة ص ۱۳ ط نجف
- ۲۵ - نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌های نجف اشرف و کربلا و ترکیه  
و جایگاه کتابهای خطی عربی در مصر موجود است . و کنجی در دو کتاب خود  
البیان و کفایة الطالب و برزنجی در الاشاعة و حائری در الزام الناصب  
و مرحوم صدر در المهدی از این کتاب نقل کرده‌اند .
- ۲۶ و ۲۷ - مقدمهٔ ینابیع المودة ص ۱۴ ط نجف
- ۲۸ - مهدی منتظر ص ۱۷ و مقدمهٔ ینابیع المودة ص ۱۵ ط نجف
- ۲۹ - مقدمهٔ ینابیع المودة ص ۱۵ ط نجف

الدين بن حجر هيثمي . ( ٢٥ )

٢٤ - كتاب المهدي تأليف ابي داود سليمان بن اشعث سجستاني

مؤلف يكي از كتب ششگانه اهل سنت . ( ٣١ )

٢٥ - المشرب الوردى فى اخبار المهدي تأليف ملا علي بن سلطان

محمد قارى حنفى متوفى ١٥١٤ .

نسخه‌اى از آن در ضمن مجموعه‌اى بشماره ١١٤٦ در كتابخانه‌عاشر

افندى سليمانيه و دو نسخه ديگر از آن در ضمن دو مجموعه ديگرى

بشماره ١٤٤٦ و ٣٥٢٣ در كتابخانه اسعدافندى سايمانيه و نسخه -

چهارمى ضمن مجموعه‌اى بشماره ١٤٣٩ در كتابخانه عبدالحميدسليمانيه

و نسخه پنجمى ضمن مجموعه‌اى بشماره ٤٥٥٦ در كتابخانه نورعثمانيه و

نسخه ششمى ضمن مجموعه‌اى برقم ٥٥٩ كوپرلى موجود است . ( ٣٢ )

٢٦ - المهدي تأليف شمس الدين ابن قيم جوزيه متوفى ٧٥١ . ( ٣٣ )

٢٧ - المهدي الى ماورد فى المهدي تأليف شمس الدين محمد بن

طولون . ( ٣٤ )

٢٨ - النجم الثاقب فى بيان ان المهدي من اولاد علي بن -

ابيطالب (ع) .

در ٧٨ صفحه نوشته شده و در كتابخانه لالهلى سليمانيه بشماره

٦٧٩ موجود است ( ٣٥ )

٣٥ - در كتاب خود الفتاوى الحديثه ص ٣١ بدان اشاره کرده

و برزنجى در الاشاعة ص ٣١٧ از او نقل کرده است .

٣١ - در ضمن جزء ٤ مسند او چاپ شده است .

٣٢ - مقدمه ينابيع الموده ص ١٦

٣٣ - مقدمه ينابيع الموده ص ١٨ ط نجف

٣٤ - در كتاب خود "الائمة الاثنا عشر" ص ١١٨ بدان اشاره

کرده است .

٣٥ - مقدمه ينابيع الموده ص ١٨ ط نجف

- ٢٩ - الهدية المهدوية تأليف أبي الرجاء محمد هندی . (٣٦)
- ٣٥ - الفواصم عن الفتن القواصم تأليف دانشمند علامه علي بن برهان الدين حلبی شافعی . (٣٧)

- 
- ٣٦ - مهدي منتظر ص ١٨
- ٣٧ - السيرة الحلبية ١/٣٢٧

### اعتراف کنندگان با امام مهدی (ع) از اهل سنت

افزافه بر آنچه که در فصلهای پیش گذشت از اسامی دانشمندی از اهل سنت که در باره امام مهدی (ع) مستقلاً کتاب نوشته یا فصل معینی از کتب خود را به مسائلی در باره آنحضرت اختصاص داده و نامی از آنحضرت برده اند، در این فصل نام عده ای از دانشمندان آنان را ذکر می کنیم که ببقاء آنحضرت معتقد و بخروج حضرتش معترفند.

و برآستی بعضی از ایشان دعوی بر خورد با آنحضرت کرده و عده ای دیگر احادیثی نقل کرده اند که از زبان مبارک آنحضرت شنیده اند و جماعتی از علماء آنان بوجود مبارک آنحضرت فتوی داده اند، و اینک نام چند تن از آنان:

- ۱ - شیخ الاسلام ابراهیم بن سعدالدین. (۱)
- ۲ - حافظ ابو محمد احمد بن ابراهیم بن هاشم طوسی بلاذری حدیثی را که از خود آنحضرت (ع) شنیده نقل کرده است. (۲)
- ۳ - ابوالسرور احمد بن ضیاء حنفی در فتوای خود بوجود حضرتش اعتراف کرده است. (۳)
- ۴ - ابوالعباس احمد الناصر لدین الله - خلیفه عباسی - بوجود آنحضرت معترف است و پس از تعمیر سرداب شریف نام مبارک آنحضرت را بر یک درب چوبی نفیس نگاشت که تا امروز نیز باقی است. (۴)

۱ - منتخب الاثر ۳۳۸

۲ - منتخب الاثر ۳۲۶

۳ - منتخب الاثر ۶

۴ - سیره الامام العاشر علی الهادی (ع) ۱۲۲

- ۵ - جلال الدين رومى مولوى در مدحش از اهل بيت عليهم السلام  
 امام مهدى (ع) را هم نام برده است. (۵)
- ۶ - شيخ حسن عراقى عارف، مدعى بوده كه با حضرت (ع) برخورد  
 داشته است. (۶)
- ۷ - مولى حسين بن على كاشفى صاحب جواهر التفسير. (۷)
- ۸ - شمس الدين تبريزى، در مدحش از اهل بيت عليهم السلام  
 امام مهدى (ع) را هم نام برده است. (۸)
- ۹ - شيخ على خواص. (۹)
- ۱۰ - عماد الدين حنفى. (۱۰)
- ۱۱ - القطب المدار. (۱۱)
- ۱۲ - شيخ عطار نيشابورى در ضمن مدحش از اهل بيت عليهم السلام از  
 آنحضرت هم نام برده است. (۱۲)
- ۱۳ - محمد بن محمد مالكى در فتاوى خود. (۱۳)
- ۱۴ - سيد نسيمى در ضمن مدحش از اهل بيت عليهم السلام  
 آنحضرت را هم نام برده است. (۱۴)
- ۱۵ - سيد نعمة الله ولى در ضمن مدحش از اهل بيت عليهم السلام  
 آنحضرت را هم نام برده است. (۱۵)
- ۱۶ - يحيى بن محمد حنبلى در فتاوى خود. (۱۶)

- ۵ - ينابيع المودة ۴۷۲
- ۶ - اليواقيت والجواهر ۱۴۳/۲
- ۷ - منتخب الاثر ۳۳۹
- ۸ - ينابيع المودة ۴۷۲
- ۹ - اليواقيت والجواهر ۱۴۳/۲ ۱۰ - منتخب الاثر ۳۴۰
- ۱۱ - كشف الاستار ۵۲
- ۱۲ - ينابيع المودة ۴۷۲
- ۱۳ - منتخب الاثر ۶
- ۱۴ و ۱۵ - ينابيع المودة ۴۷۲
- ۱۶ - منتخب الاثر ۶

### امام مهدی (ع) در سخنان دانشمندان اهل سنت

در این فصل بخش مهمی از کلمات متفکرین و استوانه‌های علمی و دانشمندان و عالمان امت اسلامی از اهل سنت را تقدیم داشته که همه آنها دلیل اعترافشان بوجود امام مهدی (ع) است و اینکه آنحضرت زمین را از عدل و داد پر کند همانگونه که از ظلم و جور پر شده باشد.

و در این فصل و فصلهای گذشته اجماع دانشمندان اهل سنت جز عده کمی از آنان (۱) بر وجود حضرتش (ع) بچشم میخورد و اینکه او همان کسی است که رسول اعظم (ص) بخروج او و دولتش بشارت فرموده است. و اینک نام چند تن از ایشان:

۱ - ابن جوزی در هنگام سخن از نماز خواندن عیسی (ع) در پشت سرمهدی (ع) گوید: اگر عیسی (ع) بعنوان امامت پیش بایستد این شبهه پیش میآید که آیا امام مهدی (ع) او را با امامت واداشته یا خود او شرعاً شایسته این کار بوده است؟ پس عیسی بمهدی (ع) اقتداء میکند تا این حقیقت بغبار شبهه، آلوده نگردد. (۲)

۱ - مانند دکتر احمد امین و سعد محمد حسن، و آنچه که آنان گفته‌اند جز مغالطه در حقیقت و انحراف فکری چیزی نیست. و هر کس کتاب آندو را ورق زند و با دقت و ارسی کند مییابد که بحث هر کدام از آنان در باره حکایات و احوال دجال صفتانی است که ادعای مهدویت کرده‌اند و این موضوع سبب طعن - برمانیست و عقیده‌ای را مخدوش نکند بعد از آنهمه روایاتی که از رسول اعظم (ص) در باره امام مهدی (ع) رسیده و تمام آن را نویسندگان کتب صحاح و سنن و مجموعه‌ها و مسانید حدیثی در کتابهای خود آورده و امت اسلامی بر آن اجماع دارند.

و نمیدانم دکتر و استاد در باره دجال‌هایی که ادعای نبوت کرده‌اند چه سخن دارند؟ آیا این ادعای دروغین آنان نبوت انبیاء و مرسلین (ع) را مخدوش می‌کند؟



۲ - ابن کثیر بهنگام بیان حدیث آمدن پرچمهای سیاه از طرف مشرق گوید: این پرچمها آن پرچمهایی نیست که با ابومسلم خراسانی بود و بدان سبب دولت بنی امیه را از بین برد بلکه علمهای سیاه دیگری است که همراه با ظهور مهدی (ع) است. (۳)

۳ - ابوالحسین آبری گوید: اخبار متواتر است - و بسبب کثرت راویانش (از نظر فن حدیث) بحد استفاضه رسیده - از حضرت معطفی (ص) درباره خروج آنحضرت و اینکه حضرتش از اهل بیت (ع) است و هفت سال حکومت کند و زمین را از عدل پر کند و اینکه او با عیسی (ع) خروج میکند و او را بر کشتن دجال در بابل در سرزمین فلسطین مساعدت می نماید و او بر این امت امامت کند و عیسی (ع) پشت سر او نماز میگذارد. (۴)

۴ - ابوطیب بن ابی احمد حسینی بخاری قنوجی گوید: احادیث مهدی (ع) (از نظر فن حدیث) بعضی صحیح و بعضی حسن و بعضی ضعیف است. و امر او در بین همه ملت اسلامی در گذشت روزگاران مشهور و معروف است و ناچار باید در آخر الزمان مردی از خاندان پیامبر (ص) ظهور کند که دین را یاری نماید و عدالت را ظاهر سازد و مسلمانان از او پیروی کنند و بر ممالک اسلامی چیره شود و او نامش مهدی است و خروج دجال پس از او از نشانه های بر پا شدن قیامت است که در اخبار صحیحه بثبوت رسیده، و عیسی پس از او (از آسمان) فرود آید و دجال را بکشد و در نماز بمهدی (ع) اقتداء کند و دیگر از مسائلی که مربوط بآن است و احادیث درباره دجال و عیسی (ع) نیز بحد تواتر رسیده. (۵)

۵ - عارف مشهور شیخ الاسلام شیخ احمد جامی در شعر فارسی خود گوید: مهدی پیشوای عالم است. (۶)

۳ - سنن ابن ماجه ۵۱۹/۲ ۴ - الصواعق المحرقة ۹۹

۵ - الاذاعة لماکان ویکون بین یدی الساعة ۵۳

۶ - کشف الاستار ۴۵ و آن اشعار چنین است:



۶ - شهاب الدین احمد بن حجر هيثمي گوید: ابوالقاسم محمد حجت پس از وفات پدرش پنج سال داشت که خداوند حکمت را باو داد و قائم منتظر نام دارد: (۷).

۷ - حافظ بزرگ و مشهور ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن - عبیدالله بن موسی بیهقی فقیه شافعی گوید: مردم در باره مهدی (ع) اختلاف کرده‌اند، گروهی در این باره توقف کرده و عقیده‌ای ابراز نداشته و علم آنرا بدانای آن حوالت کرده‌اند و اعتقاد دارند که او یکی از فرزندان فاطمه دخت رسول خدا (ص) است که خدا هر وقت خواهد او را می‌آفریند و برای یاری دینش بر میانگیزد.

و گروهی گفته‌اند: مهدی موعود در روز جمعه نیمه ماه شعبان سال ۲۵۵ بدنیآ آمده و اوست امام ملقب به حجت قائم منتظر محمد بن حسن عسکری - علیهما السلام و او در پنهانی از دیده مردم در سرمن رأی داخل سرداب شد و منتظر خروج است. (۸)

و در آینده نزدیک ظاهر میشود و زمین را از عدل و داد پر میکند همانگونه که از ظلم و جور پر شده باشد و مانعی برای طول عمر او نیست و در ازی عمرش همچون عیسی بن مریم و خضر علیهما السلام است. و این

من ز مهر حیدرم هر لحظه اندر دل صفاست

از پس حیدر حسن ما را امام و رهنماست

تا اینکه گوید:

عسکری نور دو چشم عالمست و آدمست

همچو یک مهدی سپهسالار در عالم کجاست

۷ - الصواعق المحرقة ۱۲۴

۸ - عقیده شیعه در اینباره این است که: محل غیبت آنحضرت

سرداب خانه پدرش امام عسکری (ع) بوده اما در آنجا ماندگار نشد بلکه از آنجا بیرون شده و چنانچه در روایات آمده: آنحضرت در بازارها راه می‌رود و روی فرش دوستان قدم می‌گذارد و همه ساله در مراسم حج شرکت میکند. (مترجم).

گروه که چنین معتقدند شیعیان، خصوصاً امامیه هستند و جماعتی از اهل کشف هم با ایشان بر این عقیده موافقند. (۹)

۸ - قاضی احمد مشهور به ابن خلکان گوید:

ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری بن علی الهادی بن محمد الجواد دوازدهمین امام از امامان دوازده گانه بنا بر اعتقاد شیعیان امامیه است که به حجت معروف میباشد.

و گفته: ولادت آنحضرت در روز جمعه نیمه ماه شعبان سال ۲۵۵

است و هنگام وفات پدرش - که ذکرش گذشت - پنج سال داشت.

و گوید: ابن الازرق در تاریخ میافارقین گفته: حجت یاد شده در

نهم ربیع الاول سال ۲۵۸ متولد شده است. (۱۰)

۹ - سید احمد زینی دحلان مفتی مکه گوید: احادیثی که در آنها

نام مهدی (ع) برده شده بسیار و متواتر است و در میان آنها قسمتی صحیح و قسمتی حسن و اکثر آنها ضعیف است اما بجهت تعداد زیاد آنها و کثرت راویان و جمع آوری کنندگان آنها بعضی از آنها بعضی دیگر را قوت میبخشد تا اینکه از مجموع آنها قطع و یقین حاصل میشود.

و آنچه که قطعی است این است که: ظهور او حتمی است و از

اولاد فاطمه (ع) است و زمین را از عدل پر میکند.

این مطلب را علامه سید محمد بن رسول برزنجی در آخر کتاب

الاشاعة بیان داشته. و اما محدود کردن ظهور آنحضرت بسال معینی

درست نیست زیرا اینمطلب غیبی است که آنرا جز خدا نداند و نصی

هم از شارع بر بیان وقت معین نرسیده است. (۱۱)

۱۰ - شیخ علاء الدین احمد بن محمد سمانی در ذکر ابدال و

اقطاب (پیران و مرشدان) گوید: و براستی از کسانی که بر تبه قطب

۹ - البرهان علی وجود صاحب الزمان (ع) ۷۹

۱۰ - وفیات الاعیان ۳/۳۱۶

۱۱ - الفتوحات الاسلامیه ۲/۳۲۲

بودن رسیده محمد مهدی بن الحسن العسکری (ع) است. و او بهنگام پنهان شدن از دایره ابدال، بتدریج طبقه طبقه بالا رفت تا اینکه سید و بزرگ ابدال گردید. (۱۲)

۱۱ - اسماعیل حقی گوید: عیسی و مهدی علیهما السلام باهم باشند، عیسی بشریعت و امامت قیام کند و مهدی بشمشیر و خلافت، پس عیسی خاتم ولایت مطلقه است چنانچه مهدی خاتم خلافت مطلقه می باشد. (۱۳)

۱۲ - قاضی بهلول بهجت گوید: امام ابوالقاسم محمدالمهدی در پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ بدنیآ آمد. مادر او ام ولد است که نرجس نام دارد. و زمانی که پدرش از دنیا رفت او پنجساله بود. امام دوبار غایب شده: اولی غیبت صغری و دومی غیبت کبری است و او تا حال زنده است و آنگاه که خدا اجازه دهد ظهور میکند و زمین را از عدل پر سازد همانگونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (۱۴)

۱۳ - امام ابواسحاق ثعلبی در تفسیرش در داستان اصحاب کهف گوید: آنان به خوابگاهشان رفتند و در خوابند تا آخر الزمان هنگام خروج مهدی (ع)، آنحضرت بر آنان سلام کند و خدای عز و جل ایشان را برای آنحضرت زنده کند سپس آنان را بخواست بازگرداند و برنخیزند تا روز قیامت. (۱۵)

۱۴ - جعفر بن سيار شامی گوید: کار رد مظالم مهدی (ع) بجائی می رسد که اگر زیر دندان انسانی چیزی از حقوق دیگران باشد آنرا باز گیرد و باهلش برساند. (۱۶)

---

۱۲ - سمط النجوم العوالی ۱۳۸/۴

۱۳ - روح البیان ۲۸۵/۸

۱۴ - آل محمد (ص) ۲۷۰ ام ولد به کنیزی گویند که دارای

فرزندی باشد.

۱۵ - کشف الاستار ۱۴۶

۱۶ - الملاحم والفتن ۵۴

۱۵ - قاضی جواد سباطی (در کتاب البراهین السباطیه از کتاب شعیا جملاتی نقل کرده که در آخر آن آمده که او به مجرد سمع حکم نمی‌کند پس از آن) گوید: آنکه نص بر او وارد شده شخص مهدی (رض) است بصریح این قول که گفته: او بمجرد سمع حکم نمی‌کند. زیرا همه مسلمانان اجماع دارند که آنحضرت بمجرد سمع و با توجه به ظاهر حکم نمی‌کند بلکه به باطن نظر دارد و این موضوع برای هیچیک از انبیاء و اوصیاء (ع) اتفاق نیفتاده است (جز حضرت داود که بواقع و باطن حکم می‌کرده) و مسلمین در باره مهدی (رض) اختلاف کرده‌اند، اصحاب ما که اهل سنت و جماعتند گویند: او مردی از اولاد فاطمه است که نامش محمد و اسم مادرش آمنه است. و امامیه گویند: او محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است و در سال ۲۵۵ از کنیز امام حسن عسکری (ع) بنام نرحس در سامراء در زمان معتمد متولد شد و یکسال غایب گردید و پس از آن ظاهر شد و دوباره غایب شد و این همان غیبت کبری است و بعد از آن باز نگردد مگر آنگاه که خدا خواهد.

و چون گفتار آنان نزدیکتر به قبول نص است و غرض من هم دفاع از آئین محمد (ص) است با قطع نظر از تعصب در مذهب قول امامیه را که مطابق با این نص است برایت بیان داشتم. (۱۷)

۱۶ - حسین بن معین الدین میبیدی گوید: امید بکرم و هاب نعم آنکه باصره ما از کحل الجواهر خاک آستان آنحضرت روشنی یابد و آفتاب عالمتاب حقیقت جامعه او بر در و بام تشخص ما بتابد و ما ذلک علی الله بعزیز - که اینکار بر خدا گران نیست. (۱۸)

۱۷ - حسین بن همدان حضینی در کتاب هدایه گوید: امام یازدهم ابو محمد حسن بن علی در سن ۲۷ سالگی در روز جمعه هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری از دنیا رفت... و فرزند او الخلف المهدی امام دوازدهم صاحب الزمان است که در روز جمعه بهنگام طلوع فجر

در هشتم شعبان سال ۲۵۵ هجری متولد گردید. (۱۹)

۱۸- خیرالدین زرکلی گوید: محمد بن الحسن العسکری الخالص بن علی السهادی ابوالقاسم آخرین امامان دوازدهگانه باعتقاد شیعیان امامیه است. و او همان است که در نزد آنان بمهدی وصاحب الزمان و منتظر وحجت وصاحب سرداب معروف است. در سامراء متولد شده و در هنگام وفات پدرش پنجسال داشته است... تا آخر. (۲۰)

۱۹- قاضی شهاب الدین بن شمس الدین بن عمر هندی معروف بملک العلماء در کتابش هدایة السعادة گوید: اهل سنت گویند: براستی جانشینی خلفاء اربعه (ابوبکر - عمر - عثمان - علی (ع)) بنص ثابت است. البته این بعقیده حافظیه است. پیامبر (ص) فرمود: "خلافت پس از من سی سال طول میکشد" و آن با خلافت علی (ع) پایان یافت. و امامت دوازده امام هم همین گونه است که اول آنان امام علی - کرم الله وجهه - است و در باره خلافت او حدیث رسیده که خلافت سی سال است. و دوم امام شاه حسن (رض) است، رسول خدا (ص) فرمود: این پسر من سید است و بزودی میان مسلمانان اصلاح کند.

سوم شاه حسین (رض) است، پیامبر (ص) فرمود: بعد از حسین - بن علی نه امام میباشد که آخرین آنان قائم است - بر همه آنان درود باد و جابر بن عبدالله انصاری گوید: بر حضرت فاطمه (ع) دخت گرامی رسول خدا (ص) وارد شدم و در نزد حضرتش الواحی بود که در آنها اسامی امامان از اولاد آنحضرت نوشته بود آنها را شمردم یازده نام بود که آخر آنان قائم (ع) بود. (۲۱)

۲۰- شیخ کامل عارف صلاح الدین صفدی در شرح دائره گوید: مهدی موعود دوازدهمین امام از ائمه است اول آنان علی (ع) و آخرشان

۱- الزام الناصب ۱/۲۴۰

۲۰- الاعلام ۶/۳۱۰

۲۱- البرهان علی وجود صاحب الزمان ۷۳



مهدی است . خدا از آنان راضی باد و ما را بوجودشان سود بخشد. (۲۲)

۲۱ - عارف محدث فقیه ابوالمجد عبدالحق دهلوی بخاری در جزوهای که در مناقب امامان علیهم السلام نگاشته گوید: فرزند ابومحمد الحسن العسکری که محمد نام دارد - رضی الله عنهما - در نزد اصحاب خاص و معتمدین حضرتش معروف است . سپس ولادت حضرت را شرح داده . (۲۳)

۲۲ - شیخ عبدالحق در لمعات گفته: احادیث زیادی که بعد تواتر رسیده اند همه آشکارا بیان دارند که مهدی از اهل بیت و از اولاد فاطمه (ع) است . (۲۴)

۲۳ - عزالدین ابوحامد عبدالحمید بن هبة الدین مدائنی مشهور بابن ابی الحدید بعد از اینکه سخن علی (ع) در باره مهدی را شرح میدهد گوید: سپس یاد کرده مهدی آل محمد (ص) را و او همان مقصود امام است که فرموده: "هرکس او را درک کند در تاریکیهای این آشوبها با چراغی فروزان حرکت میکند" . و او مهدی (ع) است . (۲۵)

۲۴ - عارف مشهور عبدالرحمن در مرآة الاسرار گوید: ذکر خورشید دین و دولت و هادی جمیع ملت، جانشین مقام پاک احمدی، امام بحق ابوالقاسم محمد بن الحسن المهدی (رضی الله عنه):  
او دوازدهمین پیشوا از ائمه اهل بیت است . مادر او ام ولدی است بنام نرجس، ولادت آنحضرت در شب جمعه پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ و بنا بر روایت شواهد النبوة در بیست و سوم ماه رمضان سال ۲۵۸ در سُرْمَن رَأَى که بسامراء معروف است بوده و او امام دوازدهم است و در اسم و کنیت با حضرت رسالت پناه برابر است .

۲۲ - ینابیع المودة ۴۷۱

۲۳ - البرهان علی وجود صاحب الزمان ۷۵

۲۴ - منتخب الاثر ۳ بنقل از حاشیه صحیح ترمذی ۴۶/۲

۲۵ - شرح نهج البلاغة ۳۴۶/۲



القاب شریفش از اینقرار است: مهدی، حجت، قائم، منتظر، صاحب الزمان، خاتم الاثنی عشر، و عمر آنحضرت در هنگام وفات پدرش امام حسن عسکری (ع) پنجاه سال بود و بر مسند امامت نشست و همانگونه که خدایتعالی به حضرت یحیی بن زکریا علیهما السلام در حال طفولیت حکمت و کرامت بخشید و عیسی بن مریم (ع) را در حال کودکی بمراتب بلند رسانید همچنین آنحضرت را هم در کودکی به مقام امامت رساند و معجزات و خوارق عاداتی که از آنحضرت بروز کرده کم نیست که این مختصر گنجایش آن را داشته باشد.

و گوید: صاحب کتاب المقصد الاقصی ذکر کرده که: حضرت شیخ سعد الدین حموی خلیفه نجم الدین - کتابی در حق امام مهدی (ع) نگاشته و مطالب بسیاری در باره حضرتش ذکر کرده بطوری که آوردن همه اقوال و بیاناتش برای ما ممکن نیست.

و گوید: و آنگاه که مهدی (ع) ظهور کند ولایت مطلقه را بدون هیچ پوششی بظهور رساند و اختلاف مذاهب و زشتی اخلاق را بزداید و آنطور که اوصاف پسندیده حضرتش در احادیث نبوی رسیده: آنحضرت در آخر الزمان بتمام و کمال ظهور کند و رُبُع مسکون را از ظلم و جور پاک سازد و تنها یک مذهب آشکار میگردد.

و اجمالاً وقتی بنا باشد دجال زشت کردار وجود داشته باشد و ظاهر شود و زنده و مخفی باقی باشد و همچنین عیسی (ع) موجود و از دیده های خلق پنهان باشد، پس فرزند رسول خدا (ص) هم که از نظر عوام پنهان است در وقت معینی که بمقتضای تقدیر الهی آشکارا ظهور کند مثل او چون عیسی (ع) و دجال است. و این مطلب از گفته های جماعتی از بزرگان و امامان از اهل بیت رسول خدا (ص) شگفت نیست و انکار آن از باب تعصب چندان ضرری نمی رساند. (۲۶)

۲۵ - عبدالرؤف مناوی در شرح حدیث " ازماست آنکه عیسی پشت سرش نمازگزارد " گوید: یعنی ازما اهل بیت آن مردی است که روح الله عیسی بن مریم (ع) هنگام نزولش از آسمان در آخر الزمان وقت ظهور دجال پشت سر او نماز گزارد. زیرا آنحضرت در وقت نماز صبح از آسمان بر مناره سفید شرقی دمشق فرود آید و ببیند که امام مهدی (ع) میخواهد نماز بخواند، امام عقب می‌رود تا عیسی پیش بایستد و عیسی (ع) آنحضرت را مقدم میدارد و خود پشت سر حضرتش نماز میخواند و بدین سبب فضل و شرف این امت فزونی یابد. (۲۷)

۲۶ - ابو محمد عبدالله بن محمد بن خَشَّاب در کتاب تواریخ موالید الائمة و وفیاتهم گوید: واورا دونام است: خَلْف و محمد. در آخر الزمان ظهور میکند و بالای سر او ابری است که او را از خورشید سایه میاندازد و هر جا که رود با اوست و با صدای بلند آواز دهد: این همان مهدی است. (۲۸)

۲۷ - فاضل بارع شیخ عبدالله بن محمد مطیری شافعی هر کتاب خود "الریاض الزاهرة فی فضل آل بیت النبی و عترته الطاهرة" گوید: دوازدهم، فرزند او (امام عسکری (ع)) محمد قائم مهدی (رض) است و نص در باره آنحضرت در اصول اسلامی از حضرت محمد پیامبر گرامی اسلام (ص) و از جد بزرگوارش علی (رض) و از باقی پدرانش (ع) که اهل شرف و مراتب اند گذشته و او همان صاحب شمشیر و قائم منتظر است چنانچه در اخبار صحیحه وارد شده و او را قبل از قیام دو غیبت است. (۲۹)

۲۸ - عبدالملک عصامی مکی مورخ گوید: و او امام محمد المهدی بن الحسن العسکری بن علی النقی بن محمد الجواد بن علی الرضا

۲۷ - فیض القدیر ۱۷/۶

۲۸ - المجالس السنیة ۵۸۶/۵

۲۹ - منتخب الاثر ۳۳۶

بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن حسین بن علی بن ابیطالب رضی الله عنهم اجمعین است.

در روز جمعه نیمه ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری دنیا آمد و ۲۵۶ هجری قمری در روز جمعه و این درستتر است. و مادرش ام ولدی است که نامش را صقیل (صیقل) و بعضی سوسن و بعضی نرجس گفته اند و کنیه اش ابوالقاسم و القابش حجت و خلف صالح و قائم و منتظر و صاحب الزمان و مشهورترین آنها مهدی است.

شمالش: جوانی است میانه قامت، نیکو صورت و خوش مو، کشیده بینی و سفید پیشانی و بهنگام فوت پدرش پنجساله بود. (۳۰)

۲۹ - سید من عبدالوهاب شعرانی گوید: مهدی (ع) از اولاد امام حسن عسکری (ع) است. تولدش در شب نیمه ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری بوده و او باقی است تا اینکه با عیسی بن مریم (ع) در کنار هم قرار گیرند. (۳۱)

۳۰ - سید جمال الدین عطاء الله در کتاب روضة الاحباب گوید: سخن در باره امام دوازدهم محمد بن الحسن علیه السلام:

میلاد با سعادت او که در صدف ولایت و جوهر کان هدایت است در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در سامراء بوده و بعضی در ۲۳ رمضان سال ۲۵۸ هجری قمری گفته اند. و مادر این گوهر گرانبها ام ولدی است که صقیل یا سوسن نام دارد و نرجس و حکیمه هم گفته شده و این امام محترم در اسم و کنیه با سرور عالمیان (ص) برابر است - بر او و آلش برترین درود -

و به مهدی و منتظر و خلف صالح و صاحب الزمان ملقب است. و عمر آنحضرت هنگام وفات پدر بزرگوارش بنا بر صحیحترین روایات پنج سال بوده و دو سال هم روایت شده است. و خداوند حکمت و کرامت را

۳۰ - سمط النجوم العوالی ۱۳۸/۴

۳۱ - الیواقیت و الجواهر ۱۴۳/۲

در حال طفولیت مانند یحیی بن زکریا (ع) باو عطا فرمود و در سن  
کودکی او را به مرتبهٔ رفیع امامت رسانید. و در سرداب سامراء به سال  
۲۶۵ یا ۲۶۶ بنا بر اختلاف دو قول - در زمان معتمد خلیفه عباسی  
غائب شد. (۳۲) سپس سخنش را با چند بیت شعر در خطاب با امام  
مهدی (ع) و طلب ظهور آن بزرگوار پایان داده است. (۳۳)

---

۳۲ - بنا بر روایات صحیح شیعه - آنحضرت هنگام شهادت پدر  
بزرگوارش ۵ سال داشته و پس از وفات حضرتش بر بدن مبارک او نماز  
خواند و از دیده‌ها غائب شد و مرحوم شیخ کلینی (ره) در کافی ۲/۴۳۰  
و مفید (ره) در ارشاد ۳۰۱ وفات امام عسکری علیه السلام را سال  
۲۶۰ نگاشته‌اند. (مترجم)

۳۳ - المجالس السنیه ۵/۵۷۸، البرهان علی وجود صاحب-

الزمان ۶۴

## مؤخره

ترجمهء کتاب الامام المهدی علیه السلام تألیف  
دانشمند محقق و متتبع آقای علی محمد علی دخیل در روز  
پانزدهم شعبان سال ۱۴۰۱ روز میلاد با سعادت مولانا  
صاحب الزمان علیه السلام پایان پذیرفت .  
خداوند دیدگان ما را بنور جمالش منور کند  
و یاران و اصحاب حضرتش قرارمان دهد

آمین

تهران - حسین استاد ولی

## فهرست

صفحه	موضوع
۳	اهداء
۴	این کتاب
۷	امام مهدی (ع) در چند سطر
۱۰	امام مهدی (ع) در قرآن کریم
۱۸	پیامبر گرامی (ص) ظهور امام مهدی (ع) را بشارت می دهد
۲۴	امیرالمؤمنین (ع) به ظهور امام مهدی (ع) بشارت می دهد
	امامان علیهم السلام بظهور امام مهدی (ع) بشارت
۳۰	می دهند
۳۴	صحابه و تابعین بظهور امام مهدی (ع) بشارت می دهند
۴۰	فهرستی از اسامی صحابه و کتابها در این زمینه
۴۳	تابعیانی که احادیث رسول اعظم (ص) درباره امام مهدی (ع) را روایت کرده اند
۴۶	ولادت امام مهدی (ع)
۴۹	اعلام ولادت امام مهدی (ع)
۵۲	برای چه امام مهدی (ع) غائب است؟
۵۶	آیا کسی غیر از امام مهدی (ع) هم مجبور به غیبت شده است

صفحه	موضوع
۵۶	آیا وقت آن نرسیده که ستم از میان برود؟
۵۸	فائده امام غائب چیست؟
۶۲	اشکالی درباره طول عمر و کسانی که عمر دراز داشته‌اند
۶۶	نشانه‌های ظهور آن حضرت (ع)
۸۷	بعضی از دعا‌های آن حضرت علیه السلام
۹۳	قسمتی از نامه‌های آن حضرت علیه السلام
۱۰۱	دولت آن حضرت (ع)
۱۰۶	روش آن حضرت علیه السلام
۱۱۰	کاروان شاعران
۱۱۳	امام مهدی (ع) در کتب ششگانه اهل سنت
۱۲۳	اعتراف کنندگان با امام مهدی علیه السلام از اهل سنت
	امام مهدی علیه السلام در سخنان دانشمندان
۱۲۵	اهل سنت